

یادداشت سیاسی ...

نگرانی پزشکيان از ورافتادن خامنه ای

مهدي سامع

صفحه ۲



بنزین پزشکيان در کوره فلاکت

منصور امان

صفحه ۳

اعدام؛ راهکاری

برای بقای امنیت نظام

اسامی ۲۸۱ تن از زندانیان اعدام شده

از اول تا ۳۰ آبان ۱۴۰۴

صفحه ۱۵

«آزادی»های کنترل شده

از زبان مردم

لیلا جدیدی

صفحه ۷

روزها، سالها، ماهها می گذرند...

فرح مدائن

صفحه ۱۶

با مردم در شبکه اجتماعی

مرجان

صفحه ۱۷

بهرام مشیری هم رفت!

صفحه ۲۰

بحران بی آبی تهران: چهره آشکار

فروپاشی مدیریتی جمهوری اسلامی

اسد طاهری

صفحه ۲۱

یارانه و کالا برگ؛

نقاب بر چهره دردناک فقر

زینت میرهاشمی

صفحه ۴

خودسوزی احمد بالدی،

دستاورد ظالمانه اقتصاد مقاومتی

زینت میرهاشمی

صفحه ۲۱

آزادیبخش یا ارتجاعی:

بازخوانی

جایگاه سیاسی - اجتماعی حماس

منصور امان

صفحه ۵

در این شماره ... آبان ۱۴۰۴

صفحه ۹

رویدادهای هنری ماه

صفحه ۱۲

دانشگاه در ماهی که گذشت - کامران عالمی نژاد

صفحه ۱۴

چالشهای معلمان - فرنگیس بایقره

صفحه ۱۹

زنان در مسیر رهایی - اسد طاهری

صفحه ۲۲

جنبش رنگین کمان بیشماران - پویا رضوانی

صفحه ۲۸

یادواره / فدایی شهید رفیق پرویز نصیر مسلم - امیر ابراهیمی

صفحه ۲۸

شهادت فدایی مهر ماه

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

یادداشت سیاسی ...

نگرانی پزشک‌یان از ورافتادن خامنه‌ای

مه‌دی سامع

برای برخی از کسانی که حرفهای پزشک‌یان را پیگیری می‌کنند، این سوال مطرح می‌شود که آیا او آگاهانه، با و یا بی‌توافق با ولی فقیه، این گونه پرده‌داری می‌کند و یا بدون آگاهی از رمز و راز هزارتوی ولایت خامنه‌ای، برای کنترل بحرانی که تمامی پیکر نظام را فراگرفته چنین رفتار می‌کند. پزشک‌یان یک کارگزار ساده اندیش نظام است و بارها پیروی مطلق خود از ولی فقیه را اعلام کرده است. اما برخی از حرفهای او که گوشه‌هایی از واقعیتها را برملا می‌کند، نمی‌تواند مطلوب خامنه‌ای باشد. در شرایطی که تاروپود نظام با بحرانهای گوناگون در چالش است، به نمایش گذاشتن درهم‌ریختگی حکومت، هرچند بخش کوچکی از واقعیت، مطلوب خامنه‌ای نیست. جریده کیهان که رسانه انصاف‌نویز صفت «دریده» به آن می‌دهد، به «در» [خامنی، روحانی و...] می‌گوید تا «دیوار» [پزشک‌یان] بشنود، «گاف» نهد و با «ال» علی» درنیفتد که ورخواهد افتاد.

پزشک‌یان به درستی نگران حذف علی خامنه‌ای است. او روز سه شنبه ۲۰ آبان ۱۴۰۴ در بهارستان اشغال شده با تکرار مسخره «وفاق و وحدت» و این که «نمی‌توان کشور را در حالی اداره کرد که مردم گرسنه‌اند.» سخنان دیگری هم بر زبان آورد که حتی اگر با توافق ولی فقیه بوده باشد، خروجی جز لطمه زدن به سرکردگی «رهبر» ندارد. پزشک‌یان گفت: «ثبات کشور پیش از هر چیز به امنیت رهبر جمهوری اسلامی وابسته است» و «در جنگ ۱۲ روزه هیچ ترسی از اینکه چه اتفاقی رخ بدهد نداشتیم اما واهمه داشتیم خدایی نکرده اتفاقی برای رهبری رخ بدهد. آن وقت ما با همدیگر دعوا می‌کنیم و اصلاً لازم نیست اسرائیل بیاید.» و «برای فروپاشاندن نظام، حتی نیازی به اقدام مستقیم اسرائیل نبود، اختلافات داخلی می‌توانست برای از هم پاشاندن کشور کفایت کنند.» (رادیو فرانسه)

قاسم روانبخش، عضو جبهه پایداری و یکی از اشغالگران بهارستان از قم سخنان پزشک‌یان در خصوص نگرانی از کشته شدن سید خامنه‌ای در جنگ ۱۲ روزه را «گاف بزرگ پزشک‌یان!» خواند و نوشت: «پزشک‌یان به جای امید دادن به مردم و نومیدسازی دشمن، می‌گویند اگر رهبری را بزنند، خودمان همدیگر را تکه تکه می‌کنیم! اولاً غلط می‌کند که چنین اقدامی بکنند، مردم در سراسر جهان رگ حیات شان را قطع خواهند کرد.» (انتخاب، شنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۴)

پیش از «گاف» پزشک‌یان، یکی دیگر از اشغالگران بهارستان، عثمان سالاری، به نقش بی‌بدیل خامنه‌ای در امنیت نظام تاکید کرد و گفت: «ما در این کشور یک قانون اساسی، یک ولی فقیه، یک اولی الامر و یک رهبر و فرمانده اصلی داریم که همه مقامات و مدیران دولتی و حاکمیتی در هر رده و موقعیت شغلی مکلف و موظف به اجرای فرامین و رهنمودهای لازم‌الاتباع رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌باشند و با توجه به اینکه متولی اصلی و رسمی تعیین سیاست‌های کلی نظام در ابعاد داخلی و خارجی از اختیارات اختصاصی و انحصاری مقام رهبری است بنابراین هیچ مقام و مسئولی حق تخطی و تجاوز از اجرای گفتمان عدالت‌مدارانه و رویکرد وحدت و تقرب اسلامی اخلاقی و عملی بین اقوام و مذاهب

و شیعه و سنی زعیم حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی را ندارد.» (تلویزیون حکومتی شبکه خبر، چهارشنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۴)

نگرانی پزشک‌یان از ضربه خوردن به راس خیمه نظام روی دیگر سکه‌ای است که روی آن کُش و خشم توده‌ها به تصویر کشیده شده است. کُش و برآمد خشم توده‌ها، تضادهای درون حکومت را تشدید کرده و برادر خروجی این وضعیت، به ناچار راس نظام را نشانه می‌گیرد. بنابراین کُش مستقل توده‌ها، هرچند در شکل راس نظام را نادیده بگیرد، علیه آن است. بنابراین نگرانی پزشک‌یان گرچه به جنگ دوازده روزه ارتباط دارد، اما می‌توان آن را به تمامی روندهای جامعه مربوط دانست. راهکار سرکوبگرانه حکومت در برابر کُشهای مستقل توده‌ها و همزمان دامن زدن به «ملی‌گرایی» مبتذل و سازمانیافته حکومتی، برای جلوگیری از انکشاف قطب بندی در جامعه است.



سرکوب کُش مستقل مردم، رویدادها سخن می‌گوید

روز پنجشنبه ۲۲ آبان ۱۴۰۴، محمدحسین عادل، رئیس سابق بانک مرکزی در یک برنامه تلویزیونی پیرامون ابر بحران حجاب اجباری گفت: «جوانها بالاخره به خاطر نارضایتیهایی که از چیزهای دیگر هم دارند، اگر سر این مسأله شورش کنند، حالا شما ۸۰ هزار نفر داشته باشید که هیچی، ۸۰۰ هزار نفر هم داشته باشید، شورش اتفاق می‌افتد. اگر این اتفاق بیفتد، وسط این هم اگر دو سه تا عامل دیگر هم باشد، جنگ هم اتفاق بیفتد، آن وقت معلوم نیست که شما چطور بتوانید جمعش کنید.»

جریده دریده کیهان در شماره روز پنجشنبه ۲۲ آبان ۱۴۰۴ هشدار داد: «حجاب به عنوان سنگر نخست هویت اسلامی زنان ایرانی، آماج نبرد قرار گرفته است. اگر این سنگر فرو بریزد، سایر عرصه‌های فرهنگی و ارزشی نیز به تدریج فرو می‌ریزد.»

رسانه مردم سالاری در شماره روز دوشنبه ۲۸ مهر ۱۴۰۴ نوشت: «خبر تشکیل ستاد امر به معروف خشم مردم و فعالان سیاسی را به دنبال داشته است. در شرایطی که مردم

با تورم و بحران مسکن و ناامنی شغلی دست و پنجه نرم می‌کنند و مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم را رها نمی‌کند؛ این کار جز افزایش فاصله میان دولت و جامعه چه نتیجه‌ای می‌تواند داشته باشد؟»

در هفته‌های گذشته شاهد رویدادهای گوناگونی در گوشه و کنار جامعه بوده ایم که در برنامه‌های رادیو پیشگام به آن ورود کرده‌ام و تکرار برخی از آنها روشنگر است. اخبار این رویدادها در رسانه‌های حکومتی شبکه‌های اجتماعی به وفور پوشش داده شده است.

شماره‌ای از شهروندان در پی برگزاری یک تور تفریحی در جنگلهای کردکوی از توابع استان گلستان، به دلیل آنچه «برگزاری تور غیرمجاز مختلط و مصرف مشروبات الکلی» ذکر شده، توسط نیروهای سرکوبگر انتظامی بازداشت شدند. سرکرده انتظامی بروجرد از پلمب ۱۱ واحد صنفی در این شهرستان به دنبال اجرای طرحی موسوم به «ارتقای انضباط اجتماعی» خبر داد. در قالب این طرح، با مصادیقی همچون برگزاری مراسم مختلط، پارتیهای شبانه و آنچه از سوی مزدوران سرکوبگر حکومت «انتشار محتوای نامناسب در اماکن عمومی» عنوان شده، برخورد شده است.

سرکرده پلیس نظارت بر اماکن عمومی خوزستان گفت که ۹ واحد کافه و قلیان سرا در اهواز به دلایلی مانند «برگزاری مراسمات مختلط، اجرای موسیقی زنده و عدم رعایت شئونات اسلامی پلمب» شدند.

احضار دانشجویان دانشگاه یزد به بهانه «عدم رعایت قوانین پوشش».

بیدادستانی تهران داد تا تولیدکنندگان و فروشندگان عروسکهای نرم «مرضیه» و «مرتضی» شناسایی و به دستگاه قضایی معرفی شوند.

معاون سرکرده انتظامی استان مرکزی، از پلمب شش واحد کافی شاپ و سفره‌خانه و صدور اخطار و تذکر یا اخذ تعهد از ۲۹ واحد دیگر در اراک خبر داد. دلیل این برخوردها «جلوگیری از ترویج فرهنگ منافی با قوانین و مقررات اسلامی در قالب جشن‌های هالوین و مقابله با ناهنجاری‌های اجتماعی» عنوان شده است.

بیدادستان عمومی بردسکن از پلمب یک آتلیه فیلم برداری در این شهرستان به دلیل اقدام به فیلم برداری از مراسم عروسی در «ایام فاطمیه» خبر داد. به گفته وی، برگزارکنندگان این مراسم نیز به مراجع قضایی احضار شده و پرونده قضایی برای آنان تشکیل شده است.

بیدادستان عمومی رژیم اعلام کرد که «ضمن رصد فضای مجازی برای برهم زدن امنیت روانی جامعه پس از اعلام خبر اعمال غیرقانونی مکانیسم ماشه پرونده قضایی تشکیل و با متخلفان برخورد می‌شود.»

بیدادستان عمومی شهرستان امل از بازداشت یک زن در این شهر به دلیل آوازخوانی در معابر عمومی خبر داد.

در آغاز سال تحصیلی در یاسوج، یک مدرسه دخترانه به دلیل برگزاری جشن با موسیقی زنده، هدف برخورد انضباطی قرار گرفت.

بقیه در صفحه ۳

نگرانی پزشک‌یان از ورافتادن خامنه‌ای

بقیه از صفحه ۲

بنزین پزشک‌یان در کوره فلاکت

منصور امان



اینکه رژیم ج.ا همزمان با ششمین سالگرد قیام آبان ۹۸ به تلاش خود برای افزایش قیمت بنزین شدت بیشتری داده، یک تصادف ساده نیست. این تقارن، تداوم سیاستی ناعادلانه و ضد مردمی را بیان می‌کند که برای تحمیل آن به جامعه جوی خون به راه انداختن و جان دستکم بیش از ۱۵۰۰ نفر را بیرحمانه گرفت.

نظام حاکم خود و سیاستهایش را تکرار می‌کند، چون برای جبران مخارج فساد، تحریم، مزدور پروری خارجی، سرکوب و میلیتاریسم راهکار دیگری جز فشار بر مردم، تحریم آنها از ثروت و داراییهای ملی و خالی کردن جیبشان ندارد پزشک‌یان و دولت او برای توجیه گران کردن بنزین، همان یاهوهایی که محمود احمدی نژاد پانزده سال و حسن روحانی شش سال پیش به زبان می‌آوردند را کلمه به کلمه تکرار می‌کنند. هرکس که امروز پایوران حکومتی را در حال شکایت از «اتلاف منابع»، «واقعی کردن نرخ بنزین»، «مصرف بی‌رویه»، «قاچاق»، «توزیع عادلانه منابع» و «جز آن ببیند، گمان خواهد کرد زمان به عقب بازگشته است.

پانزده سال پس از دوبار «اصلاح قیمت حاملهای انرژی»، ارزش واقعی استدلالهای همراه آن را مردم در عمل تجربه کرده‌اند؛ مصرف بنزین بیش از همه به دلیل تولید انبوه خودروهای بی‌کیفیت به‌گونه رشدیابنده افزایش یافته، قاچاق فرآورده‌های نفتی و در راس آن بنزین ابعاد چند برابر و نجومی یافته و «عدالت» ادعایی، به کاهش فاحش ارزش یارانه نقدی و فشار بیشتر بر خانوارها راه برده است.

روشن است که توجهات حاکمیت بیش از فریبکاری نبود و نیست. علت واقعی را باید در ناهمخوانی درآمد و مخارج دستگاه حاکم دید که میزان رسمی آن را کسری بودجه بیان می‌کند. در سال جاری رقم کسری ۸۰۰ هزار میلیارد تومان اعلام شده است. این در حالی است که رقم واقعی بیش از دو برابر آن (۱۸۰۰ میلیارد تومان) تخمین زده می‌شود.

آنچه که حاکمیت را تاکنون از تهاجم بنزینی جدید به معیشت جامعه باز داشته، وحشت از واکنشی است که برخواید انگیزت. کابوس خیزش دلیرانه آبان همچنان بر جان رژیم خامنه‌ای سنگینی می‌کند. از همین روست که دولت پزشک‌یان در خلال نزدیک به دو سالی که از آغاز کار آن می‌گذرد، مشغول زمینه‌چینی برای این اجرای این طرح غارتگرانه است. اکنون چنین می‌نماید که این پروژه به مرحله عمل رسیده و این بی‌تردید نه به دلیل کاهش پتانسیل اعتراضی جامعه و فروریختن ترس حاکمیت، بلکه به علت تنگنای مالی شدید رژیم خامنه‌ای است.

جامعه به خوبی می‌تواند پیامدهای عسرت‌بار این تصمیم را تصور کند، چون در محاصره یک تورم دو رقمی است و تاثیر زنجیره وار افزایش قیمت کالاها بر یکدیگر را با سقوط گام به گام میزان دسترسی به مواد خوراکی، بهداشتی، درمان، آموزش و سرگرمی با گوشت و پوست خود لمس می‌کند، نتیجه از همینجا پیداست و آبان فقط یک تاریخ در تقویم نیست.

فراسوی خبر... پنجشنبه ۲۹ آبان

-سرکرده پلیس نظارت بر اماکن عمومی استان لرستان از پلمب شش واحد صنفی به علت آنچه که رفتار هنجارشکنانه عنوان کرده، خبر داد.

-سرکرده انتظامی شهرستان مراغه از بازداشت ۱۴ شهروند در این استان خبر داد و آنان را هنجارشکن خطاب کرد.

-یک برنامه کنسرت موسیقی تحت عنوان «تجربه صدا و تصویر» که در کارخانه نوآوری دیهیم در پاکدشت تهران برگزار می‌شد، به دلیل آنچه که «رقص مختلط و ترویج برهنگی و دیسکو» ذکر شده، لغو و برای برگزارکنندگان این برنامه پرونده قضایی تشکیل شد.

-یک جوان ۲۶ ساله در بوستان علوی قم به دلیل پوشیدن شلوارک هنگام اسکیت سواری، توسط مأموران کلانتری شهرک پردیسان بازداشت شد.

-زیتون کهرزادی، مدیر مدرسه ابتدایی دخترانه فردوسی در شهر جوانرود کرمانشاه، به دلیل اجرای سرود انقلابی «پژئی خ‌هبات» [راه مبارزه] توسط گروهی از دانش‌آموزان این مدرسه، از سوی نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی احضار و از سمت خود برکنار شد.

-بیر سداد سرکوبگر امر به معروف و نهی از منکر استان تهران از تشکیل «اتاق وضعیت عفاف و حجاب» و «فعال شدن ۸۰ هزار نیروی امر به معروف» خبر داد.

-گلاب آدینه، بازیگر مشهور سینما و تلویزیون ایران در واکنش به تشکیل «اتاق وضعیت عفاف و حجاب» و «فعال شدن ۸۰ هزار نیروی امر به معروف» گفت: «به جان انداختن مردم دستاوردی نخواهد داشت.»

-سرکرده انتظامی قدس از پلمب ۱۵ کافی‌شاپ در شهر قدس به دلیل آنچه که اقدامات هنجارشکنانه عنوان کرده، خبر داد.

-سرکرده پلیس اماکن عمومی خوزستان اعلام کرد؛ ۱۶ واحد صنفی از جمله چند کافه و باغ ویلا در اهواز به دلیل «اقدامات هنجارشکنانه» پلمب شدند.

-بیدادسرای مشهد برای یک کارآفرین به خاطر بوسیدن دست یکی از خانمهای کارگر پرونده قضایی تشکیل داد.

-سرکرده انتظامی شهرستان بوکان، از پلمب یک باشگاه ورزشی در این شهر به دلیل آنچه که «مختلط بودن» عنوان کرده، خبر داد.

-بیدادستان عمومی کارون از بازداشت ۱۸ شهروند به دلیل برگزاری جشن مختلط و سرو مشروبات الکلی در این شهرستان خبر داد.

-کارگزاران سرکوبگر قضائی حساب شبکه های اجتماعی تعدادی از شرکت‌کنندگان دو برنامه اینترنتی «عشق ابدی» و «زن‌روز» را توقیف کردند و صاحبان این صفحات را تحت پیگرد قانونی قرار دادند.

-روابط عمومی دانشگاه تهران از لغو دو روز باقیمانده از نمایشگاه رویداد «هفته طراحی تهران» در دانشکده هنرهای زیبای این دانشگاه خبر داد. در اطلاعیه دانشگاه تهران به «استقبال فراتر از تصور» و نگرانی از آسیب به بازدیدکنندگان بر اثر تراکم جمعیت اشاره شده است.

-بیدادستان عمومی مرکز استان گیلان اعلام کرد؛ پرونده ای قضایی تشکیل شده است تا به انتشار «کلیپی مغایر با عفت عمومی»، متعلق به سعید کریمی، بازیکن تیم فوتبال ملوان بندر انزلی و همسرش رسیدگی شود.

-سرکرده انتظامی ایران گفت درباره رستورانهایی که مشروب سرو کنند «با قاطعیت عمل می‌کنیم و رستورانهایی که این عمل زشت را انجام دادند پلمب شدند و از کارشان جلوگیری شد.»

-چند واحد صنفی کافه در گرگان در محدوده محله سرچشمه گرگان به دلیل آنچه «رفتارهای هنجارشکنانه و خلاف شئون» و فعالیت شبانه عنوان شده است، پلمب شدند.

-شروین حاجی‌پور، خواننده و آهنگساز، در مجموعه ای از استوریهای خود اعلام کرد که با محدودیتهای گسترده مواجه شده است. او گفت که نه تنها از رفتن به باشگاه ورزشی منع شده، بلکه از خرید خانه و حتی حضور در کنسرت دوستانش نیز جلوگیری شده است.

در نتیجه

با وجود همه سرکوبها، جامعه تسلیم نشده و کُنشهای گوناگون مثل آن چه در بالا آورده شد و چند صد حرکت اعتراضی از جانب نیروهای کار در ماه آبان، تصویر روشنی از رابطه نظام با جامعه و در همین ردیف وحشت نظام را نشان می‌دهد.

یارانه و کالا برگ؛ نقاب بر چهره دردناک فقر زینت میرهاشمی

آزادبخش یا ارتجاعی: بازخوانی جایگاه سیاسی - اجتماعی حماس

بقیه از صفحه ۶



در شرایطی که تورم، واقعیت «قله» های خامنه ای چنایتکار را آشکار می کند، باردیگر سیاست ریاکارانه صاحبان زر و زور با خبر کالا برگ الکترونیکی در تیتور رسانه های حکومتی به عنوان خبری خوش جای گرفت. گفته پاسدار رانت خوار و فاسد، قالیباف در مجلس ارتجاع مبنی بر توزیع کالا برگ الکترونیکی در پایان آبان ماه به عنوان «خبر خوش قالیباف» در رسانه حکومتی هفت صبح ۲۴ آبان درج شد.

رئیس مجلس نشینان گفته است: «اعتباراتی با زحمت تامین و قرار شد پایان آبان ماه، کالا برگ الکترونیکی از طریق سکوها دهیم و به همان طریقی که می دانید، کالا به خانواده ها دهیم... دوستانی در دولت برای تامین مالی زحمت کشیده اند.» ظاهراً کالا برگ الکترونیکی اسم دیگری برای «سید کالا» است که قبلاً مطرح شده بود و شکل عملی به خود نگرفت. به قول معروف کالا برگ الکترونیکی که پاسدار قالیباف بر سر گیرندگان منت گذاشته و از «زحمت» کارگزاران دولت خبر می دهد، نه به دار است و نه به بار و حتا دوام آن مشخص نیست و فقط تزریق توهم به سفره های خالی مردم خشمگین از بی عدالتی است.

کالا برگ، سید غذایی از محصولات گزینشی حکومتی است. این سید بنا به ادعای کارگزاران، سامان دادن سفره های مردم و جلوگیری از نقدینگی است. تعیین نوع محصولات و نادیده گرفتن بقیه مایحتاج خانواده از قبیل آموزش، فرهنگ، سرگرمی، سفر و بهداشت و... محدود کردن به کالاهایی مشخص این هم در ردیف اقتصاد مقاومتی و تحمیل فقر و ریاضت کشی است.

بر اساس قانون بودجه ۱۴۰۴، رژیم، تا کنون یارانه سه دهک یعنی ۱۸ میلیون نفر به بهانه دهکهای پردرآمد جامعه، حذف شده است. ظاهر اجرای این مصوبه کسری منابع دولت و هدفمند کردن یارانه به سمت دهکهای فقیرتر است. ادعای دروغین و فریبکارانه مجریان این طرح، نزدیک تر شدن به «عدالت» است. معنای این ادعا؛ رساندن گوشت به قصرنشینان، استخوان به فقرا است. این دیکتاتوری فقر در برابر عدالت است.

احمد میدری در توجیه حذف چند دهک جامعه از لیست یارانه بگیرها گفته است: «هر کس در تهران مالک خانه بوده و کل خانواده ۳۰ میلیون تومان درآمد داشته باشد جزو سه دهک بالا محسوب می شود.»

بنا بر گفته مدیر دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت ۳۵ درصد از آمار مرگ و میر سالانه در ایران، یعنی ۱۲۰ هزار مرگ به دلیل به علت فقر غذایی است. وی درباره میزان مصرف گوشت در کشور گفت: «بر اساس سید غذایی، باید ۹۰ گرم گوشت مصرف شود اما میزان مصرف گوشت در کشور کمتر از ۵۰ گرم است. بررسی ها بیانگر این است که نیمی از جمعیت کشور، چهار گروه اصلی غذا که تامین کننده

مواد غذایی هستند را به میزان ناکافی دریافت می کنند.» (شبکه شرق، ۲۸ مهر ۱۴۰۴)

در زمانی که خط فقر ۵۵ میلیون است، یارانه خانوارهای دهکهای یک تا سه، ماهانه هر نفر ۴۰۰ هزار تومان و دهکهای چهار تا نه، ۳۰۰ هزار تومان است.

مبلغ یارانه آنقدر ناچیز است با توجه به رشد نامتعارف تورم، بیشتر در قاب رسانه ای برای نشان دادن «سختوتمندی» حکومت فاسد و رانت خوار برای آرایش چهره اسفناک فقر است. ریشه سیاست پرداخت یارانه و به شمول اجرای کالا برگ احتمالی، دقیقاً پیشگیری از بروز اعتراضات برای برابر کردن دستمزد با تورم، توسعه اقتصادی عادلانه به سود مردم و... است. این نوع سیاست در خدمت ثروتمندان و قدرتمندان است که سهم اصلی از منابع و ثروتها را مصرف و پسماند آن را بین فقرا تقسیم می کنند. در حقیقت سیاست پرداخت یارانه ناچیز در کشور ثروتمند ایران، به شمول کالا برگ، سفره ای برای زورمندان، استخوانی برای فقرا است. در جنگ و جدال باندهای حکومتی، نایب رئیس مجلس ارتجاع روز یکشنبه مدعی شد که: «اگر کالا برگ پرداخت نشود دو وزیر استیضاح می شوند... هر ایرانی باید بداند که چه میزانی کالا با پروتئین مشخص در سال به او تعلق خواهد گرفت... مردم ایران باید بداند از منابع نفتی فروخته شده و ارزی حاصل از آن بسته کالا برگ به آن ها تعلق می گیرد.» (خودرو یک، ۱۰ آبان)

علیرضا نثاری عضو کمیسیون عمران مجلس ارتجاع در بی تأثیری کالا برگ بدون مهار تورم گفته است: «تورم واقعی امروز اگر صادقانه اعلام شود ۸۰ تا ۹۰ درصد است. این شرایط نتیجه ترک فعلها، رانتها و مشکلات پشت پرده مدیریتی در اقتصاد است... در دو ماه گذشته قیمت کالاهای اساسی تا ۱۰۰ درصد افزایش یافته... در دو ماه اخیر قیمت کالاهای اساسی مثل مرغ، شیر و لبنیات حدود ۱۰۰ درصد رشد کرده، اما حقوق کارکنان فقط یکبار در سال افزایش می یابد و آن هم متناسبی با تورم ندارد.» (اقتصاد آنلاین ۲۷ آبان ۱۴۰۴)

رسانه کار و کارگر در شماره روز چهارشنبه ۲۱ آبان ۱۴۰۴ خبر می دهد که «۴۲ درصد جمعیت کشور دچار فقر مطلق هستند.» و اصلاحات رسانه دیگر در همین روز می نویسد: «سید معیشت ۵۸ میلیون تومان است... نان و ماست هم لوکس شد... حداقل حقوق فقط ۲۸ درصد سید هزینه خانوار را پوشش می دهد.»

حقیقت تلخ سفره های خالی مردم، فقر غذایی و فقدان بهداشت، کودکان کار و بازمانده از تحصیل و... را آشکار و بدون روتوش می توان در خیابان و حرکتیهای اعتراضی بازنشستگان و نیروهای کار دید. بازتاب آنها در رسانه های حکومتی و یا تبدیل شدن آن به چالشی در میان مفتخوران و سیاست سازان اقتصاد مقاومتی، دقیقاً در جهت سازماندهی کردن فقر در جلوگیری از شورش و خشم مردم است. شعارهای معترضان در کف خیابان به خوبی پاسخ این مجلس نشین را روشن می کند. مردم می دانند که ثروت عمومی کشور را چه کسانی غارت می کنند.

حماس مُعاف می کنند، چون در غیراینصورت باید حمله به غیرنظامیان و شهروندان عادی را در طبقه بندی شناخته شده خویش یعنی تروریسم قرار دهند و این در تضاد با جایگاه رهاییبخشی است که حماس را بر آن نشانده اند.

حماس پیش از این نیز با حمله به مسافران اُنوبوس، عملیات انتخاری در کافه و رستورانها و بمب گذاری در معابر عمومی و مراکز غیرنظامی نشان داده که کمترین خویشاوندی را با سازمانها و جریانهای رهاییبخش دارد، جریانهایی که در مبارزه مُسلحانه به مرزهای اخلاقی مُشخصی پایبندند که مهمترین آن هدف قرار ندادن غیرنظامیان و شهروندان عادی است. گویاترین شاهد، برخورد رفیق هادی بنده خدا لنگرودی است. او هنگامیکه در سبانهک بین دو گزیننه آسیب رساندن به غیرنظامیان و دستگیری خود قرار گرفت، به اسارت گرفته شدن را انتخاب کرد.

این واقعیت که مُبارزه مُسلحانه بدون استراتژی سیاسی و با شیوه تروریستی چگونه می تواند علیه مقاومت انقلابی توده ای عمل کند را شرایط کُنونی در غزه و کرانه باختری نشان می دهد؛ کانونهای جوشانی که زمانی خاستگاه انتفاضه های ۱ و ۲ مشهور به «انقلاب سنگ» بودند و اکنون زیر فشار خون و ویرانی به خاموشی محکوم شده اند.

برآمد

تحلیل و ارزیابی از جنبش ضد اشغال و حماس زمانی می تواند عینی باشد که مُستقل از اردوکنشهای سنتی صورت بگیرد. به عبارتی، پدیده ها را نمی توان ساده انگارانه به «بد» و «خوب» کاهش داد و آنچه که آمریکا و اسرائیل «منفی» می دانند را به گونه مُجرد «مثبت» دانست. از سوی دیگر جبهه داشتن علیه اشغال، نژادپرستی و نسل کشی به معنای قرار گرفتن در جبهه هر جریانی نیست که در این کارزار شرکت دارد. برآمد این اغتشاش نظری، جایجایی نقشهایی است که گروههایی مانند حماس و دولتهایی مانند ج.ا.ح. به گونه واقعی در حیات اجتماعی ایفا می کنند. یک تحلیل مارکسیستی، نقش و ماهیت بازیگران پهنه اجتماع را همواره از موقعیت آنها در اقتصاد سیاسی مُحیط خود استنتاج می کند.

پانویس:

- (۱) سُخترانی در دومین کُنگره کُمنترن در ژوئیه/اوت ۱۹۲۰
- (۲) در ۱۵ می ۱۹۴۸ مشهور به «روز نکبت»، همزمان با تاسیس دولت اسرائیل حدود ۷۰۰ هزار فلسطینی از خانه های خود رانده شدند و بیش از ۴۰۰ روستا و شهر فلسطینی تخریب یا خالی از سکنه شد
- (۳) بیژن جزنی - طرح جامعه شناسی و مبانی استراتژیک جنبش انقلابی ایران

آزادبخش یا ارتجاعی: بازخوانی جایگاه سیاسی - اجتماعی حماس

منصور امان



به همان اندازه که پیرامون ارزش‌گذاری از سیاستهای تبهکارانه اسرائیل در غزه در میان طیف وسیعی از نیروهای چپ توافق وجود دارد، پیرامون جایگاه سیاسی - اجتماعی حماس و خصلت‌بندی مبارزه آن می‌توان شاهد پراکندگی آرا بود. درحالیکه بخشی از چپ گمان دارد که ۷ اکتبر یک لحظه در جنگ آزادیبخش است و حماس در چارچوب چنین مبارزهای جای می‌گیرد، یک دیدگاه دیگر قائل شدن چنین نقشی برای حماس را در تضاد با تعریف نظری از جنگ رهاییبخش از یک طرف و پراتیک مادی این جریان از طرف دیگر می‌داند. این دیدگاه حماس را در چارچوب جنبش ضد اشغال قرار می‌دهد، در همان حال که روشن می‌کند حماس گرایش راست و ارتجاعی این جنبش را نمایندگی می‌کند. نوشته حاضر دیدگاه دوم را بازتاب می‌دهد و مبانی نظری آنرا به گونه فشرده برمی‌شمارد.

مبارزه رهاییبخش

مارکسیستها همواره و در همان حال که از مبارزه برای استقلال ملی، علیه استعمار و سلطه خارجی دفاع می‌کنند، همزمان تأکید دارند که بین این مبارزات و مبارزه گسترده تر برای برقراری مناسبات دموکراتیک و عادلانه رابطه تنگاتنگی وجود دارد. این بدان معناست که ماهیت یک مبارزه استقلال طلبانه را نزدیکی یا دوری نظری و عملی آن از چنین پروژه ای تعیین می‌کند. استقلال و رفع سلطه خارجی از حقوق اساسی و دموکراتیک جوامع است و دفاع و یاری رساندن به مبارزه برای کسب آن امری بدیهی! این دفاع اما برخاسته از یک سیاست انتزاعی و ناظر تنها به مبارزه جاری نمی‌تواند باشد، بلکه باید از انگاشتی سرچشمه بگیرد که به مبارزه حاضر همچنين به مثابه چالشی برای پیشبرد آماجهایی فراتر از نظم سیاسی - اجتماعی‌ای که علیه آن مبارزه می‌شود، می‌نگرد. پرسش مطرح برای مارکسیستها این است که مبارزه ای که زیر پرچم رهایی ملی جریان دارد، چه خصلت اجتماعی مشخصی باید داشته باشد و سمتگیری کنونی آن چقدر دور یا نزدیک به آن است. این رویکرد به‌ویژه برای آن دسته از نیروهای چپ و کارگری که در مبارزه ملی به رهبری نیروهای بورژوا - دموکراتیک مشارکت دارند، حیاتی است و تابع ویژگیها و راهکارهایی می‌شود که موضوع این نوشته نیست. بنابراین احزاب و جریانهای چپ چه در درون مبارزات رهاییبخش و چه در بیرون آن و در نقش پشتیبان، وظیفه دوگانه‌ای دارند؛ از یکطرف مبارزه برای کسب استقلال سیاسی یا حمایت از آن و از طرف دیگر، نبرد برای به ثمر رساندن قطعی و رادیکال آماجهای دموکراتیک این مبارزه و نیز سازماندهی برای پیشبرد منافع طبقاتی خاص خود. پشتیبانی آنها از مطالبات فوری و بی‌واسطه هرگز نمی‌تواند

برنامه و چشم اندازهایی که تحقق آنها را از یک مبارزه ملی انتظار دارند، به حاشیه براند و سیاست روز آنها را تعیین کند. روشن است که اینجا سخن از آن دسته مبارزات ملی است که رهبری آن در دست احزاب چپ و کارگری نیست. در نظرگرفتن فاکتور رهبری از آن رو حیاتی است که - همانطور که تجربیات تاریخی نشان می‌دهد - نیروی اصلی هر جنبش، تعیین کننده جهتگیری سیاسی - طبقاتی آن چه در طول مبارزه و چه پس از پیروزی است. بنابراین ارزیابی واقعی از نیروی رهبری کننده، در تعیین سیاست مبارزاتی و نیز چارچوبها و میزان همکاری با آن جایگاهی استراتژیک دارد.

چند تجربه در باره نقش رهبری

مبارزات رهاییبخش قرن بیستمی به رهبری نیروهایی بورژوایی یا ارتجاعی آینه روبروی این واقعیت است. این نیروها موجب توسعه دموکراتیک در مناسبات سیاسی و اقتصادی نشدند و از انکشاف مبارزه طبقاتی اغلب با روشهای خونین و سرکوبگرانه جلوگیری کردند. برای نمونه، ناسیونالیسم بورژوایی ترکیه بی‌درنگ پس کسب قدرت به تصفیه کمونیستها، پاکسازی قومی ارمنیها و برقراری یک رژیم دیکتاتوری پرداخت که در پروسه خود پس از گذار از یک دوره کودتاهای نظامی، اکنون به ایستگاه استبداد مذهبی به رهبری نولیبرالهای اسلامی رسیده است.

در پاکستان جنبش استقلال از هند به رهبری بورژوازی، محور مبارزه را بر هویت اسلامی بر پایه ملی‌گرایی محافظه‌کارانه قرار داده بود. در این راستا پس از پیروزی، ایجاد دولت اسلامی در مرکز برنامه های آن قرار گرفت؛ یک روینای سیاسی که در خدمت حفظ نظم اجتماعی پیشین قرار داشت و ساختار آن متکی به مالکان بزرگ و نخبگان شهری بوروکرات و نظامی است.

نمونه دیگر کنیا است، که موردی منحصر به فرد به شمار می‌رود، زیرا ائتلافی از بورژوازی ملی و قشر تحصیل کرده با جنبش دهقانان فقیر، آفتاب‌نشینها و کشاورزان بی‌زمین مشهور به «ماتو ماتو»، مبارزه رهاییبخش را پیش می‌برد. در حالیکه جنبش ماتو ماتو تغییر بنیادی مناسبات مالکیت زمین و مشارکت سیاسی را هدف داشت، آفق بورژوازی در این مبارزه انتقال قدرت از حاکمان منصوب استعمار بریتانیا به خود بود. پس از استقلال، این گرایشها دولت را تصاحب کردند و با کسب موقعیتهای اقتصادی و دولتی به طبقه حاکم جدید بدل گردیدند. در این پروسه آنها متحدان پیشین خود را به حاشیه راندند و بر مطالبات آنها که یک نیروی محرکه جنبش استقلال طلبانه بود، قلم کشیدند.

برای چپ ایران عینی ترین نمونه در برخورد به مساله نقش رهبری، قیام ۵۷ است؛ جنبشی که با مطالبات دموکراتیک و مشارکت وسیع طبقه کارگر، شهیدستان شهری، خرده بورژوازی و طبقه متوسط شکل گرفت، درحالیکه یک نیروی ارتجاعی توانست رهبری آن را به دست بیاورد و سپس بر قدرت چنگ بیاندازد. خمینی از مبارزه برای دیکتاتوری شاه برای برپاکردن یک نظم استبدادی جدید و حفظ مناسبات طبقاتی پیشین سود جست.

تا آنجا که به احزاب و جریانهای مارکسیست مربوط می‌شود، یک عامل مهم نادیده گرفتن نقش رهبری جنبشهای ملی، ترویج یک انحراف نظری موسوم به «راه رشد

غیرسرمایه‌داری» از سوی اتحاد شوروی بود. این تئوری توضیح می‌داد از آنجا که اتحاد شوروی به مرکز نقل توازن جهانی تبدیل شده، بنابراین کشورهای تازه استقلال یافته یا جهان سومی برای رسیدن به سوسیالیسم نیازی به گذار از مرحله توسعه سرمایه‌دارانه ندارند و با کمکهای مالی، اقتصادی، تکنولوژیک و صنعتی شوروی می‌توانند به این درجه از رشد اجتماعی دست یابند. در پهنه عمل، این تئوری، احزاب و جریانهای مارکسیست را به رفتن زیر پرچم بورژوازی ملی و جریانهای ناسیونالیست تشویق می‌کرد و مستقل از برنامه و سمتگیری، آنها را بخشی از جبهه جهانی ضد امپریالیستی و متحد طبیعی طبقه کارگر می‌شمرد. براین پایه، بورژوازی بومی و طیفی از نیروهای ارتجاعی، آپورتونیست و بنیادگرای مذهبی، «مترقی»، «در جبهه خلق» و «انقلابی» شمرده شدند و آگاهانه بر سیاستهای ناهمگون و ارتجاعی آنها چشم گذاشته شد

نتایج فاجعه بار نادیده گرفتن ماهیت نیروی رهبری کننده در جنبش را «احزاب برادر» در عراق، سودان، اندونزی، مصر، افغانستان، ایران و جز آنها به گونه ویران کننده ای دریافت کردند. بخشی از آنها سرکوب یا قتل‌عام شدند و بخش دیگر به لحاظ سیاسی به پهنه بی‌اهمیتی سقوط کردند.

این نظریه که در حقیقت مصالح ژئوپولیتیک اتحاد شوروی را بازتاب می‌داد، یک انحراف جدی از تئوری راه رشد لنینی است که چشم از مرحله سرمایه داری در «مستعمرات» را امری وابسته به انقلابهای کارگری در کشورهای پیشرفته سرمایه داری و به یاری آنها می‌دانست.^(۱)

اقتصاد وابسته، شکاف طبقاتی و فقر فراگیر

اگر منظور از مبارزه رهاییبخش، مبارزه برای تغییر وضع موجود به سود مناسباتی رو به آینده، پیشرو، دموکراتیک و یا دستکم بهتر از شرایط پیشین باشد، بنابراین مبارزه‌ی یک نیروی ارتجاعی که هدف نهایی آن از شرکت در جنبش ضد اشغال یا استقلال طلبانه برپاکردن مناسباتی رو به عقب است، نمی‌تواند آزادیبخش باشد. ماهیت یک نیروی ارتجاعی و بنیادگرا در تضاد با خصلت دموکراتیک و انقلابی مبارزه رهاییبخش قرار دارد. نیروهای ارتجاعی و به ویژه دارودسته‌های اسلامگرا مخالف ذاتی (به معنای ایدیولوژیک) تغییرات دموکراتیکی هستند که یک مبارزه رهاییبخش هدف خود دارد، به همراه می‌آورد یا زمینه تحقق آن را فراهم می‌کند. روشن است که ایدیولوژیها جهانی بی‌مجرد نیستند و زاده موقعیت طبقاتی حامل آن بوده و به خواسته‌ها و منافع آن مشروعیت نظری می‌دهند. اسلام سیاسی حماس محصول شکست پروژه‌های ناسیونالیسم عربی و راه‌حلهای تاکام غلبه بر اشغالگری است که به گونه عمده از سوی سازمان آزادیبخش فلسطین ارائه می‌شد.

حماس همچون سازمان مادر خود، اخوان المسلمین، در درجه نخست منافع بورژوازی شهری و خرده بورژوازی را نمایندگی می‌کند و همزمان حمایت بخشهایی از طبقه فرودست و آوارگان غزه را نیز دارد که بیش از هر چیز آن را مدیون ارائه کمکهای خیریه و راه اندازی مدرسه و درمانگاه است. منبع این کمکها رشوه‌هایی است که قطر و ج.ا.د. در حقیقت برای

بقیه در صفحه ۶

آزادببخش یا ارتجاعی: بازخوانی جایگاه سیاسی - اجتماعی حماس

بقیه از صفحه ۵

نگه داشتن حماس در قدرت به غزه پُهماز می‌کنند. در طول سالهای صدارت، حماس به یک نهاد اقتصادی ثروتمند با بودجه سالانه ده‌ها میلیون دلار تبدیل شده که دارای سبد سرمایه گذاری و املاک و مستقالات به ویژه در ترکیه و کشورهای خلیج فارس است.

تغییر جایگاه طبقاتی حماس به ویژه در سطح رهبران آن نمایان است. پناهندگان فقیر و روحانیون رده‌پایینی که حماس را بنیان گذاشتند، امروز به همراه خانواده در هتلهای پنج ستاره در استانبول، دوحه، دوی یا بیروت اقامت می‌کنند، با جت خصوصی بیلانق و قشلاق می‌روند، از قاچاق نفت و بنزین از مصر و معاملات مسکن در ترکیه، عربستان و شیخ نشینهای خلیج فارس سوده‌های سرشار به جیب می‌زنند و آفازده‌های شان را از جنگ و گرسنگی، در سواحل امن به کسب و کار یا خوشگذرانی و خرج این درآمدها مشغولند.

مناسباتی که امروز در غزه برقرار است، بازتاب این موقعیت طبقاتی است و حماس سازگار با آن نظمی اجتماعی را شکل داده که تبعیض و نابرابری شناسه‌های اصلی آن است. اقتصاد حاکم بر غزه بیش از همه اقتصادی وابسته است که بندگان آن به بورژوازی نفتی شیخ نشینها، سرمایه مالی و تجاری کشورهای عربی و کمکهای ج.ا. گره خورده است. این وابستگی یکی از فاکتورهایی است که مانع شکل‌گیری روابط اقتصادی و مناسبات تولیدی متعارف گردیده است. در کانون سیاستهای اقتصادی حماس، حفظ قدرت سیاسی و نظامی لنگر انداخته و به همین دلیل نیز ایجاد زیرساختهای پایدار اقتصادی در برنامه و دستور کار آن جایی ندارد. در غزه زیر حاکمرانی حماس، شبکه حمل و نقل و انرژی با نهادهای قوی آموزش و فناوری به چشم نمی‌خورد، تجارت خارجی متوازن یک افسانه است و سرمایه انسانی و نیروی کار آموزش‌دیده ناپیداست.

پژواک این امر در پهنه اجتماعی، شکاف طبقاتی است که در سطح نازل کار و زندگی و حاکمیت فقر برای اکثریت جمعیت غزه مشاهده پذیر می‌شود. براساس یک گزارش یونسکو UNESCO در اردیبهشت ۱۴۰۲، نرخ فقر در نوار غزه ۵۳.۱۴ درصد بوده است و منبع اصلی گذران زندگی ۸۰ درصد جمعیت آن کمکهای بشردوستانه و خیریه خارجی است. درصد بیکاری شهروندان بیش از ۴۰ درصد بوده که ۷۴ درصد آن را جوانان تشکیل می‌دهند. سیستمهای بهداشت و درمان و آموزش از نظر کمیت و کیفیت با شتاب رو به افول گذاشته و در پاسخگویی به نیازهای جمعیت رو به تزاید، ناتوان و فلج بوده است.

در بند ارتجاع

نگاه به شرایط یاد شده و موقعیت طبقاتی حماس، این سووال پایه ای و عام در ارزش‌گذاری حرکتها و جنبشهایی که «رهاییبخش» خوانده می‌شوند را طرح می‌کند که آیا آنها در رابطه با مردم خود نیز نقش رهاییبخش دارند یا خیر؟ این بدان معناست که آیا برنامه سیاسی و رویکردهای عملی آنها رو به منافع پیشرفت اجتماعی و گذار به نظمی فراتر دارد یا اینکه از سطح تغییرات رونمایی در قدرت سیاسی فراتر نمی‌روند و بدتر از آن، نظمی عقب مانده‌تر را آماج دارند.

پُرشش همواره باید این باشد که رهاییبخش در چه جهتی و مساله چیست.

در مورد حماس نیازی به آینده نگری، برنامه خوانی و حدس زدن در باره تغییرات مورد نظر آن نیست؛ این جریان ۱۸ سال است که بر غزه فرمان می‌راند. کارنامه اقتصادی آن که پیشتر بدان پرداخته شد، در دست است و کارنامه سیاسی، اجتماعی آن در خلال این مدت نیز به همین صورت می‌تواند ماهیت و مستمیری آن را توضیح دهد:

- در حوزه سیاسی: حماس در این مدت حتی یک انتخابات برگزار نکرده، فعالیت احزاب و جریانهای سیاسی ممنوع یا به شدت محدود شده و در مورد سازمان فتح این رویکرد با قتل اعضای آن همراه گردیده. تشکلهای مدنی و صنفی زیر کنترل حماس قرار دارند و فقط در نقش ابزار آن قادر به فعالیت هستند. تفکیک قوا وجود نداشته و حماس به طور انحصاری و خودمدارانه قدرت را اعمال می‌کند. سانسور رسانه‌ها رویه ای جاری بوده و روزنامه‌نگاران و کوشندگان مجازی با تهدید و ارباب روبرو هستند.

- در پهنه اجتماعی: حماس از هنگام به قدرت رسیدن به تدریج مقررات اسلامی را در غزه حاکم کرده است. این جریان با دیکته دستورات شرعی و هنجارهای فرهنگی آن در غزه، پیشروی توجه‌پذیری به سمت تشکیل یک امارات اسلامی از نوع طالبان داشته است. از آن جمله می‌توان به وضع مقرراتی مانند حجاب اجباری در مکانهای عمومی، محدودیت حضور زنان در برخی فضاهای شهری، تفکیک جنسیتی در محیطهای آموزشی، تفریحی و مراسم گوناگون سیاسی، مذهبی و فرهنگی، سانسور موسیقی و فیلمهای سینمایی و تلویزیونی، کنترل شدید محتوایی و شکلی کُنسرتها و رویدادهای فرهنگی، کنترل رسانه‌ها و مطالب آنها از حیث تطابق با موازین اسلامی را برشمرد.

حماس با ایدئولوژی ارتجاعی در نظر و اقتدارگرایی در عمل، مانع جدی شکل‌گیری روندهای مترقی و گشایش چشم‌اندازهایی است که در آنها دموکراسی، عدالت و سکولاریسم پدیدار می‌شود. در پروژه آن، رفع اشغال و شکستن سلطه اسرائیل به معنای گشوده شدن راهی به جلو و تغییرات بنیادین اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی نیست، بلکه امکانی برای احیای گذشته، کسب مشروعیت و مهار جنبش ضد اشغال است. شرایط حاکم بر غزه تابلوی این واقعیت است که حماس سلطه را در شکل جدید بازتولید می‌کند و در مسیر مبارزه ضد اشغال به سوی تثبیت آن در حرکت است.

در همان حال که مبارزه حماس علیه اشغالگری یک واقعیت است، اما این هم یک واقعیت دیگر است که در این مبارزه هیچ عنصر رهاییبخش یا آزادیبخشی (بنا به تعریف مارکسیستی از مبارزه رهاییبخش) وجود ندارد؛ همانگونه که آمریکا ستیزی رژیم ارتجاعی ج.ا. یک واقعیت در خود است، اما در این ستیزی نیز هیچ عنصر مترقی و دموکراتیکی (باز هم بنا به تعریف مارکسیستی) یافت نمی‌شود. این نقصان تعیین‌کننده ولی مانع جریانی در چپ از گنجاندن حماس در ردیف جنبشهای آزادیبخش نمی‌شود، همانگونه که مانع جریان مشکوک «محور مقاومتی» از معرفی استبداد مذهبی حاکم در ایران به عنوان بخشی از «مبارزه ضدامپریالیستی جهانی» و «روندهای ضدسرمایه‌داری» نشده است.

لحظه‌ای که آزادیبخش نبود

یک عنصر کلیدی در تعریف حماس در منظومه جنگ رهاییبخش، توسل آن به مبارزه مسلحانه است. ساده سازی این رابطه تا آنجا پیش می‌رود که - همانطور که در ابتدا اشاره شد - ۷ اکتبر یک لحظه مهم در مبارزه آزادیبخش معرفی

می‌شود. آنچه که در باره آن با همین درجه از گشاده دستی نظری سخن گفته نمی‌شود، نخست تاثیر عملی ۷ اکتبر در پیشبرد مبارزه ضد اشغال و سپس ماهیت سیاسی - اخلاقی آن است.

روشن است که ارزش گذاری هر تاکتیک یا استراتژی را میزانی که به هدف نشانه گذاری شده نزدیک یا دور می‌شود، تعیین می‌کند. «نزدیکی یا دوری» در این مورد خاص به گونه جزئی با درجه‌سنجیهایی مانند کُکم به پایان اشغال و ایجاد کشور فلسطین، تقویت جبهه خلق و تضعیف جبهه اسرائیل و متحدانش و فراهم آوردن زمینه ایجاد جنبشهای اجتماعی برآورد می‌شود.

۷ اکتبر برای هیچیک از این شرطها سودمند نبود و حتی یک گام نیز به آنها نزدیک نشد. برعکس، اگرچه عملیات نظامی حماس ضربه سیاسی - روانی سختی به اسرائیل زد، اما نتایج آن یک شکست تمام عیار برای آرمانهای خلق فلسطین بود که ابعاد آن حتی از «روز نکبت»^(۲) هم فراتر رفته است. دهها هزار نفر به دست اسرائیل کُشتار شده اند و از غزه، جایی که برای دو میلیون نفر سرپناه محسوب می‌شد، جز ویرانه‌های جا نمانده و صدها هزار نفر به گونه قطعی در وطن خود آواره شده‌اند، ایده فاشیستی حذف زندگی فلسطینی در کرانه باختری و غزه به تحقق نزدیک تر شده و امپریالیستها، بورژوازی فاسد عرب و چپ‌اولگران و غنیمت‌بگیران مشغول تقسیم غزه چونان گوشت فربانی هستند. ۷ اکتبر به این معنا «لحظه آزادیبخش» نبود، بلکه نقطه شروع زرفش اشغال و آغاز یک دوران طولانی عقب‌نشینی بود.

رویدادهای فاجعه بار پس از این حمله نشان داد که حماس نه تنها ارزیابی درستی از پیامدهای آن و واکنش اسرائیل و متحدانش نداشت، بلکه هیچ استراتژی سیاسی نیز در پس حرکت نظامی آن وجود نداشت. یک ضربه یا ضربه‌های نظامی محدود از نوع حمله ۷ اکتبر می‌تواند زمین را برای عقب راندن دشمن و کسب امتیاز از آن فراهم کند، مشروط به آنکه یک استراتژی برای این وضعیت داشته باشد و سپس حرکت نظامی از این استراتژی تابعیت کند. این امر به ویژه در شرایطی که بین دوطرف توازن نظامی نابرابر حکمفرماست، اهمیتی دوچندان دارد. تجربه دوران اشغال نشان داده که مبارزه مسلحانه در شکست دادن اسرائیل ناتوان است. بنابراین، هدف عملیات نظامی باید کسب دستاوردهای مشخص، وادار کردن دشمن به امتیازدهی و تضعیف موضع سیاسی آن باشد. حماس اما با کُشتار غیرنظامیان اسرائیلی نشان داد که طرحی سیاسی برای بعد از حمله ندارد و به کسب دستاورد مشخصی سیاسی فکر نمی‌کند. دست زدن به عملیات نظامی بدون استراتژی روشن برای بعد از آن، اگر هرج و مرج طلبی نباشد، بی تردید در ردیف آواتوریسم قرار می‌گیرد. رفیق بیژن جزنی ترورهای فداییان اسلام را بر همین پایه «توروریسم کور» ارزش گذاری می‌کرد.^(۳)

نتیجه پیش روست: ۷ اکتبر نه تنها باعث عقب نشینی دشمن نشد، بلکه در و دروازه را برای نسل کُشی فلسطینیان، ویران کردن غزه و اشغال هر چه وسیعتر کرانه باختری و راندن آمل کشور فلسطین به دوردست باز کرد.

گذشته از چشم گذاشتن مدافعان «حماس رهاییبخش» بر مساله استراتژی و تاکتیک، آنها زمانی که به ۷ اکتبر می‌پردازند، دچار یک بن‌بست اخلاقی هم می‌شوند. آنان در حالیکه قتل عام شهروندان اسرائیلی را محکوم می‌کنند، همزمان اما با نسبی کردن آن با جنایات اسرائیل، در عمل آن را مجاز می‌شمارند. به این وسیله آنها خود را از تعریف حرکت

بقیه در صفحه ۴

«آزادی»های کنترل شده از زبان مردم

لیلا جدیدی

مردم و فشار گرانی و اقتصادی وارد شده به مردم رو جبران کن

لرستان

با توجه به تحولات بعد از کشتن مهسا (زن زندگی آزادی) جو عمومی جامعه تغییر کرده و پیشگام این تحولات دختران و خانمها بوده اند و در تداوم این خیزش مساله حجاب منتفی شده حتی در شهرهای کوچک و سنتی اساسا زنان سن بالا هم کمتر از چادر استفاده می کنند

آموزش سازه‌های مختلف موسیقی همه گیر شده و در محافل و مجالس ارکسترهای حرفه ای و آماتور فعالیت دارن و در کل مردم از قوانین ج.ا عبور کرده اند و حاکمیت هم ناتوان از مقابله با این موارد شده و در واقع فشار از پایین موجب ایجاد این فضا شده (نه اینکه حاکمیت) موافق آن باشد. از سوی دیگر واکنش مردم به اداهای رژیم در مورد ملی گرایی و متوسل شدن به اسطوره های تاریخی موجب خنده و تمسخر مردم شده و در گفتگو های روزانه این رفتارها را از روی استیصال و درماندگی می دانند.

الان بین جوانان و خانواده ها جو عوض شده و در دوره میهنپه رقص و آواز زنان به یک امر عادی مثل سال ۵۷ شده. داخل خیابانها هم رقص و آواز عادی شده. پسرها و دخترها آواز می خوانند.

اما این فقط صورت قضیه هست اما در بحثها اساسا رژیم را قبول ندارند. اتفاقا روز شماری می کنند تا شرایطی حاصل بشه و به خیابان بیان.

مردم به تغییرات اساسی فکر می کنن و حاکمیت هم متوجه این موضوع شده. مردم از اینها عبور کردن، اما هژمونی برای به فعل در آوردن این پتانسیل وجود نداره. نقطه کور اینجاست.

بوشهر

یک عده ای هستند که متأسفانه زود گوگیر میشن و دروغهای جمهوری اسلامی را باور می کنند که حساب اونا از مردم جداست. عده ای دیگر مزدوران جمهوری اسلامی هستند و دنباله رو منافقشان خودشان هستند. به نظر من این کنسرتها و دیگر حرکت‌های پوپولیستی نمی تونن اکثریت مردم را فریب بدن. اینها کلا ده درصد بیشتر نیستند. دست جمهوری اسلامی برای عموم مردم رو شده و اعتبارش را از دست دست داده. همین چند وقت پیش بود که مجسمه شاپور ساسانی که والرین رومی را اسیر کرده بود در میدان انقلاب نصب کردن. عده ای هم خوشحال شدن. امروز اعلام شد که مجسمه باید نزدیک فرودگاه نصب بشه که درس عبرتی باشه برای خارجیهایی که وارد ایران میشن. یا بنرهایی از عکسهای کوروش بزرگ را که در خیابانهای تهران نصب کردند و کلی تعریف و تمجید، ولی اگه اشتباه نکنم ۷ آبان که روز کوروش بوده، تمام مسیرهای منتهی به قبر او را بستن و اجازه ندادن کسی بازدید کنه. پارادوکس در رفتار رژیم این روزها خیلی زیاد شده و متأسفانه عده ی کمی گول میخورن ولی همانطور که گفتم قابل توجه نیستند.

باید اینطور به این سوال جواب بدم که حالا وظایف مزدورها و مزد بگیرهای رژیم اینطوری شده که میرن داخل مردم ببینند چطور می تونن اونها را در این پروسه یقلابی آزادی دادن تحمیل کنن. چند روز بود مریض بودم خونه افتاده بودم، یعنی هممون مریض بودیم. دیروز رفته سرکار. اتفاقا با یه یارو که ادعای استاد دانشگاهی می کرد، داشت توی کافه با صاحب کافه صحبت می کرد و بهش می گفت تو فقط چهار تا مشکل از این رژیم به من بگو من قانع بشم. اونم با نگرانی داشت می گفت مثلا این گرونیها، که من بی اختیار پریدم وسط حرفش گفتم اونو ول کن بیا من از الان تا فردا صبح برات بشمارم، اول از همه و مهم تر اینه که انگلهایی مثل تو رو پرورش دادن و پول مفت بهتون میدن که برید قاطی مردم و اعصابشون رو بهم بریزین و مردم هم از ترسشون که نکنه فردا بیان بگیرنش، هیچی نگن و خودخوری کنن، ولی من بهت میگم اگر فردا اومدن سراغ من معلوم میشه من چی گفتم، آن قدر گفتم و گفتم، یارو بلند شد رفت گفت اصلا نمیشه با شماها صحبت کرد، دمش رو گذاشت رو کولش رفت، بهرحال وضعیت اینطوره.

این فقط سیرکهای خیابونیه و حتی یک نفر رو نمیشناسم که مخالف اینا باشه و از روی خوشگذرونی رفته باشه توی این مراسم. بنظرم شما هم نباید دامن بزیند به این بازیها و بخواین مردم رو از این بازی دور کنید. اصلا نباید جدی گرفت، حنا اینا دیگه رنگی نداره، اصلا و اصلا فکرشم نکنید.

سالین سال است که این بازیهای حکومتی برای مردم رو شده و برای مردم عادی شده. مخالفها نمی روند به این شوها و اینا آدمهای خودشون هستند. مثلا کنسرت مجانی با چند میبینی، تماما پرستوهای حکومتی هستند و جیره خوار رژیم. شک نکنید به آنچه می گم. من اطلاع دقیق از این مسائل دارم و خواننده هاشونم که یک مشت وابسته های خودشون هستند، کنسرت مجانی نمی گذارند. پولشون رو از همون سازمان تبلیغات اسلامی می گیرند مثل راعب که نوحه خوانی هم می کنه. من صدایش رو دوست داشتم، ولی از اول هم برای اینا کار می کرد. مثلا شجریان که دیدید می خواست واقعا یه کنسرت مجانی برای مردم بگذاره. ولی دید که مردم دارند وصلش می کنن به رژیم، کنسرت خیابانی خودش رو لغو کرد.

ببینید الان آزادی کامل از نظر لباس وجود داره، یعنی طوره که حتی گاهی نسبت به استاندارد دنیا اینجا گاهی افراطی هم بیرون میان که البته به خاطر جریان خفقان سالهای قبل هست. اقایون برخلاف پیش بینی که می کردم، خیلی راحت و مودبانه و مثل همه مردم دنیا عادی برخورد کردن با این موضوع. از نظر کنسرت و موسیقی و غیره هم فعلا آزادی برقراره، اما بزارین به شما بگم که این مردم کلا حکومت رو به حساب نمیارن و هرگز با این حکومت خوب نخواهند شد، خصوصا که مشکل معیشت و گرانی از حالت غیرعادی هم فراتر رفته. اینا هرگز نمیتونن عمر بر باد رفته

چهل و شش سال است که رژیم جمهوری اسلامی نه تنها با زندان، شکنجه و اعدام هر صدای آزادیخواهی را سرکوب کرده، بلکه هر شکلی از آزادیهای فردی از قبیل گوش دادن به موسیقی، جشن و شادمانی، مهمانی و تفریح و حتی آزادی پوشش، این طبیعی ترین نیازهای جامعه را منع کرده و شهروندان را به این بهانه به ضرب و شتم می گیرد و بازداشت و محروم می کند. از روزهایی که گوش دادن یا خرید یک کاست و سی دی جرم بود تا برهم زدن مهمانیها و جشنهای خانوادگی و جنایتهایی که در این راه مرتکب شده و از میان آنها به ویژه ستم مضاعف بر زنان ایرانی که تنها یک نمونه ی آن قتل مهسا (ژینا) است. اگر قرار باشد این ستمکاری به قلم آورده شود، حتی اختصاص سالها برای نوشتن و بیان این رنجها کفاف نخواهد داد.

امروز و اکنون رژیم جمهوری اسلامی در اوج درماندگی و هراس از خروش در راه و حتمی مردم، به ظاهر کنسرت و موسیقی را آزاد کرده و فشار برای تحمیل حجاب را کاهش داده است. حال این پرسش در ذهنها جرقه می زند که این به اصطلاح آزادیها می تونند در شرایط فعلی که ۸۰ درصد جامعه زیر خط فقر بسر می برند و زندگی شان روز به روز سختتر و غیر قابل تحمل تر می شود، به تحمیل مردم ختم شود و به نتیجه مطلوب برای رژیم یعنی خاموشی خشم آنان بیانجامد؟ آیا می تواند مسیر خروش انقلاب مردم را سد کند؟

با این پرسش به میان مردم در گوشه و کنار ایران رفتیم تا نظر آنها را پرس و جو شویم. گزارش زیر پاسخ آنان به این سوال است. تلاش شده در این گزارش لحن و بیان پرسش شونده حفظ شود.

تهران

به هیچ عنوان. این فیلمهایی که درمیان، تأثیری توی مردم نداشته و نخواهد داشت، در ویدیوهایی هم که پخش میشه، دختران بی حجاب تماما همان پرستوهای حکومتی هستند، خواننده هایی هم که میارن میخورن، اکثرا مداح بودن مثل راعب که میاد سرود ای ایران میخونه. مردم دیگه گول این بازیهای رژیم رو نمیخورن، آنقدر وضع خرابه که این نوع بظاهر شادیهایی مضحک و سیرکهای خیابانی جواب نمیده، یک مشت آدم نماهای بسیجی و سپاهی بی مغز که فقط حقوق مفت میگیرن، موقع تبلیغات و سرکوب مردم میان تو خیابونها. فکر کنید جمعیت مردمی که به خاطر تماشای یک فوتبال میرن استادیوم ورزشی ۵۰ هزار نفر، ده تا خیابون بسته میشه، ولی آیا تعداد معترضان اینقدره که این همه خیابون بسته می شه؟

اگر این دفعه مردم بیان بیرون مثل دفعه های قبل نیست، مملکت رو هواست، بی برقی و بی آبی و هوای آلوده و گرانیهای سرسام آور و اختلاس بانکها و دزدیها و اعدامها، همه و همه ی اینا رو مردم با تمام رگ و ریشه هاشون دارن احساس می کنن، چطور می شه حتی یک درصد هم مردم بخوان به طرف اینا برگردن. برعکس، همه روزه داریم می بینیم تعداد بیشتری از روحانیها و ارتشیها و غیره دارن رو برمیگردونن، بنظرم دارن از داخل از هم می پاشند و نیازی به اعتراض و شورش مردم نباشه.

«آزادی»های کنترل شده

بقیه از صفحه ۷

بعد از اینکه مشخص شد رژیم حدود هشتاد نفر از مخالفان را دست بسته در سد کرج انداخته و کشته، به خاطر اینکه اذهان مردم را منحرف کند، دو نفر را که با لباس نظامی پرچم شیروخورشید را در مترو تهران برافراشتند و مردم هم استقبال کردن، بازداشت کردن که مشخص شد نظامی نبودند، ولی چند روز صحبت مردم بحث مترو بود و جریان کرج به انحراف کشیده شد، یا عروسی دختر شمشانی و بعدش دستگیری پژمان جمشیدی هنرپیشه، به هر حال رژیم هر کاری برای انحراف افکار عمومی می کند ولی عموم مردم تحت تاثیر قرار نمی گیرند و افشاگری می کنند.

بندر لنگه

طرف ما کنسرت رایگان نیست اگه باشه برای شهرهای بزرگه. در اینجا مردم حیرانند. اصلا دیگه معلوم نیست چی میخوان. سری قبل جوری زدن و بردن که فلن کسی فکر نکنم بخواد هزینه بده. دوستای منو کاری به سرشون آوردن که خیال اعتراض دیگه به سرشون نزنه. دغدغه مردم فقط الان معیشت هست گرانی بیاد میکنه. زندگی ما هممون به نحوی قربانی شد، چه ما که اینجا هستیم و چه آنها که دور از ایرانند.

و چند پاسخ کوتاه:

- همینها که در نایت کلابها و کنسرتها می روند هستند که آخوندها رو نگهداشتن، والا اونهایی که دنبال یک لقمه نون برای خودشون و خانواده هاشون هستن، از اینجور جاها سر درنمایان. یک مشت بچه آخوند و وابسته هاشون که با رانت صاحب پول باد آورده شدن. اگر هم اتفاقی بیوفته یا اسلحه می گیرن به جان مردم تعرض می کنند و یا فرار می کنند سر از کانادا و جاهایی دیگه در میارن.

- می خوان بگن ما آزادی داریم، ولی مردم ایران و دنیا در ۴۷ سال متوجه اعمال این شده اند و گول نمی خورند.

- اینا برای بقای خودشون کنسرت که هیچ، حسن و حسین و مهدی شون رو میارن تو میدان آزادی. فقط مونده خودشون بیان شلنگ تخته بندازن.

- این مراسم بزن و بکوب و کنسرتها حکومتیه بلاشک، همه اینها دروغه. چهارتا کلیپ تبلیغاتی هماهنگ درست می کنند و منتشر می کنند برای فریب و قتش بشه بازهم تو خیابونها آدم میکشن.

- ما فکر می کنیم دارن انقلاب را از مردم به اسم خودشون میدزدن. ما باید به هوش باشیم، آنها می دونن که جنگ دیگری در راه است و همه را سرگرم کرده اند. بعد که جاشون دوباره محکم شد، با پتک می زنن تو سر همه این جوونا.

- برای نظام حجاب وسیله سرکوب بوده و کارایی خودش رو داشته، اما فراموش نکنیم که حفظ نظام از اوجب واجباته، بالاتر از نماز و روزه. حالا که وضع ولی فقیه خرابه، شروع کرده به میدان دادن به این کنسرتها و جشنها، البته فقط برای طبقه مشخصی از جامعه بخصوص در تهران.

- بعد از نیم قرن دیکتاتوری، آدم کشی، بچه کشی، تجاوز، شکنجه و غارت تمام دارایی کشور، اینایی که اینجا هستند یا با رژیمیان یا بی غیرتهایی که فراموش کردن که حکومت آدمکش آخرین ترفندش رو زده.

- الان رژیم ضعیف شده، اگه دوباره قوی بشه وای بر احوال مردم. فریب آخوند را نخورید. این برای بقا است، برای انحراف مردم که بدون سرخر بقیه مملکت رو بسته بندی کرده و پا بفرار. وقت برای شادی زیاد خواهد بود. آخوند کشی رو شروع کنید.

- ببینید این حروم زاده های بیشراف مفتخور می دونن هنوز هم می شه یک سری آدمها رو گول زد. یک سری آدمهایی که فکر می کنن آزادی یعنی همین نه آزادی فکری، متأسفانه.

- باید فکر کرد دید پس اون موقع که می افتادن تو عروسی مردم و لوازم ما رو می گرفتن برای چی بود؟ می زدن، می بردن لوازم، پرونده سازی می کردن و یه شب عروس داماد بدبخت که می خواستن شاد باشن رو عزا می کردن برای چی بود؟ مگه نه اینکه موسیقی حرام بود؟ یعنی الان با این موزیکها که اصلا معلوم نیست چی هست، مشکلی ندارن؟ یا اوناییکه ما می خوندم مشکل داشت؟ به اونهایی که اومدن می گن آزادی می خواستین، بفرما! پس ماها چی که عمرمون رفت و فنا شدیم؟ عمر ما رو هم بهمون برمی گردونن؟ نه، کسی با این کارها از اینا نمی گذره.

روز یکشنبه ۲۵ آبان ۱۴۰۴، برگزاری «هفته دیزاین تهران» که با استقبال گسترده جوانان روبهرو شده بود در دانشگاه تهران متوقف شد. در پلاکاردی که بر در ورودی دانشگاه تهران نصب شده نوشته شده است که برگزاری این هفته «در دانشگاه تهران به پایان رسیده است». قرار بود این نمایشگاه هنری که در چند مکان در شهر تهران در حال برگزاری بود تا روز ۲۶ آبان ادامه یابد. خبرگزاری نزدیک به سپاه پاسداران، نوشت که هفته دیزاین تهران در پی انتشار یک «ویدئوی مبتذل» و اعتراض بسیج دانشجویی «متوقف شده» است. همگام با استقبال گسترده از هفته دیزاین در پایتخت ایران و تعریف و تمجید فراوان از این رویداد در شبکه‌های اجتماعی، عده‌ای از حامیان حکومت هم در چند روز اخیر به برگزاری این رویداد اعتراض کرده بودند. در غالب ویدئوهایی که از این رویداد هنری منتشر شده است زنان جوان حجاب اجباری بر سر ندارند.

خودکشی یک دانشجوی دانشگاه شیراز

فاطمه کمالی، دانشجوی کارشناسی ارشد شیمی معدنی دانشگاه شیراز، شامگاه یکشنبه ۲۵ آبان در خوابگاه پردیس ارم جان خود را از دست داد. مهدی محمدی، سرپرست معاونت دانشجویی دانشگاه شیراز گفت: «علت دقیق فوت این دانشجوی دختر دانشگاه شیراز همچنان نامشخص است و بررسیها از سوی پزشکی قانونی ادامه دارد.»

خودکشی اکسترن پزشکی در دانشگاه

علوم پزشکی بم

حدود دو ماه پیش، یک استاجر پزشکی ورودی ۱۴۰۰ به دنبال اقدام به خودکشی در خوابگاه به بیمارستان منتقل و در ICU بستری می شود. بعد از یک ماه که این دانشجو درخواست برای بازگشت به خوابگاه می کند، موفق به دریافت اسکان خوابگاهی نشده و در نهایت مجبور به اجاره منزل می شود. به گفته دوستان وی، پیکر این دانشجو روز جمعه ۳۰ آبان ۱۴۰۴، پس از سه روز در منزل شخصی اش پیدا شده است. اگر شرایط اسکان خوابگاهی برای او فراهم شده بود، ممکن بود امکان رسیدگی سریع تر و در نتیجه نجات جان وی وجود می داشت.

جمعی از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بم با انتشار پیامها و بیانیه‌هایی، خواستار پاسخگویی شفاف مسئولان این دانشگاه شدند. دانشجویان تاکید کرده‌اند که شرایط فشار کاری و روانی در دوره‌ی اینترنتی و استاجری، ضرورت حمایت‌های رفاهی و روانی دانشجویان را دوچندان می کند.

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: رادیو زمانه، ایسنا، هرانا، ایرنا، تلگرام دانشجویان پیشرو، آسیانیوز ایران، ایران وایر، دانشجویان متحد، دویچه وله، حال وش، رادیو فردا، تسنیم، اعتمادآنلاین)

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۱۳



شنبه ۲۰ آبان ۱۴۰۴، به خاطر سوختگی ۷۰ درصدی در بیمارستان طالقانی اهواز جان باخت. این چهارمین خودسوزی در خوزستان در ماههای پیشین است. مجاهد بالدی (عبدالسیدی) پدر احمد پیش از فوت پسرش، درباره روز حادثه گفت: «شش فرزند دارم و معیشت ما از این مغازه است که ۲۰ سال پیش از شهرداری اجاره کردیم و حالا می گویند باید تخلیه اش کنی. احمد آن روز کلاس داشت و باید ساعت ۶ از دانشگاه برمی گشت ولی استادش نیامده بود. با مادرش تماس گرفته و گفته بود یک دقیقه دیگه به منزل می رسد اما دیر کرد و نیامد، مادرش نگران می شود و به مغازه که فاصله خیلی کمی با منزلمان دارد می رود و می بیند که تعداد زیادی از ماموران شهرداری آنجا هستند و درگیری رخ داده است. احمد وقتی با ماموران شهرداری مواجه شده بود که می خواستند مغازه را خراب کنند، از آنها درخواست کرده که این کار را نکنند ولی نمی پذیرند. بعد از در پشتی به داخل مغازه می رود. ماموران برق را قطع می کنند و او در داخل می ماند همانجا روی خودش بنزین می ریزد و می گوید می خواهم خودم را آتش بزنم اما ماموران به او می گویند، «آتش بزن ببینیم».

تهدید دانشجویان معترض دانشگاه آزاد

سراوان

روز شنبه ۲۴ آبان ماه ۱۴۰۴، ساعتی پس از انتشار گزارشی مفصل درباره اعتراض گسترده دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد سراوان نسبت به افزایش ۴۵ درصدی شهریه و عدم حضور هیات رئیسه در جلسه رسمی پرسش و پاسخ، حراست دانشگاه اقدام به تهدید دانشجویان معترض کرده است.

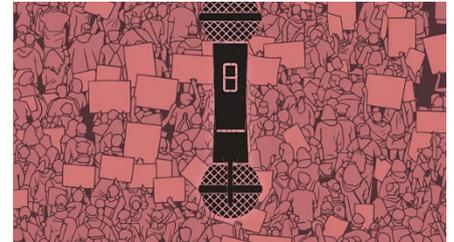
حراست دانشگاه با احضار تعدادی از دانشجویان و همچنین تماس با نمایندگان آنان و انتشار متنی در گروههای دانشجویی اعلام کرده است: «هرگونه ارتباط با رسانه‌ها از جمله حال وش ممنوع است و ارسال گزارش یا ویدئو به آن تخلف محسوب می شود. هر دانشجویی که در این موضوع نقش داشته باشد با او برخورد می شود.»

توقف برگزاری «هفته دیزاین تهران»

رویدادهای هنری ماه (آبان ۴۰۴)

هنر مقاومت

پایداری یک قیام؛ «برای...» همچنان هراس انگیز است



شروین حاجی پور، خواننده و ترانه‌سرا، با انتشار ویدیویی در حساب کاربری اینستاگرام خود اعلام کرد که اخیراً از ورود او به برخی اماکن عمومی از جمله باشگاه‌های ورزشی و سالنهای کسرت جلوگیری شده است. بنابه گفته این هنرمند، این محدودیتها بدون ارائه توضیح رسمی اعمال شده است. شروین حاجی پور با ترانه «برای...» شناخته می‌شود؛ ترانه‌ای که به سرود غیررسمی خیزش سراسری ۱۴۰۱ ایران تبدیل شد و نشسته بر لب معترضان و پشتیبانان قیام «زن زندگی آزادی»، ابعادی بین‌المللی پیدا کرد.

حاجی پور در سال ۲۰۲۳ برنده اولین جایزه گرمی در رده جدید «بهترین آهنگ برای تغییرات اجتماعی» شد. همچنین در همان سال، مجله «تایم» او را به‌عنوان یکی از صد فرد تاثیرگذار جهان معرفی کرد.

این هنرمند معترض پس از انتشار و همه گیر شدن ترانه اش، تحت پیگرد دستگاه‌های امنیتی و قضایی قرار گرفت، مدتی را در زندان بسر برد و پس از آزادی بارها با بازجویی و آزار و اذیت روبرو شد.

احیای زندگی فرهنگی در دل جنگ و ویرانی



«جشنواره بین‌المللی سینمای زنان غزه» در شرایط دشوار و میان ویرانه‌های «دیرالبلح» برگزار شد؛ جایی که به جای سالنهای فرهنگی، چادری موقت برپا شده بود و با استفاده از ژنراتور برق، فیلمها توانست به نمایش درآید.

جشنواره با نمایش فیلم «صدای هند رجب» ساخته‌ی «کوثر بن‌هنیه»، کارگردان تونس افتتاح شد؛ اثری که بازسازی قتل کودک پنج‌ساله هند رجب و خانواده‌اش توسط ارتش اسرائیل است و پیشتر در جشنواره ونیز جایزه بزرگ هیات داوران را دریافت کرده بود. طی شش روز، نزدیک به هشتاد فیلم از

بیش از بیست کشور از خاورمیانه، شمال آفریقا، اروپا و آمریکا به نمایش درآمد و حدود پانصد نفر این فیلمها را دیدند. این جشنواره به ابتکار «عزالدین شلج»، فیلمساز و پژوهشگر فلسطینی، و با همکاری وزارت فرهنگ فلسطین و نهادهای بین‌المللی شکل گرفت و هدف آن بازنمایی رنج زنان فلسطینی و احیای زندگی فرهنگی در دل جنگ و ویرانی بود. شعار جشنواره «زنان افسانه‌ای در دوران نسل‌کشی» انتخاب شده بود تا بر نقش زنان در مقاومت و روایت‌گری تاکید کند. این جشنواره نه تنها یک رویداد هنری، بلکه بیانیه‌ای فرهنگی و سیاسی بود که نشان داد حتی در دل ویرانی، زنان فلسطینی می‌توانند صدای خود را به جهان برسانند و هنر همچنان ابزاری برای مقاومت و بازسازی زندگی اجتماعی باقی می‌ماند.

موسیقی

اعتراض مک‌کارتنی به هوش مصنوعی با «۲ دقیقه و ۴۵ ثانیه سکوت»

VARIOUS ARTISTS
IS THIS WHAT
WE
WANT?



«پل مک‌کارتنی» *Paul McCartney* با چند دقیقه سکوت به جنگ طرچی رفته است که اجازه می‌دهد شرکتهای هوش مصنوعی بدون اجازه از آثار هنرمندان استفاده کنند.

این ضبط تازه که دو دقیقه و ۴۵ ثانیه طول می‌کشد، زمانی تقریباً مشابه با ترانه «با کمی کمک از دوستانم»، آهنگ کلاسیک گروه «بیتلز» را دارد. اثر مک‌کارتنی نیز قرار است نوعی «کمک» باشد.

قطعه جدید مک‌کارتنی همچون آهنگی اضافه در نسخه صفحه گرام آلبوم «آیا این همان است که می‌خواهیم؟» *Is This What We Want?* منتشر می‌شود؛ آلبومی

اعتراضی علیه قانون پیشنهادی دولت بریتانیا درباره هوش مصنوعی. بیش از هزار موسیقیدان بریتانیایی اواخر فوریه گذشته نسخه دیجیتالی این آلبوم را منتشر کرده بودند. بریتانیا تحت فشارهای ضد مقررات از سوی کاخ سفید دونالد ترامپ این طرح را تهیه کرده است.

در میان مشارکت‌کنندگان طیفی گسترده از ستاره‌های ژانرهای مختلف موسیقی، از جمله «کیت بوش»، «آنی لنکس»، «دیمن آبارن»، «بیلی اوشن»، «جمبروکوای»، «ایمجن هیپ»، یوسف/کت استیونز»، «توری ایموس»، «هانس زیمر» یا «مکس ریشر» حضور دارند.

آلبوم حاوی این قطعات بی‌صدا، چه از سر کنجکاوای چه به خاطر همبستگی، به اندازه‌ای شنیده شد که بتواند برای یک

هفته در رتبه ۳۸ جدول رسمی آلبومهای برتر بریتانیا قرار بگیرد.

بسته شدن صفحات چند خواننده زن در مازندران توسط پلیس امنیت



گزارشها در شبکه‌های اجتماعی حاکی از مسدود شدن صفحات اینستاگرامی شماری از زنان خواننده در استان مازندران است. آزاده کبریاء، زینب بریمانی و ماندانا اکبرزاده، سه تن از خوانندگان زن مازندرانی هستند که صفحات آنها توسط پلیس امنیت عمومی مسدود شده است. در صفحات برخی از این هنرمندان نوشته شده که این صفحه به‌دلیل تولید محتوای مجرمانه مسدود شده است.

فروردین‌ماه سال ۱۴۰۴ نیز رسانه‌های حقوق بشری از احضار هفت زن خواننده در بهبهان از سوی نهادهای امنیتی خبر داده بودند. پیشتر نیز چند خواننده زن در اصفهان به پلیس امنیت احضار شده و پس از مراجعه به آنها گفته شده بود صفحاتی که بخشی از آثارشان در آن منتشر شده، مسدود است و محتوای آن حذف خواهد شد.

خوانندگان زن عموماً با اتهاماتی مانند «ترویج فساد» یا «تبلیغ علیه نظام» تحت تعقیب قضایی و بازداشت قرار می‌گیرند. تک‌خوانی زنان در ایران از همان سالهای نخست روی کار آمدن حکومت جمهوری اسلامی ممنوع است.

یک ایرانی نامزد بهترین موسیقی «سبک آفریقایی» جایزه گرمی شد



مهران متین، آهنگساز و موسیقیدان ایرانی، در بخش «بهترین موسیقی در سبک آفریقایی» در فهرست نامزدهای دریافت جایزه «گرمی» سال ۲۰۲۶ قرار گرفت. این هنرمند سیرجانی با قطعه «*Hope & Love*» (امید و محبت) که با همراهی «ادی کنزو» *Eddy Kenzo*، هنرمند اوگاندایی تبار، ساخته، در این رقابتها حضور خواهد داشت.

بقیه در صفحه ۱۰

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۹

او درباره مسیر هنری خود گفت: «شروع من با موسیقی الکترونیک غربی بود و بعدها به سمت تلفیق با سبکهای مختلف رفتم. از سال ۲۰۲۲ بیشتر با دوستانی از کشورهای دیگر مثل یونان و هلند همکاری داشتم و همین باعث شد به سمت موسیقی آفریقایی و لاتین کشیده شوم.»

متین که از بازخوردهای مثبت مخاطبان ایرانی هم خوشحال است، گفت: «برایم جالب بود که بازخوردهای خوبی از ایران گرفتم. فکر می‌کردم شاید این سبک کمتر در ایران شنیده شود، اما مردم با انرژی مثبت و کامنتهای قشنگ‌شان واقعا خوشحال و دلگرم کردند.»

این جایزه که با رأی مردمی انتخاب می‌شود، بزرگترین مراسم موسیقی جهان است که به‌وسیله آکادمی ملی علوم و هنرهای ضبط در آمریکا برای شناسایی دستاوردهای صنعت موسیقی ارائه می‌شود.

رسانه های دیداری

پیشروی راستگرایان آمریکا در انحصار فیلم و تلویزیون



شرکت بزرگ «وارنر برادرز دیسکاوری» (WBD) که صاحب DC Studios, HBO, CNN و بسیاری برندهای دیگر است، ممکن است به شرکت «اسکایدنس» Skydance فروخته شود. این شرکت متعلق به خانواده مولتی میلیاردر «الیسون» است که در تابستان سال جاری «Viacom/CBS» را خریدند و تغییرات سیاسی زیادی و از جمله لغو برنامه‌ی «استیون کولبرت»، یک کم‌دین منتقد ترامپ، و گم‌کردن «باری وایس» Bari Weiss، یک محافظه کار افراطی به سردبیری سی بی اس نیوز.

اگر اسکایدنس WBD را بخرد، کنترل بخش بزرگی از رسانه‌ها و سرگرمی آمریکا در دست یک شرکت خواهد بود. این به معنای - تغییر خط خبری CNN به سمت سیاستهای راست‌گرایانه، انحصار و خطر برای آزادی رسانه و تنوع فرهنگی و هنری، مانند آنچه که بعد از خرید «فاکس» توسط «دیزنی» افتاد.

ساتورهای «الیزابت وارن» و «برنی سندرز» و انجمن نویسندگان آمریکا می‌گویند این ادغام ضدانحصاری است و به ضرر مردم و هنرمندان تمام می‌شود.

محکومیت یک کم‌دین به زندان برای شوخی با فردوسی



زینب موسوی به خاطر ویدیو کلیپی که در آن ابیاتی از شاهنامه فردوسی را می‌خواند و به طنز تفسیرشان می‌کرد، به شش ماه حبس تعزیری و تهیه رساله زیرنظر بنیاد فردوسی محکوم شد.

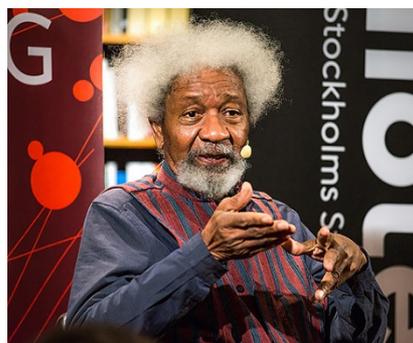
در بخشی از این حکم که توسط همسر زینب موسوی منتشر شده، آمده است: «متهم موظف است تحت نظارت بنیاد فردوسی و با راهنمایی یک استاد مورد تایید این بنیاد، طی مدت شش ماه، یک رساله اجباری را در زمینه‌هایی مانند جایگاه فردوسی در هویت و فرهنگ ملی ایران، اهمیت شاهنامه فردوسی در فرهنگ و ادب پارسی و ... تدوین و از آن دفاع کند.»

در حکم یاد شده اضافه می‌شود: «متهم مکلف است حداقل به میزان ۱۲۰ ساعت با هماهنگی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و مدیریت آموزش و پرورش، دوره‌های قصه‌گویی خود را با استفاده از ظرفیتهای شاهنامه فردوسی در مدارس یا مراکز فرهنگی مناطق کم برخوردار اجرا کند و مستندات آن را به اجرای احکام ارائه نماید.»

زینب موسوی که با شخصیت «امپراطور کوزکو» در شبکه‌های مجازی مشهور شد، پیش از این هم چندین بار سابقه بازداشت دارد و در سال ۱۴۰۱ هم بعد از بازداشت به دو سال زندان محکوم شد که پس از مدتی مورد عفو قرار گرفت و آزاد شد.

ادبیات

آمریکا ویزای برنده نوبل ادبیات را باطل کرد



مخالفان دونالد ترامپ هر روز شاخص‌تر می‌شوند. «وله سوینکا» Wole Soyinka، مشهورترین نویسنده نیجریه و برنده نوبل ادبیات، دیگر اجازه ورود به ایالات متحده آمریکا را ندارد؛ کشوری که دهه‌ها در آن زندگی و کار کرده است.

این نویسنده ۹۱ ساله، روز سه‌شنبه ۶ آبان / ۲۸ اکتبر در مراسمی در شهر «لاگوس» نیجریه فاش ساخت که ویزای آمریکایی‌اش باطل شده است. سوینکا گفت «بدیهی است که ورود من به ایالات متحده ممنوع شده است» و سپس نامه‌ای را که از کنسولگری آمریکا در لاگوس دریافت کرده بود، خواند. در این نامه آمده است که ویزای وی «دیگر برای درخواست ورود به ایالات متحده معتبر نیست».

سوینکا یکبار دونالد ترامپ را «عیدی امین سفید» نامیده بود. عیدی امین، دیکتاتور اوگاندا در دهه ۱۹۷۰، مظهر حکومت وحشت در آفریقا است. سوینکا می‌گوید: «من فکر می‌کردم که ترامپ خوشحال شود»؛ رئیس‌جمهور باید «وقتی او را یک دیکتاتور درجه یک می‌نامند، افتخار کند».

او در سال ۱۹۸۶ به‌خاطر مجموعه آثارش در مورد افتادن نیجریه به گرداب دیکتاتوری و خشونت برنده جایزه نوبل ادبیات شد و به نخستین نویسنده آفریقایی تبدیل شد که این جایزه را کسب می‌کند. حکومت نظامی ژنرال دیکتاتور «سانی آپاچا» (۱۹۹۳-۱۹۹۸) او را مجبور به تبعید به آمریکا کرد، جایی که او در آنجا استاد مهمان بود و گرین کارت (مجوز اقامت دائم) دریافت کرد. زمانی که دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۶ به ریاست‌جمهوری آمریکا انتخاب شد، او گرین کارت خود را به نشانه اعتراض پاره کرد.

برگزاری مجمع عمومی کانون نویسندگان ایران



روز جمعه ۲۳ آبان ۱۴۰۴ دوازدهمین مجمع عمومی دوره‌ی سوم فعالیت کانون نویسندگان ایران با حضور شمار زیادی از اعضا برگزار شد. در آغاز، حسن اصغری به عنوان رئیس سنی، پس از خوش‌آمدگویی به حاضران، جلسه را با یاد کُشتگان کانون نویسندگان ایران، سعید سلطانپور، احمد میرعلایی، غفار حسینی، محمد مختاری، محمد جعفر پوینده و بکناش آبتین آغاز کرد و از حاضران خواست به یاد درگذشتگان سال گذشته‌ی کانون نویسندگان ایران یک دقیقه سکوت کنند.

سپس هیات ریسه مجمع متشکل از مونا محمدزاده (رییس)، فرامرز سه‌دهی (نایب رییس) و قارن سوادکوهی (منشی) اداره‌ی جلسه را به عهده گرفت. پس از آن محبوبه موسوی گزارش عملکرد هیات دبیران در دوره‌ی ماموریت‌شان را خواند. این گزارش پس از بحثی کوتاه مورد تایید حاضران قرار گرفت و تصویب شد. سپس حافظ موسوی، یکی از بازرسان مالی، گزارش مالی هیات دبیران را به مجمع ارائه کرد. این گزارش نیز به تصویب مجمع رسید.

پس از آن انتخابات نهادها برگزار شد که در نتیجه آیدا عمیدی، گلشید کریمیان، علیرضا بهنام، روزبه سوهانی و رضا خندان (مهاپاد) به عنوان اعضای هیات دبیران انتخاب شدند. همچنین علیرضا آدینه، میلاد جنت، حسین اکبری و علی صبوری به عنوان جانشین هیات دبیران برگزیده شدند.

استفاده از هوش مصنوعی دو نویسنده را محروم کرد

رمانهای «گوشت‌خوار اجباری» نوشته «استفانی جانسون» Stephanie Johnson و «قطار فرشته» نوشته «الیزابت اسمیتر» Elizabeth Smither به دلیل استفاده از تصاویر تولیدشده با هوش مصنوعی در طراحی جلد کتاب، از رقابت جایزه کتاب «اوکهام» Okham نیوزیلند ۲۰۲۶ کنار گذاشته شدند.

بقیه در صفحه ۱۱

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۱۰



ماجرا پس از آن آغاز شد که یک کتابفروش به استفاده از هوش مصنوعی در جلدها مشکوک شد و موضوع را گزارش داد. ناشر نیز تایید کرد که در فرآیند طراحی از ابزارهای هوش مصنوعی استفاده شده است.

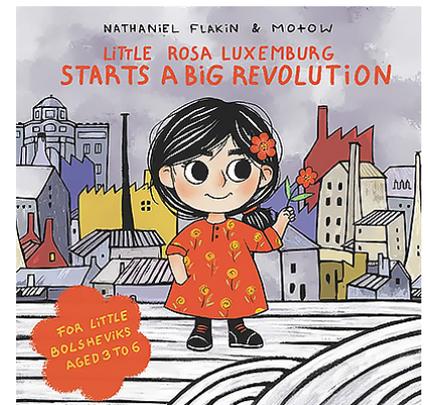
هر دو نویسنده پیشتر عضو هیات داوران این جایزه بوده‌اند و از این تصمیم ابراز تأسف کرده‌اند. جانسون گفته است که به جای صحبت درباره کتابش، مجبور شده درباره «هوش مصنوعی لنتی» حرف بزند.

برگزارکنندگان جایزه اعلام کردند که مقررات جدیدشان برای حمایت از نویسندگان و تصویرگران، استفاده از عناصر تولیدشده با هوش مصنوعی را ممنوع کرده است. ناشر نیز تأکید کرد که ابزار هوش مصنوعی جایگزین خلاقیت نیست، بلکه ادامه طبیعی هنر است، اما قوانین خیلی دیر اعلام شدند و امکان تغییر سفارشها وجود نداشت.

جایزه اوکهام، معتبرترین جایزه ادبی نیویورک با مبلغ ۶۵,۰۰۰ دلار نیویورک برای نخستین بار این مقررات را اجرا می‌کند.

این رویداد نشان‌دهنده‌ی برخورد جدی نهادهای ادبی با استفاده از هوش مصنوعی در طراحی و هنر است و بحثی تازه درباره‌ی مرز میان خلاقیت انسانی و فناوری در ادبیات برانگیخته است.

قصه شاه پریان درباره یک شورشی واقعی



کتاب تصور تازه‌ای با عنوان «رزا لوکزامبورگ کوچولو انقلابی بزرگ بره می‌اندازد» (*Little Rosa Luxemburg Starts a Big Revolution*) نوشته‌ی «ناتانیل فلیکن» *Nathaniel Flakin* و تصویرگری موتو *Motow*، به‌تازگی منتشر شده است. این اثر در قالب یک داستان کودکان، زندگی و مبارزات رزا لوکزامبورگ، رهبر انقلابی کارگران لهستان و آلمان، را برای مخاطبان خردسال روایت می‌کند.

داستان نشان می‌دهد که افراد کوچک و به ظاهر ناتوان اگر سازماندهی کنند، می‌توانند نیرویی بزرگ و مؤثر باشند. برخلاف قصه‌های رایج که شاهزادگان و پادشاهان قهرمان‌اند، در این روایت آنها شخصیت‌های منفی هستند و مردم عادی نقش قهرمانان را دارند.

کتاب تلاش کرده تا حد امکان با واقعیت تاریخی سازگار باشد؛ مثلاً گربه‌ی لوکزامبورگ به نام «میمی» که واقعاً وجود داشت، در داستان حضور دارد. برای کودکان، روایت قتل لوکزامبورگ ساده‌تر شده است؛ به جای اشاره به قنداق تفنگ و شلیک به شقیقه، او به داخل رودخانه هل داده می‌شود. در کتاب بخشی نیز با عنوان «چیزهای خسته‌کننده برای بزرگترها» وجود دارد که توضیحات تاریخی و منابع بیشتر ارائه می‌دهد و در نهایت، کتاب دارای صفحه‌ای با پیشنهادات برای مطالعه بیشتر هم هست.

کتاب «رزا لوکزامبورگ کوچولو انقلابی بزرگ بره می‌اندازد» نه تنها یک قصه‌ی کودکانه است، بلکه ابزاری آموزشی و فرهنگی برای آشنا کردن نسل جدید با مفاهیم مقاومت، عدالت اجتماعی و نقش مردم عادی در تاریخ به شمار می‌رود.

گونگون

هجدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر خیابانی

مربوان



جشنواره بین‌المللی تئاتر خیابانی مربوان در هجدهمین دوره خود از چهارم تا هشتم آبان ۱۴۰۴ برگزار شد. محور اصلی این دوره حفاظت از محیط زیست بود و ۴۳ گروه نمایشی با ۱۰۷ اجرا از ایران و کشورهایی چون هند و تونس در آن شرکت کردند.

افتتاحیه با اجرای سرود مشهور کُردی «خوایه وه‌ته‌ن تاوا که‌هی» (ای خدا وطن را آباد کن) و کارناوالی با نماد لک‌لک — پرندهای که در فرهنگ مردم مربوان نماد صلح، امید و همزیستی با طبیعت است — آغاز شد. در این کارناوال سازه‌ای چندمتری لک‌لک حرکت داده شد و صورتک‌های کاغذی میان مردم پخش گردید. رقص‌های کُردی «هه‌له‌هرکی» و آوازهای آنتیک‌های مختلف با لباسها و موسیقی خاص خود جلوه‌ای از تنوع فرهنگی را به نمایش گذاشت. اجراها در مکان‌های عمومی مانند دریاچه زریبار، پارک شانو، پارک ملت و میدان باوهرشی برگزار شد.

این جشنواره ریشه در آیینها و سنت‌های نمایشی مردم مربوان دارد که از دهه ۱۳۷۰ به شکل منظم‌تر برگزار شد برخلاف بسیاری از حرکت‌های فرهنگی که با محدودیت روبرو می‌شوند، این جشنواره به دلیل استقبال گسترده مردم و هنرمندان و رویکرد کم‌تشن خود، حمایت شهرداری و اداره ارشاد را به دست آورده است.

(منابع: جنگ خبر، بهارنیوز، مجله ۹۷۲، دوپچه وله، نیشن، رادیوفرده، کرمان نو، ال پائیس، دیده‌بان ایران، رادیوزمانه، لفت وویس)

بازگشت اربابان جنگ و تحریم

منصور امان



آخرین باری که رهبران رژیم ج.ا. با لاف زنی، بلوف و برگزاری نمایش نظامی در پی عقب راندن «دشمنان» و نرم کردن سیاست‌های آنها برآمدند، نتیجه آن زبانه کشیدن یک جنگ مهیب بود. اکنون چنین می‌نماید که دستگاه حاکم پس از خارج شدن از شوک جنگ دوازده روزه، همان بازی ناکام را دوباره از سر گرفته است.

تازه‌ترین مسافر این دوربرگردان علی لاریجانی است. وی در مقام دبیر بالاترین ارگان امنیتی ج.ا. پا به گود گذاشته، سینه جلو داده و به رجز خوانی برای آمریکا پرداخته است. لاریجانی در سخنانی تحریک‌آمیز به ترامپ پیام داده که «با قدرت جلوی آمریکا می‌ایستیم؛ حتی به قیمت رویارویی».

باز یافت انبوه این تاکتیک شکست‌خورده را همچنین می‌توان در اعلام مانورهای نظامی و آزمایش‌های موشکی و نیز سخن پراکنیهای جنگ‌طلبانه آن دسته از سرکردگان سپاه پاسداران مشاهده کرد که از حملات اسرائیل جان سالم به‌در برده‌اند. اگر کسی با شرایط اقتصادی - اجتماعی وخیم ایران از یکطرف و موقعیت ضعیف رژیم حاکم آشنایی نداشته باشد، گمان خواهد برد که شرایط در هر دو سوی معادله آنچنان معجزه‌آسا بهبود یافته که از سکوی آن لاریجانی و «سرداران بجا مانده»، قدرت نازل شده را به رخ آمریکا و اسرائیل می‌کشند.

واقعیت اما این است که طرف‌های خارجی ج.ا. تحت تأثیر تهدیدها و لاف‌زنی مهره‌های آن قرار نمی‌گیرند و سیاست خود را با آنچه که امثال علی لاریجانی به میان معرکه می‌ریزند، تنظیم نمی‌کنند. بسا بیشتر سخنان تحریک‌کننده و لفاظیهای جنگی به آنها در مشروعیت بخشیدن به تدابیرشان علیه رژیم ج.ا. یاری می‌رساند. وقتی یک لابی رژیم خامنه‌ای در روزنامه آمریکایی «نیویورک تایمز» لاف چاپ می‌زند که ج.ا. «آماده شلیک یکباره دو هزار موشک به اسرائیل است»، در حقیقت یک استدلال قانع‌کننده دیگر را پیرامون تهدید رژیم ج.ا. برای امنیت و ثبات بین‌المللی عرضه کرده است.

سرچشمه این گیج‌سری اما در واقع بن‌بست رژیم خامنه‌ای است که چنان چرخ دنده‌های گیر کرده، می‌چرخد و دوباره به همان نقطه شکست می‌رسد. حاکمیت به عقب‌بازمی‌گردد چون فاقد گزینه سیاسی دیگری برای ثبات و بقا است، نه گنجایش سیاسی - اجتماعی عقب‌نشینی دارد و نه توان و پشتوانه عمومی رویارویی نظامی! لاریجانی سخنگوی رژیم است که راهی برای خروج از بحران ندارد و بنابراین بازی را به امید گرفتن نتیجه دیگر، از همانجا که باخته، از سر گرفته است.

فراسوی خبر... پنجشنبه ۲۲ آبان

دانشگاه در ماهی که گذشت (آبان ۱۴۰۴)

کامران عالمی نژاد



گزارش‌ها حاکی از آن است که مشکلات خوابگاهها، گرمای طاقت‌فرسا، نبود امکانات اولیه و حتی نصب دوربین در راهروها، فضای دانشگاه را به محیطی سرکوب‌گر و غیرانسانی تبدیل کرده است.

مهاجرت ۶۶ هزار دانشجوی از کشور طی ۲۰ سال

روز شنبه ۳ آبان ۱۴۰۴، کارن ابری نیا دبیر کانون صنفی استادان دانشگاهی ایران درباره مهاجرت دانشجویان از ایران گفت: «موج مهاجرت از دانشگاه محصول امروز و دیروز نیست، سالها ادامه دارد، یک آمار رسمی داریم که از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ حدود ۶۶ هزار دانشجو از ایران مهاجرت کردند، آمارهای غیررسمی هم مدعی است که حدود ۲۰۰ هزار دانشجو مهاجرت کردند، مخصوصا دانشجویان دانشگاههای برتر که نخبه‌های ایران هستند و هرکدام شان می‌توانند محور یک تحول باشند. خاترم هست که وقتی اوباما رئیس جمهور ایالت متحده بود گفت که تمام نخبگان سراسر دنیا امریکایی هستند، منظورش این بود که نخبگان به آمریکا بروند.»

این رزیدنتها وضعیت فعلی را تهدیدی جدی برای سلامت عمومی و آموزش تخصصی کشور دانسته و از فشارهایی خبر داده‌اند که بسیاری از آن‌ها را در معرض "افکار سویسایدال" (تمایل به خودکشی) قرار داده است. تعداد دستیاران ورودی این رشته در سالهای اخیر به شدت کاهش یافته (ورودی ۱۴۰۲ به ۱۲ نفر، ۱۴۰۳ به ۷ نفر و ۱۴۰۴ به ۵ نفر)، که منجر به تحمیل بار کاری غیرقابل تحمل بر دوش رزیدنت‌های فعلی شده است.

سه حادثه در دو دانشگاه؛ یک دانشجوی ضربه مغزی شد



روز چهارشنبه ۷ آبان ۱۴۰۴، مبینا حمصیان دانشجوی معماری دانشگاه یزد حین انجام تمرین درس عملی خود در یکی از خانه‌های سنتی یزد، از حفره‌ای در سقف ساختمان سقوط کرد و دچار ضربه مغزی گشت. لازم به توضیح است، با تصمیم خانواده‌اش، اعضای بدنش به بیمارستان نیازمند اهدا شد. دانشجویان اعلام کرده‌اند که ایمنی رعایت نمی‌شده و تنها وسیله ایمنی در اختیارشان، کلاه ایمنی بوده! در همین هفته و در روزهای سه شنبه ۶ آبان و پنجشنبه ۸ آبان، پنج دانشجو خوابگاهی دانشگاه فرهنگیان خرم‌آباد به دلیل گازگرفتگی در دو روز متفاوت، راهی بیمارستان شدند. دانشجویان می‌گویند تهویه مناسب نیست و وسایل گرمایشی غیراستاندارد و نامناسب هستند!

بقیه در صفحه ۱۳

کُش دانشجویان دانشگاه یزدان پناه سنندج



روز سه شنبه ۶ آبان ۱۴۰۴، جمعی از دانشجویان دانشگاه یزدان پناه سنندج، دست به اقدام اعتراضی زدند. دانشجویان معترض، با قراردادن ظروف وعده غذایی ناهار بر روی زمین، اعتراض خود را به کیفیت نامطلوب غذای ارائه شده در سلف، ابراز و در محوطه داخلی سلف تجمع کردند.

اعتصاب رزیدنتهای جراحی زنان دانشگاه علوم پزشکی اهواز

دستیاران تخصصی سال دوم و سوم رشته جراحی زنان و زایمان دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز با انتشار یک بیانیه رسمی، اعلام کردند که در اعتراض به شرایط طاقت‌فرسا و کمبود شدید نیروی انسانی، از روز چهارشنبه ۷ آبان ۱۴۰۴، دست به اعتصاب کامل آموزشی و درمانی زدند.

احضار و تهدید فعالان دانشجویی دانشگاه خواجه نصیر

در پی گسترش اعتراضها دانشجویی در دانشگاه صنعتی خواجه‌نصیرالدین طوسی در مهر ماه امسال نهادهای امنیتی فشار بر فعالان دانشجویی این دانشگاه را تشدید کرده‌اند. در روزهای نخست آبان ماه، شماری از فعالان و دانشجویان دانشگاه صنعتی خواجه‌نصیرالدین طوسی بار دیگر با تماسهای تهدیدآمیز تلفنی از سوی مراجع و شماره‌های ناشناس مواجه شده و به مراجع امنیتی احضار شدند. این تماسها عمدتاً از سوی نهادهای اطلاعاتی صورت گرفته و در برخی موارد، محتوای آن شامل تهدید به بازداشت و فشار برای توقف فعالیتهای صنفی و عدم شرکت در اعتراضهای پسین است.

دستم ۳۰ درصد دانشجویان دانشگاه تهران سهمیه‌ای هستند



دکتر محمود کمره‌ای معاون آموزشی دانشگاه تهران روز شنبه ۳ آبان ۱۴۰۴، به آمار پذیرش دانشجویان برتر و سهمیه‌ها در دانشگاه تهران اشاره و اظهار کرد: با توجه به اینکه دانشجویان ورودی جدید تازه وارد دانشگاه شدند، هنوز برآوردی نداریم از اینکه چند درصد این ورودی‌ها بر اساس سهمیه پذیرش شدند؛ اما در سالهای پیش حدود ۳۰ درصد دانشجویان دانشگاه تهران بر اساس ضوابط قانونی سهمیه در این دانشگاه پذیرش شدند.

معاون آموزشی دانشگاه تهران به آمار کلی پذیرش دانشجویان رتبه‌های برتر آزمون سراسری اشاره کرد و گفت: ما ۵ گروه آزمایشی در آزمون سراسری داریم که ۱۰۰ نفر در هر گروه اول می‌شوند. در مجموع ۱۵۰ نفر از ۵۰۰ نفر برتر تمامی گروههای آزمایشی کنکور در دانشگاه تهران پذیرفته شدند.

اعتراض دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی

در ادامه موج اعتراضها دانشجویی، روز شنبه ۳ آبان، جمعی از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ابرانشهر در اقدامی نمادین، غذاهای بی‌کیفیت سلف دانشگاه را به سطل زباله ریختند؛ اعتراضی علیه بی‌توجهی مژمن مسئولان به وضعیت تغذیه، خوابگاه و سلامت دانشجویان. دانشجویان گفتند: «غذاهایی که به ما می‌دهند نه قابل خوردن است، نه قابل تحمل. چندین نفر دچار مسمومیت شده‌اند، اما هیچ مسئولی پاسخگو نیست. بارها اعتراض کردیم، اما گوش شنوایی وجود ندارد.

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۱۲

اعتراض دانشجویان دانشگاه شیراز به کیفیت غذای سلف



روز چهارشنبه ۷ آبان ۱۴۰۴، دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز در اعتراض به کیفیت پایین غذای سلف سینی غذاهای شان را بر روی پله‌ها چیدند و از سرف غذای بی کیفیت در اقدامی اعتراضی خودداری کردند. آغاز سال تحصیلی و اعتراضها دانشجویان در زمینه‌های رفاهی و معیشتی، با پیوند خوردن به اعتراضها سیاسی و تشکل‌یابی، راه را برای تغییر ریشه‌ای و قدرت گرفتن هرچه بیشتر جنبش دانشجویی باز می‌کند.

وضعیت بحرانی پنج خوابگاه دانشجویی



شرایط خوابگاههای دانشجویی دانشگاه‌های تهران، امیرکبیر، خواجه نصیرالدین طوسی، علامه طباطبایی و بهشتی «نامناسب و نگران کننده» است. این خوابگاهها با مشکلاتی چون فرسودگی ساختمانها، فقدان ایمنی (نظیر تجهیزات آتش‌نشانی و روشنایی کافی)، آلودگی شدید محیطی (شامل فضولات حیوانات، موش و سوسک) و کمبود امکانات اولیه نظیر تهویه، تخت و تجهیزات بهداشتی مواجه هستند. همچنین دانشجویان از سرقت، ناامنی و برخورد انضباطی در پی اعتراض به این وضعیت نیز خبر داده‌اند. منتقدان می‌گویند این بحران در حالی تشدید شده که بخش قابل توجهی از بودجه وزارت علوم به جای رسیدگی به امور رفاهی و ایمنی دانشجویان، صرف مسائل سیاسی و سرکوب فعالیت‌های صنفی می‌شود.

خودکشی دکتر نادیا متقی

روز دوشنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۴، خبر خودکشی نادیا متقی، پزشک ۳۶ ساله شیرازی، جامعه پزشکی را در غم فرو برد. او که سالها برای نجات جان دیگران تلاش کرده بود، نتوانست جان خود را از چنگال ناامیدی نجات دهد. دکتر نادیا متقی، پزشک عمومی شاغل در شیراز و ۳۶ ساله بود.



بر اساس پژوهش‌های داخلی، ۳۴ درصد از رزیدنت‌های ایرانی افکار خودکشی را تجربه کرده‌اند. آماري که هر انسان دلسوزي را به تفکر وامی دارد.

چهار هزار دانشجوی ارشد و دکتری بدون مدرک مانده‌اند



روز سه شنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۴، روزنامه «شرق» در گزارشی مفصل از بحران تازه‌ای در آموزش عالی ایران خبر داده است؛ بحرانی که بیش از چهار هزار دانشجوی کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه پیام‌نور را در بلاتکلیفی کامل قرار داده است. بر اساس این گزارش، وزارت علوم اعلام کرده پذیرش این دانشجویان در واحدهای بین‌الملل پیام‌نور در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ بدون مجوز انجام شده و همین موضوع صدور مدارک، برگزاری آزمون جامع و ادامه تحصیل آنان را متوقف کرده است.

دانشجویان می‌گویند که همه چیز «رسمی» به نظر می‌رسید: فراخوان در سایت دانشگاه منتشر شد، مصاحبه‌ها با حضور استادان و حراست برگزار شد، کارت دانشجویی صادر شد و کلاسها در سامانه پیام‌نور (LMS) برپا شد.

اعتراض دانشجویان دانشگاه کردستان

روز چهارشنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۴، دانشجویان دانشگاه کردستان نسبت به وضعیت نامناسب خوابگاهها و سرویس‌های ایاب و ذهاب این دانشگاه تجمعی در برابر خوابگاههای دانشجویی با حضور تعداد زیادی از دانشجویان برگزار کردند. دانشجویان شعار می‌دادند: دانشجو داد بزن، حق تو فریاد بزن...

بیانیه در محکومیت حکم اعدام احسان فریدی

روز شنبه ۱۷ آبان ۱۴۰۴، جمعی از دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر بیانیه‌ای در محکومیت حکم اعدام احسان فریدی صادر کردند. در زیر بخشهایی از این بیانیه را می‌خوانیم:

«... دانشگاه صنعتی امیرکبیر — پلی‌تکنیک — که نامش با آزادی آکادمیک، عدالت خواهی دانشجویی و پاسداشت کرامت انسانی پیوند خورده است، امروز بار دیگر در برابر آزمونی تعیین‌کننده قرار گرفته است. آزمونی که تنها سرنوشت یک دانشجو را نشانه نرفته، بلکه مفهوم دانشگاه، حق

اندیشیدن و بنیان جامعه مدنی را هدف قرار داده است. در دانشگاه ما، نشانه‌های آشکاری از امنیتی‌سازی فضاهای علمی و محدودسازی فعالیت‌های دانشجویی را دیده‌ایم؛ روندی که استقلال نهاد دانشگاه و جایگاه دانشجو را تضعیف و فضای آزاد نقد و گفت‌وگو را به تدریج به هراس و خودسانسوری بدل می‌کند. دانشگاه، میدان پرورش تفکر انتقادی است نه سازو کاری انضباطی برای تربیت فرمان‌برداران.

در چنین شرایطی، صدور حکم اعدام برای احسان فریدی — دانشجویی که باید در فضای نقد، پژوهش و مباحثه رشد یابد، اقدامی است که فراتر از یک مجازات فردی عمل می‌کند؛ این حکم تلاشی است برای ارسال پیام انضباطی به جامعه دانشگاهی، پیامی که می‌خواهد سکوت را جایگزین اندیشه، و ترس را جایگزین پرسشگری کند. حال آنکه جان انسان و کرامت دانشجو، خط قرمزی است که جامعه دانشگاهی نمی‌تواند و نباید در برابر آن عقب‌نشینی کند. دانشگاه نه پادگان است و نه ضمیمه هیچ نهاد امنیتی؛ رسالت آن تولید دانش، نقد قدرت، و گشودن افق‌های تازه برای جامعه است. امنیت پایدار نیز نه با تهدید و حذف، بلکه تنها با پذیرش نقش فعال دانشجویان و مشارکت آزاد و مسئولانه آنان شکل می‌گیرد...

ما دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، حکم اعدام احسان فریدی را قاطعانه و اصولی محکوم می‌کنیم. این مخالفت نه از سر احساسات زودگذر، بلکه مبتنی بر تعهدی اخلاقی، علمی و اجتماعی است: پاسداری از حرمت انسان، صیانت از استقلال دانشگاه و دفاع از آینده‌ای که بدون آزادی و کرامت، ناممکن است...»

تجمع دانشجویان دانشگاه الزهرا



اعتراض شماری از دانشجویان دانشگاه الزهرا به تداوم قطع و جیره‌بندی آب در خوابگاههای این دانشگاه شامگاه یکشنبه ۱۸ آبان ۱۴۰۴، بالا گرفت. دانشجویان با تجمع در محوطه خوابگاه و سردادن شعارهایی چون «ما منتظر حق مان هستیم، هیچ‌جا نمی‌رویم، همین‌جا هستیم»، خواستار رسیدگی فوری به وضعیت آب و بهبود شرایط بهداشتی شدند.

بر پایه گزارشها، آب حمامهای خوابگاه تنها دو ساعت در شب، بین ساعت ۸ تا ۱۰، در دسترس است و در باقی ساعات شبانه روز قطع می‌شود. روز دوشنبه اداره آب و فاضلاب تهران اعلام کرد که به دلیل «مصرف بیش از دو برابر الگوی تعیین‌شده در دانشگاههای تهران، الزهرا و امیرکبیر»، فشار آب این مراکز کاهش یافته است.

خودسوزی دانشجوی نقشه‌گشی دانشگاه آزاد

اهواز دوباره عزا دار شد. این بار برای «احمد بالدی» دانشجوی ۲۰ ساله که در اعتراض به تخریب مغازه فروشی خانوادگی شان در پارک زیتون اهواز خودسوزی کرد، بامداد روز سه

تجمع اعتراضی معلمان حق التدریس در راسک



روز چهارشنبه ۱۴ آبان، گروهی از معلمان حق التدریس مقابل ساختمان مدیریت آموزش و پرورش شهرستان راسک دست به تجمع اعتراضی زدند.

تجمع این شهروندان در اعتراض به بیش از ۱۱ سال بلا تکلیفی شغلی، عدم پرداخت حقوق معوقه، نداشتن بیمه و محقق نشدن وعده‌های مسئولان برگزار شده است. شمار زیادی از این معلمان، علاوه بر دستمزد و حق بیمه پرداخت نشده از ابتدای سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴، موققات مزدی سال‌های گذشته خود را نیز تاکنون دریافت نکرده‌اند.

تجمع معلمان حق التدریس در شهرستان سرباز

روز یکشنبه ۱۸ آبان، جمعی از معلمان حق التدریس شهرستان سرباز مقابل اداره آموزش و پرورش این شهرستان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

این تجمع در اعتراض به عدم اجراء مصوبه کمیسیون آموزش و جهت تعیین تکلیف معلمان حق التدریس برگزار شده است.

تجمع دانش آموزان هنرستان دخترانه مجتهده امین در شهری



روز سه‌شنبه ۲۷ آبان مسئولان هنرستان دخترانه مجتهده امین در شهری تهران، دانش آموزان را مورد ضرب و شتم قرار دادند و اورژانسها برای درمان به مدرسه آمدند. به گفته شاهدان، رفتار خشن مدیر مدرسه برای تجسس در وسایل دانش آموزان و لمس اندامهای خصوصی شان تنش را آغاز کرد. بر اساس اطلاعات منتشر شده در شبکه های اجتماعی پس از وخامت حال شماری از دانش آموزان، نیروهای امدادی و خودروهای اورژانس در این مرکز آموزشی حاضر شدند. در رویدادی دیگر خانواده‌های دانش آموزان چهارشنبه ۲۸ آبان در این هنرستان دست به تجمع اعتراضی زدند، اما مدیر این مرکز در محل حضور نداشت.

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، هرانا، گُردپا، کانون صنفی معلمان استان بوشهر، رسانک)

چالشهای معلمان (آبان ۱۴۰۴)

فرنگیس بایقره

در صورت تایید این حکم در مرحله تجدیدنظر، با اعمال قانون ۱۳۴ مجازات اسلامی، مجازات اشد یعنی ۳۲ ماه و ۱۶ روز حبس در خصوص این فعال صنفی معلمان قابل اجرا خواهد بود.

بابک احمدی معلم با سابقه خودکشی کرد



صبح روز چهارشنبه ۱۴ آبان، بابک احمدی، گُرد اهل محله «حاجی آباد» سنندج و معلم با سابقه مدارس ناحیه ۱ سنندج، در یک خودکشی اعتراضی به ناتوانی در حل مشکلات مالی ناشی از بیماری، از روی پل هوایی آبیتر خود را

به پایین پرت کرد و جانش را از دست داد.

منبع مطلع درباره جزئیات علت خودکشی این معلم گفت که؛ بابک احمدی به تازگی دچار بیماری سرطان شده بود و به دلیل مشکلات مالی قادر به درمان خود نبود. همزمان، مادر او طی هفت سال گذشته زمین گیر و نیازمند مراقبت دائمی با هزینه بالا بود و خانواده جز حقوق معلمی او هیچ منبع درآمد دیگری نداشتند. او تنها یک خودرو داشت و اطرافیانش پیشنهاد کرده بودند آن را برای درمان بفروشد، اما خودش گفته بود این اقدام فشار بیشتری بر خانواده وارد می‌کند و با خانواده و فرزندانم چه کنم. در نهایت، فشار مضاعف ناشی از بیماری خودش و وضعیت مادر، او را بین دو تعارض سخت قرار داد و به همین دلیل دست به خودکشی اعتراضی از روی پل هوایی آبیتر زد.

بابک احمدی متأهل و دارای دو فرزند (یک پسر و یک دختر) بود.

خودکشی یک دختر دانش آموز در شهر اهرم

با تسف فراوان اطلاع یافتیم که دختری ۱۵ ساله و دانش آموز کلاس نهم که طبق اطلاعات بدست آمده فرزند یکی از مسئولان شهرستان تنگستان بوده، در روز پنجشنبه اقدام به خودکشی کرده و متأسفانه درگذشت.

خودکشی، یکی از مهم‌ترین و عمیق ترین ناهنجاری های اجتماعی است که عوامل مختلفی در بروز آن دخالت دارند، مدارس پادگانی که در آن امور تربیتی انسانی و روانشناختی کودکان و کاربرد شیوه‌های مدرن آموزشی و پرورشی جایی ندارد و رویکردی سرکوبگرانه را پیش گرفته‌اند، خانواده‌هایی که شیوه ی سنتی و سختگیرانه را در مواجهه با کودکان خود ملاک عمل قرار می‌دهند و در سطح کلان‌تر سیاست های نئولیبرالی افسار گسیخته‌ای که آموزش و بهداشت را ابزاری برای انباشت سرمایه قرار داده، افراد جامعه را به ذره‌های تک افتاده، بی‌پناه و بیگانه تبدیل کرده است/ می‌تواند مسبب این خودکشی - که بهتر است بگوییم «قتل» سازمان یافته - باشد.

در ماه آبان مرگهای تاسف آوری در مدارس ایران رخ داده که نشان می دهد ایمنی، سلامت و نظارت در نظام آموزشی کشور وجود ندارد. اقتصاد پویا در شماره روز یکشنبه ۴ آبان از «سه مرگ در سه هفته» که شامل «سکته در حیاط مدرسه تا خودکشی از ترس تنبیه معلم» خبر داد. یک روز بعد سارندگی از «مرگ چهار دانش آموز در یک ماه در محیط مدرسه» پرده برداشت.

*آذربایجان غربی ۶ هزار و ۵۰۰ کلاس درس کمبود دارد./ آرمان امروز، شنبه ۳ آبان
*۴۴۵ هزار دانش آموز مهاجر پشت درهای بسته مدارس./ پیام ما، چهارشنبه ۷ آبان
*حیاط مدرسه را برای جبران کمبود بودجه احاره می دهند./ ابتکار، پنجشنبه ۸ آبان

فروغ خسروی به ۱۵ سال حبس محکوم شد



فروغ خسروی، معلم مقطع ابتدایی ساکن بهبهان، یک روز پس از محاکمه در شعبه اول بیدادگاه انقلاب این شهرستان، به ۱۵ سال حبس محکوم شد.

جلسه بیدادگاه رسیدگی به اتهامات خانم خسروی در شعبه اول دادگاه انقلاب شهرستان بهبهان برگزار شد و روز یکشنبه ۱۱ آبان، حکم وی توسط همین شعبه به ریاست قاضی مرادیان صادر و به خانم خسروی ابلاغ شد.

بر اساس حکم صادره، وی به اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال حبس، به اتهام توهین به رهبری به دو سال حبس، به اتهام توهین به بنیان گذار نظام به دو سال حبس، به اتهام توهین به مقدسات به پنج سال حبس و به اتهام ارتباط با رسانه‌های وابسته به اسرائیل نظیر شبکه اینترنت‌نشال به پنج سال حبس، یعنی مجموعاً به ۱۵ سال حبس محکوم شده است.

با اعمال قانون ۱۳۴ مجازات اسلامی، مجازات اشد یعنی پنج سال حبس برای این معلم بهبهانی قابل اجرا خواهد بود.

محمدحسن داودی به حبس محکوم شد

محمدحسن داودی، فعال صنفی معلمان توسط شعبه بیدادگاه انقلاب میان‌دوآب به سه سال و چهار ماه و دور روز حبس محکوم شد.

براساس حکمی که در تاریخ ۱۰ آبان ماه سال جاری صادر و به آقای داودی ابلاغ شده است، او از بابت اتهام تبلیغ علیه نظام به هفت ماه و ۱۶ روز حبس تعزیری و از بابت اتهام عضویت در جمعیت‌های معارض کشور به ۳۲ ماه و ۱۶ روز زندان محکوم شده است. این حکم توسط رسول هژبری، بیدادرس دادگاه انقلاب میان‌دوآب مستقر در شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو این شهرستان صادر شده است.

اعدام؛ راهکاری برای بقای امنیت نظام

اسامی ۲۸۱ تن از زندانیان اعدام شده از اول تا ۳۰ آبان ۱۴۰۴



شنبه ۳ آبان: یارحسین بحری در خرم آباد/ اصغر منافی و محسن داورپناه در همدان/ محمد عثمانی و بهمن حسینی در دزفول/ نرگس احمدی در قم/ رضا سبزی در شاهرود/ فرهاد حاتمی، کوروش نصرالله زاده، میثم باقری، محبوبه جلالی، حامد حنیفه و سیامک خادم لاهیجی در رشت/ فرهنگ طاهری و عمار پورمنصوری در اصفهان/ مبین حیاتی در درود/ جمال زارع در بم ۱۷

یکشنبه ۴ آبان: مهرداد مرادی در اراک/ محمدعمر زردکوهی در زاهدان/ علی ساعدپناه در اسفراین/ محمدرضا نظری، موسی محمدی و دهقانی در شیراز/ صحبت فتحی در کرج/ مهدی مرادی و علی رضا علیمردی در همدان/ صمد آقاحسینی در کاشان/ منوچهر متکی و ولی الله سمیعی در الیگودرز ۱۲

دوشنبه ۵ آبان: حمید رفیعی در زنجان/ حسام بسطامی در بروجرد/ سعید عربیان در یزد/ فریدون لطفی در یاسوج/ مصطفی افشار در ملایر/ ملک علی امینی در نهبوند/ حبیب خانی در قزوین/ حسینعلی منتظری در سمنان/ مصطفی افشار در ملایر/ حمید بابایی در سنندج/ مهدی مرادی و علی رضا علی مرادی در همدان/ ملک علی امینی در نهبوند ۱۳

سه شنبه ۶ آبان: سعید حدادیان در گرگان/ کریم ناظمی، سجاد نوروزی و اشکان پرتویان در ساری/ حسین زینال و علی صفاری در بجنورد/ محمود ساعی در یاسوج/ یاسین الهی در مهاباد ۸

چهارشنبه ۷ آبان: یونس زمانی در تایباد/ حسین اخلاص پور و احمدرضا شریفی در کرمان/ ذکریا محمد خاتلو و جواد نعیمی در کرج/ سامان دلیری و کتابون شمس در مشهد/ مجید شاه پسندی در زنجان/ میلاد(امین) کوبش و محمد توتغدری در گنبدکاووس/ هومن آزادی در کرمانشاه ۱۱

پنجشنبه ۸ آبان: امیرحسین زاهدی در مشهد/ سعید پیری در کرمانشاه ۲

شنبه ۱۰ آبان: میترا زمانی در خرم آباد/ هاشم مردانی در بجنورد ۲

یکشنبه ۱۱ آبان: احسان مهدی پور در اراک/ هومن آزادی، سلطان مرادمحمد، شاهرخ قمری، نادر فتحی و اشکان میرآلی در دزفول/ عباس حاجیانی (صدخروی) در سبزوار/ محمدعلی گلمحمدی در ملایر/ خدایار در تایباد/ سعید مغانلو در تبریز/ محسن یاریبگی در کرج/ الیاس رحیمپور و علی شعبانی در قم ۱۳

دوشنبه ۱۲ آبان: مهران حسینی، سهیل یوسفی و حجت الله عبدالله نژاد در شیراز/ یاشار جباری در زنجان/ نوراحمد عزیززی در بیرجند/ آرمان سلکی در بروجرد/ آریب گرابی در جیرفت/ نوید موسوی در بوکان/ علی (یاسر) مددی و همایون جباری در رشت ۱۰

سه شنبه ۱۳ آبان: یوسف خانی در سمنان/ عباس صدخروی در سبزوار/ حسن محمدی پور و امیر گودرزی در اصفهان/ فرزاد حسینی و کبری رضایی در یزد/ رسول کهزادی و مجید ش در مشهد/ علی مددی (یاسر) و همایون جباری در رشت/ فرزاد کمانگر در قزوین/ عرفان قلاوند در نیشابور/ علی صفری در بجنورد ۱۳

چهارشنبه ۱۴ آبان: وحید آرمان در یزد/ علی آستان و علی کریمی در کرمانشاه/ قباد الفتی در ایلام/ حبیب زارع و فایز ابوشه در شیراز/ احمد نوری در برازجان/ حامد یاری و هوشنگ محمدی در اسفراین/ باقر عبدی در بندرعباس/ کیومرث غلامی در گرگان ۱۱



مولایی، محمدرضا بدوی و مهدی جعفرزاده در ارومیه/ حبیب نمازی در کرج/ مرادعلی گنجی، علی عطائی، ناصر ملاولی و بیرانوند در قم/ نیما امیدی خاص در بم/ مراد بیگ ترکی در کاشان/ محمد گودرزی در بروجرد/ ارژنگ نبوی در مراغه/ فرید امامی در خواف/ الله کرم نظری در دزفول/ سامان مرادی و داریوش امینی در ایلام/ حسن حاجی زاده در سمنان/ سید محمد حائری در ساوه/ رشید فرامرزی در نیشابور/ بهادر رفیعی در الیگودرز ۲۷

دوشنبه ۱۹ آبان: عباس سوری در درود/ سعید شاطری در اصفهان/ جواد نعیمی در سمنان/ عبدالکریم ساسولی و نورخدا احمدی در بیرجند/ نیما همتی در برازجان/ شهاب ناظمی در بجنورد/ میلاد نعمتی در حیرفت/ بهزاد زیدی و سالار شمس الهی در زنجان/ قاسمی در دامغان/ شهریار نامی در قزوین/ نوشاد موسوی در چابهار/ عبدالرحمان مهربانی در گرگان ۱۴

سه شنبه ۲۰ آبان: ساسان مهرانی در سنندج/ محمود انصاری و مسعود داوودی در یاسوج/ حسین کلامی در شیراز/ مصطفی خان میرزا جمالی و شاه حسین فرهادی در یزد/ شاهین صالح در بیرجند/ خدایار حغتای در سبزوار/ امید بقلانی در اهواز/ وحید فاضلی در رشت/ کاکامراد پناهی در کاشمر/ مصطفی آل خمیس در بوشهر/ آرش کریمی در اردبیل/ رضا گرابی در بهبهان/ صابر فلاح در قم/ یعقوب دچی در ایلام/ الله کرم نظری در دزفول/ ساسان مهرانی در سنندج/ حسن کلامی در شیراز/ مظفر رحمان پناه در نیشابور/ رضا گرابی در بهبهان ۲۱

چهارشنبه ۲۱ آبان: مهدی مریدی در الیگودرز/ علی حیدری، علی کاظمیان، علی حیدری و سروش حق پناه در کرج/ نظام سعیدی در کرمان/ سیامک قنبری، احمد نوایی و مجتبی اسدی در شیراز/ سعید مختاری و شاهرخ مصطفوی در اصفهان/ عباس بیگی در یاسوج/ یعقوب دچی در ایلام/ صابر فلاح در قم ۱۴

پنجشنبه ۲۲ آبان: علی صفا نیازی در شهرکرد/ قمری عباس زاده و ایرج آقایی در ساری/ احمد نوایی در شیراز/ حسن صادقی قوشچی و وحید پاک نیاکان در ارومیه ۶

آدینه ۲۳ آبان: ضابط الدین (عادل) جنگجو اسپی دره، حاجی نبی زاده و عبدالرحمان حبیبی در ارومیه ۳

شنبه ۲۴ آبان: جابر ساکی و جهان رسولی در دزفول/ کامیار فتحی و سجاد حاتمی در کرمانشاه/ یارمراد حسنوند در خرم آباد/ نورمحمد رحمتی در الیگودرز/ مسلم نادری در اصفهان ۷

یکشنبه ۲۵ آبان: امین شکرخدایی در اراک/ شوکت ویسی در دامغان/ یاسین اسفندیاری در سمنان/ محمد امین صفاری در بوکان/ حبیب عزتی در سنندج/ (نام نامشخص) یگانه در بم/ سید علی هاشمی در سلماس/ مصیب خالوند در بندرعباس/ سجاد حبیبی و محمد رضا بشارت در قزوین ۱۰

دوشنبه ۲۶ آبان: شمس الدین (نام خانوادگی نامشخص) و علی مردان یارانی در مشهد/ جعفر ستاری در تایباد/ بهزاد حسینی در گرگان/ امیر فرخ نژاد در زنجان/ علی رضا کشاورز در سبزوار/ نیما گودرزی در درود/ خداکرم مردانی در ملایر/ بقیه در صفحه ۱۶

آدینه ۱۶ آبان: شمس الدین عباسی کای و هاروی جهان آرا در ارومیه ۲

شنبه ۱۷ آبان: یزدان چگنی در خرم آباد/ ابوالفضل سهرابی در همدان/ پیمان قاسمی در یاسوج/ احسان امینی، امید فیضی و زهرا میرغفاری در تبریز/ ولی کرم دستار در نهبوند/ سمیر بهاری و یارولی حاجی زاده در کرمانشاه/ یزدان چگنی در خرم آباد/ ولی کرم دستار در نهبوند ۱۱

یکشنبه ۱۸ آبان: کامران افشاری، احمد سجادی و مهران حسین پناه در اراک/ حمید نادری در اندیمشک/ حبیب نمازی در کرج/ احمد راستین و عبدالله تاجیک در تایباد/ رضا

روزها، سالها، ماهها می گذرند...

فرح مدائن



رفیق داوود مدائن

ما هنوز نمی‌دانیم... هیچ‌کس نمی‌داند: در کدام روز؟ در کدام ساعت؟ چرا؟ چگونه؟
هیچ پاسخی داده نشد... هیچ حقیقتی گفته نشد.
فقط شنیده ایم...
که تو را بارها اعدام مصنوعی کردند؛
تو،
و همراهانت فریدون اعظمی از لرستان
و حسین ذاکری از خراسان مشهد.
سه جوان... سه یار...
که با هم شکنجه شدند، با هم اعدام شدند، و با هم از ما
گرفته شدند.
اما درد ما تنها این نبود...
یک سال پس از اعدام، تازه به خانواده‌ها خبر دادند.
یک سال بی خبری، یک سال سوختن، یک سال انتظار.
و پس از آن، تنها یک نشانی دادند؛
نشانی خاکی که پیکرهای شما را در آن پنهان کرده
بودند:
بهشت زهرا/ قطعه ۹۴/ ردیف ۱۴
قبر ۶: حسین ذاکری
قبر ۷: داوود مداین
قبر ۸: فریدون اعظمی

سه قبر کنار هم...
سه زندگی ناتمام...

سه جان به ناحق گرفته شده که امروز در کنار هم آرام
گرفته‌اند.
از آبان ۱۳۶۱ تا امروز چهل و سه سال گذشته است.
چه سالهایی که با درد گذشت...
چه راههایی که برای یافتن حقیقت پیمودیم...
و ما هنوز، همچنان، با صدای بلند می‌گوییم:
من دادخواهام.
من خواهر دادخواهام.
و امید دارم روزی در ایران آزاد، دادخواهی واقعی ممکن
شود؛
تا شاید اندکی مرهم بر دل‌های ما بازماندگان باشد.
یادتان همیشه با ماست؛
نه می‌بخشیم، نه فراموش می‌کنیم.

اعدام؛ راهکاری برای بقای امنیت نظام

بقیه از صفحه ۱۵

رضا کامیای زاده، حسام رحیم‌خانی و جواد مریدان در
اهواز/ محمود عزیزی در نیشابور/ حیدر طهماسبی در
ماهشهر/ اسد پیریاب و جهانگیر حساری در زنجان ۱۵
سه شنبه ۲۷ آبان: سعید جوکار در بیرجند/ آرمین
شکری در اسفراین/ محمد جواد رشیدی در بجنورد/
یدالله کاظمی، مهرداد علیوند و جلیل مغاللو در تبریز/
حسین فرمانی و آریا سعیدی در مراغه/ صمد حق وردی
در برازجان/ حمزه سلطان پناه در بوکان/ یحیی کرمی و
اکبر فرجی در اصفهان/ فرشید جمیاری در قزوین ۱۳

چهارشنبه ۲۸ آبان: اکبر زمانی در شهرکرد/ یوسف
عبادی پور در بوشهر/ محسن فخراپی و نعمت شاملو در
مشهد/ ناصر حاصلی در اهواز/ هوشنگ نوروزی و جواد
صادقی در کرج/ علی اصغر ایزدخواه (دامنی) در کرمان/
فریدین خانی در بهبهان/ محمدرضا حسینی در ایلام/
پیمان عزیزی در کرمانشاه/ شاهرخ ستاری در اردبیل/
محمدکریم بسطامی در قوچان/ ابراهیم خانی در یاسوج/
رضا نصرتی و منصور دیرین در شیراز/ سامان عباسی در
اصفهان/ کیانوش شادمان در رشت/ حمیدرضا پیرهادی
در بروجرد ۱۹

پنجشنبه ۲۹ آبان: عرفان آزادی در کاشمر/ ماهان
شیخی در ساوه/ مبین رضایی و حسن شوکت در یزد/
نعمت مجیدزاده و مهراون دارابیان در سمنان/ مظفر
عبدالوند در دورود ۷

اسامی یازده زندانی اعدام شده که در ماه آبان منتشر شد

دوشنبه ۱۷ شهریور: سوران امینی پور در بوکان
دوشنبه ۳۱ شهریور: نادر فتاحی در ساری
سه شنبه ۸ مهر: ناصر ماهی دشتی در کرمان
شنبه ۱۲ مهر: محمود قدیمی در اصفهان
یکشنبه ۱۳ مهر: محمد صالح قهرمانی و فریدین
فیروزی در قزوین
دوشنبه ۲۱ مهر: شاهرخ قمری در یزد
چهارشنبه ۲۳ مهر: زهرا خان بابایی و یونس جهان
دیده در بندرعباس
یکشنبه ۲۷ مهر: فرهنگ علی دادی در جیرفت
دوشنبه ۲۸ مهر: داوود صفا پور در بوکان

خودکشی منجر به مرگ و یا مرگ مشکوک در زندانیان



فرزاد خوش بوش

پنجشنبه ۱۵ آبان: علی میرزا نیازی در مشهد/ هادی
رضایی در کرج
دوشنبه ۱۹ آبان: عزیز عبیات در اهواز/ مهرداد احمدی
نژاد در کرج
سه شنبه ۲۰ آبان: ابوالفضل حسینی در ملایر
سه شنبه ۲۰ آبان: سحر شهبازیان در کرج (مرگ
مشکوک)/ فرزاد خوش بوش (زندانی سیاسی) در ساری
(مرگ مشکوک)/ امیر نیسی (زندانی عقیدتی) در اهواز
(مرگ مشکوک)

روزها، سالها، ماهها می گذرند...
آبان دوباره از راه رسیده و امروز، آخرین روز آن است.
از نخستین روز این ماه تا امروز -سی ام آبان- بارها و بارها به مرگ تو
فکر کرده‌ام؛ مرگی که طبیعی نبود؛ مرگی که به دست جمهوری اسلامی
رقم خورد.
اما این یک ماه... این سی روز...
آن قدر این درد سنگین بود، آن قدر عمیق و آزاردهنده بود که هر روز با
خودم کلنجار رفتم تا بتوانم امشب این چند خط را بنویسم.
چندین بار از اول آبان تا امروز خواستم بنویسم، نتوانستم...
این غم آن قدر طاقت فرسا، آن قدر جان سوز و آن قدر عمیق است که
حتی گفتنش هم توان می‌خواهد.

داوود مداین عزیزم...

برادر عزیز من...
در لحظه‌ای که پرواز کردی، تنها ۲۹ سال داشتی. چقدر جوان بودی...
چقدر ناتمام.
زندگی‌ای که می‌توانست برایت باز شود، از تو گرفته شد.
رویایی که هنوز آغاز نشده بود... خاموش شد.
تو یک سال و چهار ماه در زندان بودی؛ یک سال و چهار ماه شکنجه
روخی و جسمی را تحمل کردی. بارها خواستند تو را بشکنند و مجبور به
مصاحبه کنند.
سیاست حکومت این بود که مصاحبه ضبط شده، غیرزنده و قابل ویرایش
باشد؛
چون می‌خواستند قبل از پخش، هر جمله‌ای را کنترل و سانسور کنند.
تو اما نپذیرفتی.
تو گفتی اگر قرار است مصاحبه‌ای باشد، باید پخش مستقیم باشد.
چون فقط پخش مستقیم اجازه می‌دهد واقعیت بدون تحریف به مردم
برسد.
حکومت حاضر به پخش مستقیم نبود...
و تو هم زیر بار مصاحبه ضبط‌شده نرفتی. تو تسلیم نشدی.

با مردم در شبکه اجتماعی (آبان ۱۴۰۴)

مرجان

تلاش می کنند که بگویند یک شانه تخم مرغ ۲۰۷ هزار تومان نیست، بلکه ۱۸۵ هزار تومان است.

اضمحلال از این بالاتر؟

*هشدار... جامعه در حال متلاشی شدن است.

این میزان فشار اقتصادی در تاریخ معاصر بی سابقه ست.

همه چیز در حال انفجار...!

آقایان مسئول! به داد مردم برسید، بترسید از روزی که این

مردم صبرشون لبریز بشه!

در عرض ۲ روز شیر از ۲۵ تومن شده ۴۵ تومن!

*پخورده خرید خونه کردم!

با ۲ تومن، اندازه ۱۱۰۰ یک ماه پیش شد. مواد غذایی در

فاصله مهر تا آبان دقیقن دوبرابر شده و تا عید چن برابر می

شه...

حتی ماها هم که دستمون به دهنمون می رسه داریم اذیت

می شیم.

*آقای پزشکيان؛ تا کی تسامح و چشم پوشی؟!!

کمر اکثر مردم این سرزمین از این وضعیت اقتصادی فاجعه

آور شکسته شد

تورم نزدیک ۲۰۰٪ یعنی نابودی مردم

تا کی می خواهید به این وضعیت ادامه دهید؟

اگر می توانید، اصلاح کنید، نمی توانید برای چه باید خیانت

به مردم شود؟

*قیمت یک کیلو سیب در امارات حدود هفت درهم یعنی

تقریباً دویست هزار تومان می شود

و قیمت سیب در ایران هم حدود یکصد و بیست هزار تومان

است.

اما دستمزد در امارات بالای دویست میلیون تومان است و

دستمزد در ایران حدود بیست میلیون تومان.

خود مقایسه کن .

*قرار بوده شیر توزیع کنن تو مدارس، ولی نتونستن و الان

بین وزارتخونه ها دعواش. می خوام بگم اینا به شیر، به شیر

ساده هم نمی تونن توزیع کنن تو مدارس چه برسه به انجام

بقیه کارهای مملکت.

*آقاهه اومد کلی آجیل و این چیزا خرید، دست کرد زیر

پسته ها و گفت: چرا انقدر ریزن؟

یه مشتری دیگه گفت: مرد حساسی، ۷۵ درصد مردم این کشور

گوشت نمی تونن بخورن، شما گیر پسته ریزی؟

آقاهه گفت: اونو که باید ناراحت گوشت نخوردن مردم باشه

من و تو نیستیم جناب. یکی دیگه اس که گویا خیالشم نیست.

*خرما در ایران به هر دانه ۱۵ هزار تومان رسید. بسیاری از

ایرانیان حتی توان زندگی ساده مثل امام علی (ع) هم ندارند.

چه رسد به این که خرمایی خیرات کنی! عاقبت فساد، رانت،

تزویر، جاه طلبی، بی تقوایی و عدم نظارت و شایسته سالاری

کشور ماست که از نظر اقتصادی انگشت نمای جهان شده

است.

*با ۹۱۰ هزار میلیارد تومان، و ارز ۲۸۵۰۰ تومنی دادن به

دلالتها برای واردات نهاده های دامی.

یعنی از جیب هر خانوار ۴ نفره ۴۰ میلیون تومان میدن

یعنی با دلار ۲۸۵۰۰ تومنی گوشت باید کیلو ۲۰۰ هزار تومن

و مرغ کیلو ۶۰ هزار تومن باشه.

مملکت نیست که، دزد خونه ست...

بقیه در صفحه ۱۸

بشویم. ابله ها سر این پست و آن پست در حقیقت سر رانت

می جنگند و نمی گویند کل کشتی همه جایش سوراخ و در

حال غرق شدن.

وقتی درمان، خودش درد می شود!

*هزینه یک ویزیت ساده ۸۰۰ هزار تومان با آندوسکوپی ده

میلیون تومان!

این جا بیمار بودن فقط برای ثروتمندان ممکن است. ۶۶ درصد

حقوق یک کارگر خرج یک درمان ساده می شود. نظام

سلامت بیمار است.

*مساله بیماران سرطانی فقط هزینه های گزاف و نبود برخی

از داروها نیست، مساله اینه که تمام مدت باید استرس هم

داشته باشن نکنه از فردا فلان داروشون گیر نیاد.

الان مامان من به هر کس خارج از کشوره سپرده برای یک

قرص که ممکنه پهلو نایاب بشه. و خب تو این شرایط استرس

سمه برانشون.

*فیزیوتراپی گروهه: خودت بمال

پس دولت چیکارست؟ چرا ما مالیات می دیم؟

*مامانم مرتب پستهای مربوط به مهاجرت پرستارا و

اطلاعاتی که لازمه برام می فرسته

بابام همیشه میگه کاش حداقل یا تو یا خواهرت جمع کنی

برید.

از سرفه مردم به جیب حاکمان



*سه روزه به بچه هام قول دادم آخر هفته ماکارونی با مرغ

درست کنم، اما هر بار که شوهرم از سر کار برمی گرده، فقط

دستاش خالی تر از روز قبل میاد. خودش می گه شرمنده ام،

شاید سر ماه بتونم یه دوتا ران بخرم. الان ناهار ما شده نون

و سیب زمینی، شبا هم تخم مرغ و ماکارونی و رب.

این را «زهر»، مادر دو کودک دبستانی در جنوب تهران

می گوید. او همسر یک کارگر ساختمانی است و در خانه اجاره

ای کوچک شان، چند ماهی است گوشت قرمز ندیده اند

*شاید سال آخر باشد که برنج ایرانی به راحتی در دسترس

باشد.

*از امروز صبح دعوایی در کلابهاوس درباره قیمت تخم مرغ

در ایران را افتاده که هنوز ادامه داره. ماله کشها به شدت

این مجموعه حرفهای مردم در شبکه های اجتماعی با اندکی ویرایش است.

تیتراول

پزشکيان: ما لنگ «یک میلیارد دلار» پولیم از کجا بیاوریم؟

بن سلمان ولیعهد عربستان: در آمریکا «یک تریلیون دلار»

سرمایه گذاری می کنیم!

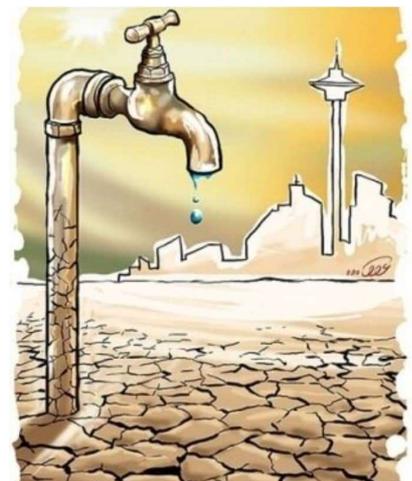
عربستان رتبه ۲ ذخایر نفتی و ۶ گاز،

ایران رتبه ۳ ذخایر نفتی و ۲ گاز جهان را دارا!

با ایران ما چه کردید؟!

فقط شعارهای پوچ و توخالی.

خمینی: آب و برق را مجانی می کنیم



*تا وقتی مافیای آب هست و تا وقتی مدیریت ناکارآمد هست

اگه تو شهرهای ایران اندازه لندن هم بارون بیاره، باز بحران

خشکسالی حل نمی شه. چون سود یه عده تو تشنه نگه

داشتن مردمه.

*برق کمه: پل خورشیدی نصب کنید

آب کمه: مخزن آب نصب کنید

گاز کمه: بی حساب به همه جا گاز رسوندیم

مدرسه و درمانگاه کمه: دولت پول نداره، خودتون بسازید

رفع فیلتر: نمی تویم زمان مشخصی اعلام کنیم.

*این جا اذیت و آزار ملت از بین نمی ره، فقط از حالتی به

حالت دیگه تبدیل می شه، به حجاب گیر ندن برق قطع میشه،

برق قطع نشه آب قطع می شه، آب قطع نشه گاز می شه،

گاز قطع نشه بنزین گرون می شه و... بین تبدیل آزار هم

آلودگی هوا داریم.

*وزیر نیرو فرموده: «برق اونایی که آب زیاد مصرف کنن،

قطع می شه.»

می گم جناب وزیر، می خوای بجاش سنگگ رو بهشون

گرون تر بفروشی؟

یا مثلاً آشغالای کوچه پر مصرفا رو ماه به ماه تخلیه کنی؟ ما

دیگه تو این مملکت از هیچی تعجب نمی کنیم!

*هیچ چیز خوب کار نمی کنه، خشکسالی، کمبود برق و گاز،

اقتصاد ویران. هیچ چیز رو به بهبود نیست، اصلا قرار نیست

باشد. آن قدر هوا آلوده است که نمی توانیم با قدم زدن آرام

اشکها و لبخندها

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۷

نیروهای پیمانکاری حراست میدان نفتی یادآوران غرب کارون، در محدوده محل کار خود، دست به تجمع زدند. در همین روز شماری از کارگران شاغل در شرکت نفت فلات قاره در منطقه لاوان، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

یکشنبه ۲۵ آبان: شماری از کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران شاغل در منطقه خارک، در محل کار خود دست به تجمع زدند.

دوشنبه ۲۶ آبان: جمعی از کارگران پیمانکاری پروژه ساخت پتروشیمی چاهار در محوطه محل کار خود دست از کار کشیده و تجمع اعتراضی برگزار کردند.

سه شنبه ۲۷ آبان: شماری از کارکنان پذیرفته شده در آزمون استخدامی سال ۱۴۰۲ شرکت پالایش نفت آبادان، مقابل در ورودی این شرکت دست به تجمع زدند.

چهارشنبه ۲۸ آبان: شماری از کارکنان شرکت نفت فلات قاره شاغل در مناطق سیری، بهرگان، خارک و سکوی بهرگانسر، در محل کار خود دست به تجمع اعتراضی زدند.

(منابع: افکار نفت، ایلنا، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث)، انجمن کارگران پروژه ای نفت گاز پتروشیمی و پالایشگاهی)

حرکتهای اعتراضی نانوایان

پنجشنبه یک آبان: جمعی از نانوایان ساکن ایلام، مقابل ساختمان اتحادیه نانوایان این شهرستان دست به تجمع اعتراضی زدند. نانوایان معترض با در دست داشتن بنر اعتراضی اعلام کردند: «در نبود نیروی کار و با دستمزد پایین، امکان ادامه کار وجود ندارد. نیروهای ماهر از این شغل مهاجرت کرده اند و همسان سازی با استان های مجاور صورت نگرفته است. کمک هزینه یارانه نان نیز کسر شده است.»

شنبه ۳ آبان: گروهی از نانوایان مشهد، مقابل ساختمان استانداری در این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند. ویدئوهایی که در شبکه های اجتماعی منتشر شده، معترضان را نشان می دهد که با در دست داشتن پلاکاردهایی شعار می دادند: «همشهری حمایت، حمایت!» و خواستار پرداخت مطالبات معوقه خود از دولت و بانک سپه بودند.

دوشنبه ۵ آبان: شماری از نانوایان مشهد با برگزاری تجمع اعتراضی در این شهر، خواهان رسیدگی به مطالبات خود شدند. عدم پرداخت یارانه های نان توسط دولت و بانک سپه در چند ماه گذشته، مهم ترین علت شکل گیری تجمع نانوایان معترض است.

چهارشنبه ۷ آبان: برخی از نانوایان مشهد با برگزاری تجمع اعتراضی مقابل دفتر شرکت «نانینو»، خواهان رسیدگی به مطالبات خود شدند.

(منابع: هرانا، اتحادیه آزاد کارگران ایران)

*آیت الله جوادی آملی در خصوص خشکسالی: گسترش برخی گناهان همچون ظلم در دستگاه قضا، ستم در نظام اقتصادی، گرفتن زیر میزی و رومیزی سبب نزول بلا و بازداشتن رحمت الهی می شود و راه حل این است باید حق مردم ادا شود.

*با کدوم پول؟!

با کدوم پول هر روز به بنیاد و اندیشکده تاسیس میکنید؟ با کدوم بودجه؟ با کدوم سرمایه؟ از بیت المال؟ از جیب مردمی که ۸۰ درصدشون زیر خط فقر هستند؟ مازندران و دریا و نفسهای عمیق! هیچ کس فکر نمی کرد روزی نفس کشیدن در مازندران سخت بشه. مازوت سوزی نیروگاه نکا؟! گردوخاک؟! چه کاری کردید؟

دیگه چه خبر!

*کشور سهمیه ها!

کاخ سفید ۵۰۰ نیرو دارد؛

نهاد ریاست جمهوری ایران ۴ هزار

هیوندا با ۱۰۰ هزار نیرو ۴ میلیون خودرو می سازد؛

ایران خودرو با ۸۰ هزار نفر، ۵۰۰ هزار خودرو

تلویزیون چین با مخاطب میلیاردری، ۱۰ هزار نیرو دارد؛

صدا و سیما بی مخاطب، ۵۰ هزار نفر

اینجا اولویت سهمیه است، نه کار و شایستگی!

*روزی ۲۰ میلیون لیتر بنزین از کشور قاچاق می شود؛ دقیقاً همان قدری که کمبود داریم!

با کار تخوان هوشمند تعداد نان مصرفی مردم را می شمارند، اما از ۱۰ هزار تانکر قاچاق و صف ۱۵ کیلومتری آن بی اطلاعند و قراره خسارت دزدان را با افزایش نرخ بنزین مثل بانک آینده از جیب خالی مردم جبران کنند!

*در کشور عمده محصولات بی کیفیت هستند:

محصول خودروسازی، داروسازی، پالایشگاه بنزین، دستگاه دیپلماسی، قانون گذاری در مجلس

و به خصوص محصول انتخابات ریاست جمهوری.

اشکال از چی و کجاست که چنین درمانده ایم؟

*۲۲ سال از مناقشه هسته ای ایران و غرب گذشت؛ در این میان روسیه و چین بیشترین بهره را از شبه استعمار اقتصادی ایران بردند، ترکیه و امارات و قطر و عربستان به قدرت های اقتصادی تبدیل شدند و ما همچنان در حال گذار از تابستان سخت به زمستان سخت تر هستیم!



*اینکه خفت تولید کننده ی داخلی رو گرفتن که تو باید ارز حاصل از صادراتتو با نرخ ارزانتز از بازار، به دولت بفروشی که دولت همونو با تخفیف مضاعف بده به وارد کننده تا واکسن خارجی وارد کنه. دزدخانه!

*درویش، فعال محیط زیست: با نابرداری جلوی ۱۴ تا رودخانه منتهی به دریاچه ارومیه سد زدیم به بهانه اینکه به لبنان سیب صادر کنیم!

*بدون تجارت آزاد توسعه ای محقق نخواهد شد! ایران بسته ترین کشور در رتبه آزادی تجارت خارجی ۱۶۵ از ۱۶۵!

با مردم در شبکه اجتماعی

بقیه از صفحه ۱۷

اینم از وضع مسکن!

*اکثر مردم در طرح نهضت ملی مسکن بیش از توافق اولیه آورده مالی پرداخت کرده اند؛ اما نه خانه ای تحویل گرفتند و نه حتی تکلیف بسیاری از پروژه ها روشن است! خانم فرزانه صادق مالواجرد، وزیر راه و شهرسازی، با این حجم از بی عملی و بی تدبیری نشان داد که لیاقت وزارت راه و شهرسازی را ندارد.

*اگه شما ۲۰ سال باشه و خیلی زرنگ باشی بتونی ماهی ۱۰ میلیون پس انداز کنی

می شه سالی ۱۲۰ میلیون. در سن ۱۲۰ سالگی می تونی به ۵۰ متری اطراف پامنا بخری ۱۲ میلیارد

اقتصاد مقاومتی



*اقتصادی درست کرده اید که اگر کاغذ سفید بخرید و بگذارید به گوشه، ۲ ماه بعد ارزشش دو برابر می شه و اگر به همان حجم اسکناس بگذارید کنار، ۲ ماه نشده ارزشش نصف

میشه، اسمش را هم گذاشته اید: اقتصاد مقاومتی! آنچه مقاومتی است، ۴ دهه مقاومت شماسست در برابر فهمیدن، فهمیدن اینکه اقتصاد علم است!

*بی کفایتی یعنی قطعی گاز تو دومین کشور گازی دنیا. بی کفایتی یعنی ...

*کسر بودجه دارید؟

رانت واردات گوشت را حذف کنید/ رانت واردات نهاده را حذف کنید/ رانت واردات برنج و روغن و چای را حذف کنید.

کسر بودجه دارید؟

جامعه المصطفی و مفت خورها را تعطیل کنید!

*ملت

پروژه ی پزشکبان و سقاپ اینه که شما رو قورباغه بز کنه هدف حذف یارانه انرژی بدون اعتراض شماسست دهها رانت خور اجازه نمیدن این پول به زندگی شما برگرد. *مؤسسه ملل عملاً ورشکسته است.

ساعتی ۱.۵ میلیارد و روزی ۳۵ میلیارد تومان زیان! سرمایه ثبت شده فقط ۲ هزار میلیارد؛ اما زیان انباشته ۴۳.۵ هزار میلیارد— یعنی ۲۱ برابر سرمایه.

با این حال حقوق و پاداش مدیران و کارکنان ۷۵٪ رشد کرده! این فقط «ناترازی» نیست؛ چاپخانه خصوصی پول مردم است.

*خیلی وقاحت می خواد که ۳۰۰ / ۲۰۰ دلار به مردم حقوق بدی و ۳۰ / ۲۰ درصد همین چندرغاز رو به عنوان مالیات بر حقوق و ۱۰ درصد از باقیمانده اون رو به عنوان مالیات بر ارزش افزوده از شون بزدی.

تازه بگی اگه یه دارایی داشتی و فروختی، بابت تومی که خودم ایجاد کردم، ۳۰ / ۲۰ درصد اون رو هم می دزدم.

زنان در مسیر رهایی (آبان ۱۴۰۴)

اسد طاهری

این نهاد گفته که علاوه بر محدودیتهای دیگر علیه زنان و دختران در افغانستان، نشر قانون امر به معروف طالبان و منع شمول آنها در انستیتوهای طبی، «تأثیرات چشمگیری بر وضعیت زنان و در کل روی برابری جنسیتی در کشور به جا گذاشته است.»

ایستادگی دیپلمات زن افغان در برابر طالبان



منیژه باختری بیش از چهار سال است که با وجود درخواست دولت طالبان برای کناره گیری، همچنان به عنوان سفیر افغانستان در اتریش از سوی وین به رسمیت شناخته می شود و به ماموریت دیپلماتیک خود ادامه می دهد.

پس از بازگشت طالبان به قدرت در اوت ۲۰۲۱، حاکمان جدید کابل تلاش کردند تا خانم باختری را که توسط دولت پیشین منصوب شده بود، با یکی از دیپلماتهای خود جایگزین کنند. اما این دیپلمات زن افغان، نامه عزل ارسال شده از سوی طالبان را که بسیاری دیگر از همتایانش نیز دریافت کرده بودند، بی اعتبار خواند و به فعالیت خود ادامه داد.

مقامات اتریشی نیز تاکنون از پذیرش دیپلماتهای منصوب شده توسط طالبان خودداری کرده اند و سخنگوی وزارت خارجه اتریش تأیید کرد که باختری همچنان هم به عنوان سفیر افغانستان و هم به عنوان نماینده دائم این کشور نزد سازمان های بین المللی در وین اعتبار دارد.

در افغانستان ورود زنان بدون برقع به ادارات و اماکن عمومی ممنوع است



بقیه در صفحه ۲۰

انتخابات ایرلند، دوئل میان دو زن



در انتخابات ایرلند تمام احزاب چپگرا، از جمله شین فین، از کانولی حمایت کردند. دایتی دولان، عضو برجسته این حزب، انتخاب او را «نخستین پیروزی واقعی اتحاد چپ در تاریخ ایرلند» توصیف کرد. رقیب او، هدر هامفریز، وزیر پیشین از ائتلاف راست میانه حاکم، تنها ۲۹ درصد آراء را به دست آورد. شین فین که هدف اصلی اش اتحاد دو باره ایرلند شمالی با جنوب جزیره است، حمایت از کانولی را گامی در راستای تحقق همین مأموریت دانست. کانولی در جریان کارزار انتخاباتی خود تأکید کرده بود که «اتحاد ایرلند امری گریزناپذیر است.» وی ابراز امیدواری کرده بود که این روند «در طول دوره ریاست جمهوری اش، یعنی تا هفت سال آینده، تحقق یابد.»

بر اساس قانون اساسی ایرلند، رئیس جمهوری به عنوان ضامن این قانون موظف است بر اجرای اصول آن، از جمله اصل اتحاد ملی، نظارت کند. هرچند اختیارات رئیس جمهوری عمدتاً تشریفاتی و نمادین است، جایگاه او در نمایندگی بین المللی و دفاع از هویت فرهنگی کشور اهمیتی بنیادین دارد.

در افغانستان هشتاد درصد زنان محروم از آموزش و اشتغال



بخش زنان سازمان ملل متحد (UN Women) اعلام کرده که پس از تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، از هر ده زن هشت تن از آموزش و اشتغال محروم شده اند.

با نشر گزارش شاخص جنسیتی افغانستان ۲۰۲۴ گفته که طالبان با اعمال فرامین و محدودیتهای بی در پی، ساختارهای حمایتی از حقوق زنان را از هم پاشانده و آزادیهای اساسی آنان را مورد هدف قرار داده اند.

این گزارش، بخشهای «زندگی و سلامت، آموزش و مهارت آموزی، اشتغال و مشارکت مالی، مشارکت در تصمیم گیری و آزادی از خشونت» را بررسی کرده است.

تراژدی زن کشتی در ایران

کشته شدن یک زن در هر سه روز توسط مردان. بیش از ۶۳ مورد زن کشتی از ابتدای سال تا کنون. تهدیدات خانوادگی باید جدی گرفته شود و افراد باید از مشاوره یا خدمات اجتماعی کمک بگیرند.
ستاره صبح، دوشنبه ۲۶ آبان ۱۴۰۴

سانائو تاکایچی اولین نخست وزیر زن تاریخ ژاپن شد



سانائو تاکایچی، سیاستمدار سرسخت محافظه کار، روز سه شنبه ۲۹ مهر به عنوان اولین نخست وزیر زن تاریخ ژاپن انتخاب شد و زمینه را برای چرخش قدرتمند به راست فراهم کرد.

تاکایچی که از دستیاران شینزو آبه، نخست وزیر سابق، بود و از تحسین کنندگان مارگارت تاچر نخست وزیر فقید بریتانیا، به شمار می رود در انتخابات مجلس سفلی برای انتخاب نخست وزیر بعدی، ۲۳۷ رأی از ۴۶۵ رأی این مجلس را به دست آورد.

پیروزی او لحظه ای سرنوشت ساز برای سیاست در کشوری است که مردان هنوز تسلط قاطعی بر آن دارند. اما همچنین احتمالاً منجر به چرخش تندتر این کشور به سمت راست در مسائلی مانند مهاجرت و مسائل اجتماعی خواهد شد.

پیروزی تاکایچی پس از آن قطعی شد که حزب لیبرال دموکرات، که در دوره های متوالی پس از جنگ جهانی دوم اداره ژاپن در دست داشته است، با حزب راست گرای نوآوری ژاپن، معروف به ایشین، دولت ائتلافی تشکیل داد.

افزایش خشونت علیه زنان و نابرابری جنسیتی

سازمان ملل در آخرین گزارش سالانه خود درباره زنان، صلح و امنیت گفته است؛ با آن که بیست و پنج سال از تصویب قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل می گذرد اما هنوز نهادهای تصمیم گیر، ارتشها و میزهای مذاکره عمدتاً در دست مردان است. با وجود این که شمار زنان در چارچوب پارلمانها، دولتها و پستهای مربوط سازمان ملل دوبرابر شده، اما به گفته این نهاد، پیشرفتها «شکنده و بازگشت پذیرند». در گزارش آمده؛ با آن که تا ژوئیه امسال ۱۱۳ کشور، برنامه ملی اجرای قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت را تصویب کرده اند، رقمی که در مقایسه با سال ۲۰۱۰ (۱۹ کشور) افزایش یافته اما، روندهای جهانی حاکی از رکود و حتی عقب گرد، در بسیاری از حوزه های مربوط به صلح و امنیت زنان است.

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۲۰

اداره امر به معروف و نهی از منکر طالبان در هرات در نشستی با مسئولان فروشگاهها، دستور داده است که زنان بدون برقع یا چادر عربی با روبند اجازه ورود به فروشگاهها را ندارند. این محدودیتها همچنین شامل ادارات دولتی مانند ریاست معارف، اداره ثبت احوال نفوس، ریاست محکمه و شفاخانه حوزوی هرات می‌شود. حتی زنانی که حجاب کامل دارند اما برقع ندارند، از ورود منع شده‌اند.

تظاهرات هزاران نفر در اعتراض به خشونت علیه زنان

«کنوانسیون شورای اروپا» که برای جلوگیری از وقوع خشونت علیه زنان و خشونت خانگی و مبارزه با آن است، اولین بار در سال ۲۰۱۱ میلادی در جریان نشست اعضای این شورا در استانبول به امضای کشورها رسید و به همین دلیل با نام این شهر نیز شناخته می‌شود. تا کنون علاوه بر اتحادیه اروپا، بیش از ۴۰ کشور به این معاهده پیوسته‌اند تا در چارچوب آن، استانداردهای روشن و مشترکی در این موضوع و با هدف حمایت از زنان قربانی اشکال مختلف خشونت از جمله خشونت‌های خانگی تدوین و اجرا کنند.

ترکیه که زمانی میزبان نشست شکل‌گیری این کنوانسیون بود، در سال ۲۰۲۱ میلادی از آن خارج شد. طرفداران این تصمیم رجب طیب اردوغان، که بسیاری از آنها را افراد سنتی و محافظه‌کار و احزاب و گروههای اسلامگرا تشکیل می‌دادند، می‌گفتند که این پیمان ساختارهای خانواده را تضعیف می‌کند.

اکنون در لتونی نیز دیدگاههای مشابهی غالب شده است. تجمع بزرگ ریگا تنها چند روز پس از آن برگزار شد که ادگارس رینکوویچ، رئیس‌جمهور لتونی، مصوبه خروج از این پیمان را که به تصویب پارلمان رسیده بود، برای بررسی بیشتر به پارلمان بازگرداند.

پلیس لتونی تخمین زده است که دست‌کم ۱۰ هزار نفر در اعتراضهای در ریگا تحت شعار «بیابید از مادر لتونی محافظت کنیم» شرکت کردند که توسط یک سازمان غیردولتی محلی به نام «مرکز مارتا» سازماندهی شده بود.

برگزارکنندگان این تجمع در بیانیه‌ای اعلام کردند: «زمان آن رسیده است که هم به نمایندگان کنونی پارلمان و هم به کسانی که پس از آنها خواهند آمد، پیام روشنی بدهیم؛ ما اجازه نخواهیم داد بازی‌های سیاسی به قیمت نقض حقوق بشر تمام شود.»

انتخابی معنادار برای رهبری ارکستر سمفونیک بحران زده تهران

ارکستر سمفونیک تهران بعد از سالها با رهبری پانید فریوسفی یکی از نوازندگان این ارکستر و دختر آهنگساز فقید ایرانی، شهریار فریوسفی، به روی صحنه می‌رود. خانم فریوسفی گفته است که این اولین بار است ارکستر سمفونیک تهران رهبر زن دارد. او افزوده است: این به آن خاطر است که رشته‌ای برای آموزش رهبری ارکستر در مراکز آموزشی‌مان نداریم. به گفته پانید فریوسفی، شورای هنری ارکسترهای بنیاد رودکی



از او برای این اجرا دعوت کرده است. در سالهای اخیر، نزهت امیری از دیگر موسیقیدانان زن ایرانی بوده که در مقاطعی رهبری ارکستر ملی ایران را بر عهده داشته است. پیش از پانید فریوسفی، ارکستر سمفونیک تهران در اواخر دهه ۸۰ برای اولین بار پس از انقلاب ۵۷ شاهد حضور یک رهبر ارکستر زن بود. نازنین آقاخانی آهنگساز و رهبر ارکستر اتریشی ایرانی‌تبار به تهران آمد تا برنامه‌ای با این ارکستر به روی صحنه ببرد، اما در نهایت مقامهای رسمی مجوزهای لازم را برای اجرای عمومی ارکستر سمفونیک تهران به رهبری او صادر نکردند. اما آیا این انتخاب کنونی می‌تواند به یک اتفاق و پشتوانه برای زنان در حوزه موسیقی تبدیل شود و تا چه اندازه مسائل فنی در چنین گزینشی در نظر گرفته شده است. پیمان سلطانی، موسیقیدان و رهبر ارکستر ملل در تهران، در گفت‌وگو با برنامه خبری-تحلیلی ساعت ۱۴ رادیو فردا به این پرسش‌ها پاسخ داده است.

وضعیت اشتغال زنان ایرانی به روایت بانک جهانی

نرخ مشارکت اقتصادی زنان در تابستان امسال براساس گزارش مرکز آمار ایران به ۱۳٫۶٪ رسیده است، نرخی که نسبت به تابستان پارسال که ۱۴٫۶٪ بود، یک واحد درصد کمتر شده است.

این آمار به شکل دیگری در گزارش بانک جهانی نمایانده شده است. این گزارش تأکید دارد، در عربستان سعودی، نرخ مشارکت اقتصادی زنان طی یک دهه گذشته از ۲۰ درصد به ۳۴ درصد افزایش یافته است — یکی از سریع‌ترین نرخهای رشد در سطح جهانی. الجزایر، پاکستان و تونس نیز در سالهای اخیر پیشرفتهایی داشته‌اند، هرچند میزان مشارکت زنان در این کشورها هنوز هم در مقایسه با هم‌تایان اقتصادی‌شان بسیار پایین است.

در مقابل، در کشورهایی مانند مصر، ایران، اردن و مراکش، نرخ مشارکت زنان یا درجا زده یا کاهش یافته است. در برخی از این کشورها حتی میزان مشارکت زنان دارای تحصیلات عالی متوقف شده یا کاهش یافته و زنان جوان‌تر نسبت به نسل‌های پیشین کمتر در بازار کار حضور دارند.

ورود ۵ زن از سلیمانیه به پارلمان عراق



بر اساس نتایج نهایی انتخابات، پنج زن از فهرستهای مختلف در استان سلیمانیه توانستند بدون اتکا به «کرسی اقلیتها»

بهرام مشیری هم رفت!



با اندوه فراوان، بهرام مشیری، نویسنده، تاریخ‌شناس و منتقد استبداد مذهبی و دیکتاتوری سلطنتی، از پیروان راه دکتر مصدق و از مدافعان آزاد اندیشی در ایران در ۷۸ سالگی در آمریکا درگذشت. فقدان او را به خانواده، به جامعه هنری و به تمامی آزادیخواهان ایران تسلیت می‌گوییم.

مهدی سامع/ سه شنبه ۲۰ آبان ۱۴۰۴ - ۱۱ نوامبر ۲۰۲۵

وارد پارلمان عراق شوند و در مجموع نزدیک به ۵۵ هزار رأی به دست آورند.

در صدر این اسامی، سروه عبدالواحد، رئیس فهرست نسل نو، با ۲۱ هزار و ۹۸۰ رأی بیشترین آرای زنان را کسب کرده است. پس از او مژده محمود، نامزد نسل نو در رده دوم، با ۱۴ هزار و ۲۰۲ رأی قرار دارد. اشواق جاف، رئیس فهرست حزب دمکرات، نیز توانسته با ۸ هزار و ۲۰۳ رأی کرسی پارلمان را از آن خود کند. در همین‌حال سروه محمد از فهرست اتحادیه میهنی ۶ هزار و ۹۳۹ رأی به دست آورده است. پنجمین زن راه‌یافته نیز برزی عزم‌دریش از فهرست جنبش موضع است که ۳ هزار و ۶۵۴ رأی کسب کرده است.

طبق اعلام کمیسیون، این پنج زن در سلیمانیه همگی بدون استفاده از «کرسی اقلیت» و صرفاً با آرای مردمی انتخاب شده‌اند و مجموع آرای آنان به ۵۴ هزار و ۹۷۸ رأی می‌رسد. در سلیمانیه ۱۳۶ نامزد برای ۱۸ کرسی رقابت داشتند و طبق قانون، ۲۵ درصد از این کرسیها باید به زنان اختصاص یابد.

(منابع استفاده شده برای این مجموعه: رادیو فردا، رادیو فرانسه، یورنیوز، رخشانه، هه‌نگاو، اعتماد، دویچه وله، بی بی سی، شبکه اطلاع‌رسانی افغانستان، کردپرس، ایران‌وایر، اکو ایران)

بحران بی‌آبی تهران: چهره آشکار فروپاشی مدیریتی جمهوری اسلامی

اسد طاهری

خودسوزی احمد بالدی، دستاورد
ظالمانه اقتصاد مقاومتی

زینت میرهاشمی



خودکشی ناشی از فقر و تحقیر که با توجه به بحران اقتصادی و معیشتی شمار آنها افزایش یافته است، واکنش منفی، لمل اعتراض در دادخواهی و رسیدن به عدالت است که دقیقاً مرگ تحمیلی از طرف رژیم به شمار می‌آید. عادی سازی جان دادن در رویارویی با فقر و بی‌عدالتی، دردناک و فاجعه انسانی و اخلاقی است که به نوعی رژیم مشوق آن است.

خودکشی دردناک احمد بالدی، دانشجوی ۲۰ ساله از شهروندان اهواز در پارک زیتون، شعله های فقر و بی‌عدالتی را بر پیکر مردم بی صدا نشان داد. او پس از تخریب دکه خانوادگی اش که محل درآمد خانواده به مدت ۲۱ ساله بوده است، توسط شهرداری و تحقیر و سرکوب مادرش با آتش زدن خود، خواست مانع شود. اما ۷۰ درصد بدنش در آتش سوخت و ماموران با بیشرمی تمام مادرش را بردند و آتش را بر او نظاره کردند.

مجاهد بالدی پدر احمد در رابطه با علل خودکشی پسرش در مصاحبه ای با خبرگزاری حکومتی فارس گفته است: «مامور شهرداری به پسرم گفت خودت را بسوزان ببینیم چطور می‌سوزی... ماموران بدون هیچ حکمی به دستان همسرم نیز دستبند زدند.» تشویق به خودکشی جرم محسوب می‌شود. در بیدادگاه ولایت خاмене ای این مامور و شهردار مانند بقیه مجرمان حکومتی با اطلاع به اینکه مورد دادرسی قرار نمی‌گیرند به بازتولید خشونت و جنایت یاری می‌رسانند.

«نمونه های خودکشی از فقر در روزها و ماههای اخیر افزایش یافته است به عنوان نمونه: رعد سیلاوی، ۵۰ ساله کارگر اخراجی شرکت نفت در مهرماه دست به خودکشی زد. روز دوشنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۴، کمال بالدی، جوان ۲۶ ساله از هموطنان عرب اهوازی به شکل فجیعی دست به خودکشی زد. او که پدر دو فرزند بود، از بیکاری اجباری، اخراج از شرکت صنایع فولاد اهواز و ناتوانی در عدم تامین معیشت فرزندان جان خود را تسلیم فقر کرد.» (گروه تلگرامی اتحاد بازنشستگان)

این گونه خودکشیهای ناشی از فقر، ناشی از تحمیل فقر و ریاضت کشی در قالب اقتصاد مقاومتی است. از این منظر حکومت قاتل این جانهای تسلیم شده به فقر و بی‌عدالتی است. مرگ احمد بالدی خشونت دولتی است. آتش بدن این جوان معترض آتش خشم مردمی است که روزی تارو پود رژیم را از بین خواهند برد.

فراسوی خبر ... دوشنبه ۱۹ آبان

آب، کالا، نابرابری

بحران آب در تهران پدیده‌ای صرفاً اقلیمی نیست، بلکه محصول مستقیم نظام تولید و انباشت سرمایه در بستر یک دولت طبقاتی است. جمهوری اسلامی در ظاهر با شعار عدالت و معنویت بر سر کار آمد، اما در عمل ساختاری بنا کرد که از منطبق سرمایه‌داری وابسته، رانت‌محور و غارتگر تبعیت می‌کند. در این ساختار، طبیعت به کالایی سودآور و انسان به ابزاری مصرف‌گر تبدیل شد. بی‌آبی تهران، یکی از چهره‌های آشکار این تضاد است: تضاد میان ارزش مبادله و حق حیات.

به قول مارکس سرمایه‌داری برای بقای خود ناچار است مرزهای طبیعت را در هم بشکند، زیرا هدف آن نه تأمین نیاز انسانی بلکه انباشت بی‌پایان سرمایه است. در تهران این منطق به‌وضوح دیده می‌شود: توسعه بی‌رویهی برج‌سازی، مراکز تجاری و صنایع مصرف‌بر بدون توجه به ظرفیت اکولوژیک، نابودی باغات شهری و زمینهای نفوذپذیر آب به نفع سوداگری زمین، و خصوصی‌سازی خدمات عمومی از جمله آب و فاضلاب.

بدین‌سان، آب از حق انسانی به کالا تبدیل شد؛ کالایی که در آن هر چه قدرت اقتصادی و سیاسی بیشتر، دسترسی نیز گسترده‌تر است. جمهوری اسلامی نه نماینده‌ی مردم، بلکه نماینده‌ی بلوک قدرت اقتصادی - نظامی است که از پیوند روحانیت، سپاه و بورژوازی جدید شهری پدید آمده است.

حاکمیت، مدیریت منابع طبیعی را به بخشی از انباشت سرمایه تبدیل کرده: قراردادهای سدسازی و انتقال آب به شرکتهای وابسته به سپاه و اگادار شده، تخصیص آب به صنایع فولاد و پتروشیمی در مناطق خشک کشور با هدف صادرات و ارزآوری برای دولت، بر نیاز مردم پیشی گرفته و سیاستهای نولیبرالی با حذف یارانه‌ها و کالایی‌سازی خدمات، فشار را بر طبقات پایین چند برابر کرده است.

بی‌آبی در تهران بازتابی از همان نابرابری طبقاتی ساختاری است که در همه عرصه‌ها وجود دارد، در شمال شهر، برجهای لوکس با استخر و فضای سبز آبیاری‌شده، اما در جنوب شهر مردمی که آب لوله‌کشی‌شان غیرقابل شرب است. این شکاف، فقط اقتصادی نیست، بلکه تفاوت در امکان زیستن است.

بحران محیط‌زیستی بخشی از «بحران عمومی سرمایه‌داری» می‌باشد. نابودی طبیعت و استثمار نیروی کار دو چهره از یک روند واحدند: هر دو در خدمت انباشت سرمایه‌اند. در تهران،

فروپاشی منابع آب و فرسایش زمین به همان اندازه سیاسی است که فقر، بیکاری یا سرکوب سیاسی.

بنابراین، مبارزه برای آب، مبارزه‌ای صرفاً زیست‌محیطی نیست؛ بلکه شکل نوینی از مبارزه‌ی طبقاتی است. آب در این معنا، نماد حیات جمعی و مقاومت در برابر کالایی‌سازی زندگی است.

جمهوری اسلامی توان مدیریت «بازار تولید حیاتی» یعنی آب را ندارد. بحران آب در واقع بحران تداوم حیات اجتماعی در چارچوب این حکومت است. بی‌آبی نه حادثه طبیعی، بلکه نتیجه انباشت فاسد، مدیریت طبقاتی و ناتوانی تاریخی است.

پیام «خروج از تهران» بدون آن‌که حکومت مسئولیت بپذیرد، نوعی فرار از پاسخگویی ساختاری است. وقتی یک حکومت نمی‌تواند آب پایتخت خود را تأمین کند، آن حکومت در مرحله فروپاشی است.

تهران، پایتختی که روزی نماد تمرکز قدرت و ثروت در ایران بود، امروز به شهری بدل شده که ساکنانش در صف آب می‌ایستند. بی‌آبی تهران نه صرفاً نتیجه تغییرات اقلیمی، بلکه نشانه‌ی فروپاشی ساختار مدیریتی جمهوری اسلامی است؛ نظامی که با منطق رانت، فساد و نئولیبرالیسم بومی شده، منابع حیاتی کشور را به مرز نابودی کشانده است.

مسعود پزشکیان، رییس‌جمهور خاмене‌ای، گفته است: «اگر تا آذرماه باران نبارد، ناچار به جیره‌بندی آب خواهیم بود و در صورت تداوم خشکسالی باید تهران را تخلیه کنیم.» (دنیای اقتصاد ۱۵ آبان)

هرچند تا امروز فرمان رسمی کامل برای تخلیه صادر نشده، اما خود «امکان تخلیه» از زبان این مقام ارشد نشان‌دهنده بحران ساختاری است که نه فقط معلول کمبود باران، بلکه به‌خاطر سیاست‌گذاری، نابرابری و مدیریت ناکارآمد است.

در چهار دهه گذشته، جمهوری اسلامی هیچ برنامه‌ای برای مدیریت پایدار آب نداشته است. ساخت‌وساز بی‌رویه، گسترش بی‌ضابطه‌ی شهر و سدسازی فله‌ای و بدون ارزیابی زیست‌محیطی، اکوسیستم طبیعی پیرامون تهران را نابود کرد. سدهای لار، لتیان و طالقان که زمانی منابع اصلی آب پایتخت بودند، اکنون به دلیل خشکسالی، تبخیر بالا و رسوب‌گذاری شدید، ظرفیت واقعی خود را از دست داده‌اند. در حالیکه کارشناسان از دهه ۱۳۸۰ نسبت به بحران هشدار می‌دادند، مدیران حکومتی درگیر قراردادهای میلیاردی سدسازی و پروژه‌های نمایشی سپاه پاسداران بودند.

محمد ارشدی، عضو شورای راهبردی «اندیشکده تدبیر آب ایران»، در گفت‌وگو با وبگاه حکومتی «خبرآنلاین» تصریح کرد: «آنچه امروز به‌عنوان بحران آب مشاهده می‌کنیم، حاصل مسیر طولانی تصمیمات، سیاستها و مداخلات انسانی است و نه یک اتفاق ناگهانی.» او یادآوری کرد که «وضعیت فعلی نتیجه مجموعه نیروهایی است که در گذر زمان شکل گرفته و اکنون به‌صورت عینی در برابر چشم ما قرار دارد.» (اکوایران، ۲۲ آبان)

برداشت بی‌رویه از سفره‌های زیرزمینی، نشست زمین در جنوب و شرق تهران را تا بیش از ۳۰ سانتی‌متر در سال رسانده است؛ پدیده‌ای که غیرقابل بازگشت است. از سوی دیگر، سیاستهای توسعه‌ی نولیبرالی (فروش اراضی، برج‌سازی و تمرکز سرمایه در پایتخت) باعث شده که جمعیت تهران از ظرفیت اکولوژیک آن چندین برابر بیشتر شود. نتیجه، فرسایش همزمان خاک، هوا و آب است و مردمی که میان آلودگی، بی‌آبی و گرانی گرفتار آمده‌اند.

حکومت همچون همیشه فراقطنی و انکار میکند، به‌جای پذیرش مسئولیت، بحران را به گردن «معصیت و اسراف مردم» می‌اندازد و به هشدارها با وعده «انتقال آب از شمال» یا «دعا برای باران» پاسخ می‌دهد. در واقع، جمهوری اسلامی بحران آب را نه مسئله‌ای ملی، بلکه تهدیدی امنیتی می‌بیند و با سانسور و سرکوب کارشناسان محیط‌زیست (مانند فعالان زندانی موسسه‌ی حیات وحش میراث پارسایان) مانع و آشکافی بحران و گفتگو در باره علتها و راه‌حلها شده است.

جنبش رنگین کمان بیشماران (آبان ۱۴۰۴)

گردآوری و تنظیم: پویا رضوانی

شنبه ۳ آبان



تجمع شهروندان اهواز پس از خودسوزی اعتراضی احمد بالدی



در ماه گذشته شکاف عمیق میان رشد هزینه های زندگی و دستمزد افزایش بی سابقه ای پیدا کرد. در حالی که بنا بر ارزیابیهای کوناگون میانگین خط فقر دستکم ۵۵ میلیون تومان است، پایه حقوق کارگران در سال جاری کمتر از ۱۱ میلیون تومان است. برآوردهای آبان ۱۴۰۴ نشان می دهد خط فقر خانوار چهار نفره در کلان‌شهرهای ایران بیش از ۸۰ میلیون تومان و در شهرهای کوچک بین ۴۰ تا ۴۵ میلیون تومان است. با توجه به توزیع جمعیت، میانگین وزن دار خط فقر در سطح کشور حدود ۵۵ میلیون تومان محاسبه می‌شود؛ عددی که اکنون به‌عنوان معیار «میانگین ملی خط فقر» شناخته می شود.

این شکاف کلان در خالی است که فرادستان همچنان به غارت سفره مردم که هر روز لاغرتر می شود ادامه می دهد. کارگران و تهیدستان در واکنش به شرایط فاجعه بار و فقر و فلاکتی که با آن درگیر هستند دستکم ۲۸۲ روز حرکت اعتراضی در ماه آبان انجام دادند. گزارش کوتاه این حرکتها را این مجموعه خواهید خواند. حرکتهای اعتراضی معلمان و دانشجویان جداگانه در شماره کنونی ماهانه نبرد خلق پوشش داده می شود. در همین ماه شاهد سه شبه های اعتراضی زندانیان سیاسی و همزمان تجمع خانواده های محکوم به اعدام بودیم.

مراسم خاکسپاری زنده یاد امید سرلک



روز دوشنبه ۱۲ آبان مراسم خاکسپاری امید سرلک، جوان ۲۷ ساله اهل الیگودرز در این شهر برگزار شد. بر اساس گزارش تلگرام شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، شرکت کنندگان در این مراسم فریاد «مرگ بر خائنه‌ای» و «می کشم می کشم، آن که برادرم کشت» سر دادند. جسد امید سرلک، روز شنبه ۱۰ آبان ساعتی پس از انتشار ویدئویی علیه علی خامنه‌ای، ولی فقیه نظام در شبکه های اجتماعی، با گلوله‌ای در بدنش و در خودروی شخصی اش پیدا شد. در کنار جسد او یک سلاح نیز قرار داشت. مقامات محلی هنوز در مورد این حادثه اظهار نظر رسمی نکرده‌اند. منابع نزدیک به خانواده امید سرلک می‌گویند نیروهای امنیتی خانواده را تحت فشار گذاشته‌اند تا علت مرگ را «خودکشی» اعلام کنند.

*تعدادی از حواله داران خودروهای شرکت فردا موتور مقابل ساختمان وزارت صنعت، معدن و تجارت در تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند. همچنین شماری از این حواله‌داران مقابل نمایندگی‌های این شرکت در شهر یزد دست به تجمع زدند.

به گزارش هرانا، این تجمعها در اعتراض به تاخیر طولانی مدت در تحویل خودروهای ثبت نامی برگزار شده است.

*شماری از کارگران شرکت توزیع برق اهواز مقابل ساختمان اداری این شرکت دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، تجمع این کارگران در اعتراض به مشکلات معیشتی و پایین بودن سطح حقوق آنها صورت گرفته است. کارگران معترض اعلام کردند که کار آنها جز مشاغل پرخطر محسوب می شود، با این حال حقوقهای شان پایین است و وعده‌هایی که برای بهبود معیشت داده شده، تاکنون به نتیجه نرسیده است.

*شماری از کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه دست به اعتصاب زدند. این کارگران طی روزهای گذشته نیز در اعتراض به تعیین مبلغ ۶۰ هزار تومانی حق غذا از سوی مسئولان این شرکت، دست به تجمع و اعتصاب زده بودند. به گزارش ایلنا؛ بخش قابل توجهی از امور رفاهی و مزایا از سوی پیمانکار پرداخت نمی شود. برای نمونه، پولی که برای هر وعده غذایی کارگر به پیمانکار داده می شود، کامل صرف تهیه غذا نمی‌شود؛ به همین دلیل است که سطح رفاهیات و کیفیت غذای کارگران پایین است.

*جمعی از کاربران صرافی آنلاین ارز دیجیتال «اکسکوینو» با برگزاری تجمع اعتراضی مقابل دفتر این شرکت خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند. به گزارش هرانا، این شهروندان گفتند که از تیرماه امسال تاکنون، امکان برداشت از داراییهای خود در این صرافی آنلاین را ندارند.

*جمعی از کارگران بخش گندله سازی شرکت گهرزمین سیرجان در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات خود دست به اعتصاب زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، این اقدام کارگران در اعتراض به پرداخت نشدن پادشاه، کمبود امکانات رفاهی و شرایط دشوار کاری و معیشتی آنها صورت گرفته است.

*جمعی از سپرده‌گذاران بانک شهر مقابل یکی از شعب این بانک در قم تجمع کردند. این تجمع در اعتراض به تخلفات صورت گرفته توسط مسئولان و کارکنان این بانک، برگزار شده است.

بامداد یکشنبه ۱۱ آبان، احمد بالدی، دانشجوی ۲۰ ساله در پارک زیتون اهواز در اعتراض تخریب ناگهانی و بدون اطلاع از قبل دکه کسب و امرار معاش پدرش توسط مأموران اجرایی شهرداری اهواز و توهین به مادرش با ریختن بنزین روی خود اقدام به خودسوزی کرد و دچار سوختگی ۷۰ درصدی شد و در بیمارستان طالقانی اهواز بستری و تحت درمان قرار دارد. شامگاه پنجشنبه ۱۵ آبان، جمعی از اهالی اهواز از جمله بستگان، دوستان و آشنایان زنده یاد احمد بالدی، برای اعتراض به تحمیل خودسوزی به وی و توهین به مادرش توسط عوامل شهرداری اهواز دست به تجمع مقابل بیمارستان طالقانی اهواز زدند و در برخورد اتفاقی با استاندارخوزستان خواستار برکناری فوری شهردار منطقه ۳ اهواز و رسیدگی قضایی و محاکمه عوامل این اقدام وحشیانه و ضدانسانی و خودسوزی این جوان شدند.

مجاهد بالدی (عبدالسیدی) پدر احمد با انتشار ویدئویی خبر درگذشت او در روز سه شنبه ۲۰ آبان را اعلام کرد و دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز نیز اعلام کرد «این جوان که به خاطر سوختگی ۷۰ درصدی در بیمارستان طالقانی اهواز بستری بود، به‌رغم تلاش کادر درمانی درگذشت.» قرار بود مراسم خاکسپاری پنجشنبه برگزار شود، اما خانواده عبدالسیدی تحت فشار و تهدید نهادهای امنیتی ناچار شدند زمان دفن را به شامگاه چهارشنبه تغییر دهند. نیروهای امنیتی همچنین تلاش کردند مانع اجرای آیینهای نمادین سوگ، از جمله یزله، پایکوبی آیینی و هرگونه حرکت جمعی شوند.

پنجشنبه یک آبان

*جمعی از کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه دست به اعتصاب زدند. به هرانا، این اعتصاب در اعتراض نسبت به مساله تعیین حق غذای کارگران صورت گرفته است. اخیرا مسئولان این شرکت با صدور اطلاعیه ای، حق غذای کارگران را ۶۰ هزار تومان تعیین کرده‌اند.

*شهروندان روستای گزستان، از توابع بخش مرکزی شهرستان بافق در استان یزد، در اعتراض به فعالیتهای معدنی در این منطقه، با تجمع و مسدود کردن مسیر تردد ماشین آلات، موجب تعطیلی کامل معدن گزستان شدند. همبستگی مردم در واکنش به سیاستهای سودمحور پروژه های حکومتی از جمله معادن و صنایع آلاینده که زیانهای سنگینی به منابع زیست محیطی و زندگی مردم میزند بارها تکرار شده و موفق بوده است.

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۲

* جمعی از کارگران فروشگاه زنجیره‌ای رفاه همدان برای اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق و ۲ ماه حق بیمه دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان با بیان اینکه کارگران باید هفته به هفته منتظر پرداخت بخشهایی از حقوق خود بمانند گفتند: حق بیمه مان نیز به موقع به حساب تأمین اجتماعی واریز نشده و در حال حاضر میزان بدهی فروشگاه رفاه همدان به تأمین اجتماعی به حدود ۷ میلیارد تومان رسیده است.

گفتنی است فروشگاه رفاه همدان با ۴۰۰ نیرو در سال ۱۳۷۵ آغاز به کار کرد؛ در چند سال اخیر متأسفانه ۳۲۰ نیروی خود را تعدیل نموده و هم اکنون با ۸۰ نفر نیرو به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

یکشنبه ۴ آبان

* تعدادی از کارگران شاغل در شرکت کاشی کازه در اسلام آباد، مقابل ساختمان فرمانداری این شهرستان دست به تجمع زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران این شرکت در اعتراض به شرایط سخت کاری، تأخیر طولانی در پرداخت حقوق و بی‌توجهی مسئولان دست به این اقدام زده‌اند.

* جمعی از کارگران فروشگاه زنجیره ای رفاه زنجان با برگزاری تجمع اعتراضی مقابل ساختمان این فروشگاه، خواهان رسیدگی به مطالبات خود شدند. به گزارش ایلنا، در این گزارش آمده است که حدود ۵۰ کارگر زن و مرد شاغل در پنج شعبه فروشگاه زنجیره‌ای رفاه استان زنجان، خواستار پیگیری وضعیت معوقات مزدی و بیمه‌ای خود هستند. این افراد بیش از سه ماه حقوق و هفت ماه حق بیمه پرداخت نشده دارند.

* گروهی از خانواده‌های بیماران مبتلا به بیماری دوشن با برگزاری تجمع مقابل ساختمانهای وزارت بهداشت و سازمان غذا و دارو در تهران، خواهان برطرف کردن مشکلات خود شدند.

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، به گفته این شهروندان، داروی «آگامری» ماههاست که در کشور یافت نمی‌شود. با وجود وعده‌های مکرر مسئولان، تاکنون این مشکل رفع نشده است.

* جمعی از اعضای تعاونی مسکن پاک اندیش پاکدشت که تحت نظارت استانداری تهران فعالیت دارد در ادامه اعتراض به بلاتکلیفی ۱۲ ساله و وعده‌های توخالی مسئولان مقابل ساختمان استانداری تهران تجمع کردند و خواستار تعیین تکلیف زمینهایی که از سال ۱۳۹۲ خریداری کرده اند اما هنوز سندی برای آنها صادر نشده است، شدند. به گزارش تسنیم، به گفته معترضان، در طول این ۱۲ سال نه تنها مجمع عمومی واقعی برای انتخاب هیات مدیره برگزار نشده بلکه برخی تصمیمات درون تعاونی بدون اطلاع اعضا و با نقوذ اداری گرفته شده است.

* تجمع جمعی از کارکنان اداره کل بهزیستی استان آذربایجان شرقی در اعتراض به سطح نازل حقوق و تبعیض.

سه شنبه ۶ آبان

* جمعی از متقاضیان پروژه مسکن ملی باغمیسه تبریز، با برگزاری تجمع مقابل اداره کل راه و شهرسازی آذربایجان

شرقی، نسبت به طولانی شدن روند اجرای این طرح اعتراض کردند. به گزارش ایسنا، بیش از هفت سال از آغاز این پروژه می‌گذرد و همچنان درگیر مسائل ابتدایی است. مسئولان استانی پس از سالها تأخیر، اعلام کرده‌اند که به دلیل کوتاهی پیمانکار در انجام تعهدات، قرارداد وی فسخ و پروژه به پیمانکار جدید واگذار خواهد شد. با این حال، متقاضیان می‌گویند در این میان هیچ‌کس پاسخگویی آن‌ها نیست.

* جمعی از شهروندان ساکن اراک در اعتراض به آلودگی هوا در این شهر بر اثر مازوت سوزی در نیروگاهها، مقابل استانداری مرکزی دست به تجمع زدند. به گزارش تابناک، معترضان با سردادن شعارهایی از جمله «نمایند مجلس، به داد مردم برس»، «شهر من، درد من، هوای پاک حق من»، به وضعیت هوای اراک و عملکرد مسئولان در این خصوص، اعتراض کردند.

* کارگران کارخانه آجر ثبات قرچک، با تجمع در محوطه این کارخانه خواهان رفع «تصرف اراضی» این کارخانه شدند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض می‌گویند که از سالهای ۷۹ و ۸۰ با فروش اموال خانواده خود و کسر از حقوق ماهیانه، سهام این کارخانه را خریداری کرده‌اند. آن زمان دستگاه قضایی رأی داد که مالکیت شرکت به کارگران واگذار شود. اکنون بعد از ۲۰ سال کار و تلاش می‌گویند زمین‌ها باید به دولت برگردد.

* جمعی از کارگران کارخانه هپکو اراک برای دفاع از امنیت شغلی و معیشتی شان در واگذاری جدید شرکت دست به تجمع زدند و خواستار اقدام جدی سازمان تأمین اجتماعی در باره وضعیت خریدار سهام این شرکت و بررسی دقیق اهلیتشان شدند. به گزارش دیار آفتاب، با توجه به آسیبهای جدی که در گذشته از واگذاریهای غیرکارشناسی دیده ایم، انتظار داریم سازمان تأمین اجتماعی به عنوان یکی از نهادهای مسئول، نسبت به بررسی دقیق اهلیت خریدار سهام هپکو طبق قانون اجرایی اصل ۴۴ اقدام کند.

* گروهی از مالکان پروژه های مسکونی نیمه تمام مقابل ساختمان مجلس رژیم در تهران دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش اطلاع با ما، این شهروندان، خواستار رسیدگی به وضعیت بلاتکلیف زمینها و واحدهای خود شدند. به گفته برخی از حاضران، بسیاری از این پروژه ها بیش از دو دهه است که بلاتکلیف مانده‌اند.

* شماری از کارگران شرکت خدمات شهرک صنعتی شوش، در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان، دست به اعتراض صنفی زدند. به گزارش ایلنا، در حال حاضر رابطه استخدامی کارگران با کارفرما به صورت قرارداد روزمزدی ادامه دارد و به صورت مشخص این کارگران سه ماه دستمزد حداقلی طلبکارند. بنا بر ادعای کارگران، شرکت پیمانکاری به دلیل کمبود نقدینگی، توان پرداخت به موقع مزد آنان و سایر هزینه‌های جانبی را ندارد و در نتیجه کارگران هم اکنون با مشکل مالی مواجه هستند.

چهارشنبه ۷ آبان

* شماری از مرغداران استان فارس، مقابل سازمان جهاد کشاورزی این استان در شیراز دست به تجمع زدند. به گزارش هرانا، شهروندان معترض نسبت به عدم تخصیص نهاده‌ها، نحوه مدیریت منابع ارزی و کمبود اقلام لازم برای تولید و تأمین مرغ، اعتراض دارند.

* شهروندان شهر دژکرد از توابع شهرستان اقلید در استان فارس، در اعتراض به احداث معدن چشمه ساران با بیرون راندن ماشین آلات سنگین و جلوگیری از ادامه فعالیت این پروژه تجمع کردند.

پنجشنبه ۸ آبان

تجمع کارگران ذوب آهن مقابل استانداری اصفهان. در این تجمع اعتراضی، کارگران ذوب آهن، خواهان پرداخت معوقات مزدی، اجرای کامل طرح طبقه‌بندی مشاغل، بهبود وضعیت معیشتی و کاری خود شدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران این اعتراض در حالی برگزار شد که مدیریت شرکت، روز پیش برای جلوگیری از شکل‌گیری اعتراض، حقوقها را زودتر از موعد معمول پرداخت کرده بود، اقدامی که از نظر کارگران تلاشی بود برای ایجاد تفرقه در میان آنان و جلوگیری از برگزاری تجمع.

* جمعی از کامیونداران زابل برای اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی به دنبال مسدود کردن ۶ ماهه کارتهای سوخت مقابل فرمانداری این شهرستان در استان سیستان و بلوچستان تجمع کردند. به گزارش حال وش، معترضان که بیشتر رانندگان کامیونهای سنگین بودند، گفتند کارتهای سوخت آن‌ها از ۶ ماه پیش به دلیل ادعای «بارنامه سوری» در سال ۱۴۰۲، مسدود شده است.

جمعه ۹ آبان

* جمعی از نیسانداران اهواز از انجام فعالیتهای روزمره خود امتناع کرده و دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب در اعتراض به عوارض جاد های، مشکلات مربوط به بیمه، هزینه‌های تعمیرات و عدم تناسب نرخ کرایه با درآمد واقعی رانندگان صورت گرفته است.

شنبه ۱۰ آبان

کارکنان منطقه ویژه اقتصادی پارسین دست از کار کشیدند و مقابل ساختمان مدیریت تجمع کردند. در حالی که هزینه‌های زندگی روز به روز سنگین‌تر می‌شود، مدیریت منطقه پارسین به جای تلاش برای راه اندازی پروژه های جدید یا تکمیل طرحهای نیمه تمام، به سیاست خطرناک کاهش حقوق و مزایا پناه برده؛ اقدامی که نه تنها معیشت کارکنان را نابود می‌کند، بلکه سازمان را از درون تضعیف و بی‌انگیزه می‌سازد. به گزارش رسانه دریای اندیشه، روابط عمومی منطقه ویژه اقتصادی پارسین اعلام کرد که هیچ گونه تجمع اعتراضی یا توقف فعالیت کاری در منطقه ویژه اقتصادی پارسین رخ نداده است. خبر منتشرشده در برخی کانال‌ها و رسانه‌ها کاملاً نادرست بوده و واقعیت را منعکس نمی‌کند.

یکشنبه ۱۱ آبان

* جمعی از متقاضیان پروژه مجتمع مسکونی فلورا مقابل ستاد ارتش واقع در چهارراه قصر تهران دست به تجمع زدند و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند. به گزارش رکتا، تجمع این شهروندان در اعتراض به تأخیر در تکمیل پروژه و مشکلات مرتبط با تحویل واحدهای خریداری شده برگزار شده است.

* شماری از متقاضیان مسکن ملی در اردکان، با برگزاری تجمع اعتراضی مقابل ساختمان فرمانداری این شهرستان خواهان رسیدگی به مطالبات خود شدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، شهروندان نسبت به تأخیر در تحویل واحدهای خریداری شده و روند کند پروژه اعتراض کردند.

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۳

جمعی از اهالی روستای «سیاباز» از توابع شهرستان خوی در اعتراض به محل انتخاب شده برای ساخت یک پروژه مزرعه پنبه خورشیدی دست به تجمع زدند. به گزارش تلگرام گادتب، به گفته شهروندان معترض، زمین موردنظر جهت ساخت این پروژه در حریم زمینهای کشاورزی اهالی این منطقه قرار دارد. این زمین محل عبور اهالی روستا و احشام شان و همچنین محل خرمن کوبی گندم مردم روستا بوده و اجرای پروژه موجب مسدود شدن مسیر آنها خواهد شد.

کارکنان آتش نشانی سنندج برای اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق مقابل ساختمان شهرداری این شهرستان در استان کردستان تجمع کردند.

کارگران کشتارگاه ماکیان الوان تهران برای اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق دست از کارکشیدند و در محل کارشان واقع در جاده خاوران، قاسم آباد تهرانچی، خیابان گلبرگ، تجمع کردند. به گزارش حال وش، در این کشتارگاه حدود ۲۰۰ کارگر مشغول به کار هستند.

دوشنبه ۱۲ آبان

کشاورزان خشمگین بخش سلطان آباد رامهرمز مقابل بخشرداری این شهر تجمع کردند و فریاد زدند: آب نمی دهند، بیمه خسارت نمی دهد، ما چگونه زندگی کنیم؟ به گزارش ایران خبر، آب سد فجر به رودخانه مارون می رود، در حالی که زمینها تشنه اند و کشت به تأخیر افتاده است. بیمه گندم هم مانند دیگر مناطق عمل نمی کند و کشاورزان درمانده و بی پناه مانده اند.

رانندگان تاکسی سنندج دست به اعتصاب سراسری زدند تا خشم خود را نسبت به کاهش شدید درآمد و بی توجهی مسئولان شهری نشان دهند. به گفته رانندگان، افزایش بی رویه هزینه های سوخت، قطعات یدکی و مخارج روزمره، در حالی که نرخ کرایه ها مدتهاست ثابت مانده، باعث شده کسب و کار آنها به نقطه بحرانی برسد.

مالباختگان فیش ضایعات مقابل درب استانداری کرمانشاه تجمع کردند تا خشم و اعتراض خود را نسبت به سوءمدیریت و کلاهبرداری مدیرعامل بی مسئولیت تعاونی نشان دهند. به گزارش آژانس ایران خبر، این تعاونی با زمینی که در ابتدا برای کمتر از ۲۰۰ نفر اختصاص داشت، با گستاخی آن را به ۵۶۰ نفر و اکنون به بیش از ۱۰۰۰ نفر فروخته است. با وجود ۱۵۰ شاکای خصوصی و پرونده ای با امضای ۵۰۰ نفر، مدیرعامل همچنان بدون هیچ محدودیتی در خیابانها تردد می کند و به فروش زمینها ادامه می دهد.

چهارشنبه ۱۴ آبان

شماره ای از مرعداران مقابل ساختمان وزارت جهاد کشاورزی در تهران دست به تجمع زدند.

به گزارش هرانا، این افراد نسبت به عدم تامین نهادهها، نحوه مدیریت منابع و بالا رفتن هزینه های تولید، اعتراض دارند زیرا حدود دو ماه است نهاده های دامی در اختیارشان قرار نگرفته و این مساله تولید و اشتغال در بخش مرعداری را با خطر جدی روبه رو کرده است.

شماره ای از کارگران پیمانکاری شهرداری ایلام، مقابل ساختمان شهرداری ایلام و سپس در مقابل استانداری این استان دست به تجمع زدند. به گزارش ایلام، این کارگران، نسبت به محقق نشدن وعده ها برای وصول مطالبات شان

اعتراض دارند. آنها مدعی اند برخلاف وعده ای که مدیران شهری به آنها داده بودند، هنوز موقوفات مزدی دو تا سه ماهه ای آن ها پرداخت نشده است.

جمعی از نجاران و فعالان ته لنجی هندیجان در اعتراض به نابسامانی بازار جنوب، محدودیتهای ته لنجی و فشار معیشتی مقابل فرمانداری هندیجان دست به تجمع زدند. یکی از معترضان گفت: «صبر ما تمام شده، اگر ته لنجی نباشد، زندگی نیست. ما با دریا بزرگ شدیم، با دریا نان درآوریم، امروز ما را از نان انداخته اند.»

کشاورزان مازندران و گلستان با تجمع مقابل شالیکوبیها، اعتراض خود را نسبت به عدم دریافت بدهی ۲۰۰ میلیارد تومانی پس از یک سال نشان دادند. کشاورزان تأکید کردند: یک سال وعده و تعویق کافی است. محصول ما نه هدیه است و نه صدقه؛ حق ماست!

کارگران شاغل در مجموعه های تولیدی و کشاورزی دشت زبدون دست از کار کشیدند و در اعتراض به کاهش دستمزد و افزایش ساعت کاری اعتصاب کردند. بنا به گزارشهای شبکه های اجتماعی در منطقه آزاد ماکو، حقوق و دریافتی این کارگران که پیش تر ماهیانه حدود ۲۲ میلیون تومان بوده است در روزهای اخیر به ۱۶ میلیون تومان کاهش یافته و همزمان ساعت کاری آنان نیز تقریباً دو برابر شده است. موضوعی که موجب خشم و ناراضی گسترده در میان کارگران شده است.

پنجشنبه ۱۵ آبان

شماره ای از کارکنان پیشین کارخانه فولاد کویر اردستان، مقابل بیدادگستری این شهرستان دست به تجمع زدند. به گزارش هرانا، این کارگران با وجود گذشت چندین ماه همچنان در انتظار رسیدگی به مطالبات شان هستند. گروهی از این کارگران در خردادماه سال جاری نیز، در اعتراض به تعطیلی کارخانه، عدم پرداخت حقوقهای معوقه و بلا تکلیفی شغلی مقابل فرمانداری شهرستان اردستان تجمع کرده بودند. کارخانه فولاد کویر اردستان که در شهریور ۱۴۰۱ افتتاح شده بود، از فروردین ماه امسال تعطیل شده و حدود ۲۲۵ کارگر بدون پرداخت حقوق، در وضعیت بلا تکلیف قرار گرفتند.

شنبه ۱۷ آبان

گروهی از حواله داران خودروهای شرکت فردا موتورز، مقابل ساختمان وزارت صنعت، معدن و تجارت در تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند. تجمع این شهروندان در اعتراض به تأخیر طولانی مدت در تحویل خودروهای شان و بی توجهی مسئولان نسبت به این موضوع برگزار شده است.

بیش از ۱۰۰ نفر از مالباختگان پروژه مسکن شرکت شایان گستر ایساتیس در فاز هشت شهر جدید پردیس، با برگزاری تجمعی مقابل ساختمان حوزه ریاست قوه فاسد قضاییه در تهران، خواستار رسیدگی فوری به مشکلات خود شدند. به گزارش عصرایران، این پرونده بیش از ۳۰۰ شاکای دارد و معترضان خواستار تسریع در روند رسیدگی قضایی، شناسایی و توقیف اموال متهمان و بازگرداندن وجوه پرداختی یا تحویل واحدهای پیش خرید شده هستند. ارزش تخلیفات مالی منتسب به این پرونده بیش از ۱،۵۰۰ میلیارد تومان برآورد شده است.

رانندگان ماشین آلات شهرداری کرمانشاه به دلیل عدم پرداخت حقوق چند ماه گذشته، در مقابل استانداری تجمع کردند و دست از کار کشیدند. به گزارش ایلام، ۴ ماه بدون حقوق، چه تضمینی وجود دارد که پیمانکاران حقوق ماههای بعدی را پرداخت کنند؟ این وضعیت نشان می دهد که شهر و مردم سالهاست در معرض غارت و سوءمدیریت قرار گرفته اند.

شماره ای از اعضای تعاونی مسکن «پارلا اسکان تبریز نو» مقابل ساختمان اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو این شهر دست به تجمع زدند. به گزارش نصرنیوز، این شهروندان نسبت به بلا تکلیفی چند ساله وضعیت اسناد زمینهای مربوط به این شرکت در محله «ساری زمی» شهر تبریز معترض هستند.

یکشنبه ۱۸ آبان

جمعی از متقاضیان پروژه مجتمع مسکونی فلورا مقابل ستاد ارتش در چهارراه قصر تهران، تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش مدارا، تجمع این شهروندان در اعتراض به تأخیر در تکمیل پروژه و مشکلات مربوط به تحویل واحدهای خریداری شده صورت گرفته است. این شهروندان هفته پیش نیز با برگزار تجمع اعتراضی در این محل، خواستار رسیدگی به مشکلات خود شده بودند.

جمعی از اهالی منطقه کمب واقع در شهرستان چابهار، در اعتراض به تخریب منازل خود، مقابل ساختمان فرمانداری این شهرستان تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش حال وش، منازل این افراد، هفته گذشته، توسط مأموران انتظامی و بنیاد مسکن تخریب شده و مسئولان نیز پاسخگوی پیگیریهای این شهروندان معترض نیستند.

جمعی از زنان بلوچ از ساکنان منازل تخریب شده در منطقه کمب شهرستان چابهار، در اعتراض به بی خانمان شدن خود مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. به گزارش حال وش: «این زنان که در روزهای گذشته در پی یورش نیروهای نظامی و عوامل بنیاد مسکن خانه هایشان ویران شده، به همراه فرزندان خود در وضعیت دشواری به سر می برند و در اعتراض به تخریب و بی پناهی، خواستار پاسخگویی مسئولان محلی و توقف اقدامات مشابه شده اند.»

دوشنبه ۱۹ آبان

جمعی از کارکنان بانک مسکن مقابل ساختمان مرکزی این بانک در تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش ایلام، از جمله مطالبات مطرح شده این کارکنان در تجمع، اعتراض به عدم شفافیت شرکت سرمایه گذاری صندوق کارکنان بانک مسکن بوده که با وجود پرداخت کسورات از حقوق، فاقد شفافیت و گزارش مالی است. همچنین مبلغ قابل توجه پایان خدمت، مبلغ بیمه عمر و مبالغ مربوط به سایر بیمه ها و مبالغ رفاهی طبق آیین نامه های سلیقه ای کمتر از دیگر بانکها است. شماره ای از مالباختگان پروژه مسکونی تاقدیس سیرجان مقابل استانداری استان کرمان تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش هرانا، این تجمع در اعتراض به عدم تحویل واحدهای مسکونی و عدم پاسخگویی مسئولان صورت گرفته است.

جمعی از کارگران شرکت راهسازی بلوچ ایرانشهر اعتصاب کردند. معترضان دلیل این اعتصاب را وجود چند ماه حقوق معوقه و عدم پرداخت مطالبات خود عنوان کردند. به گزارش ایلام، این کارگران در اعتراض به مطالبات مزدی خود، دست از کار کشیده و در محل کار خود تجمع کرده اند. آنها همچنان موفق نشده اند موقوفات خود را دریافت کنند.

سه شنبه ۲۰ آبان

اعتصاب کارگران شرکت موتون در تبریز که از روز گذشته آغاز شده، امروز نیز ادامه یافت. کارگران این واحد صنعتی در اعتراض به آنچه «بی مهریها و ناعدالتیهای مدیریتی»

بقیه در صفحه ۲۵

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۴

می‌خوانند، برای دومین روز متوالی دست از کار کشیدند. به گزارش توانا، کارگران معترض با تهدید به اخراج از کار تحت فشار قرار گرفته اند تا به اعتصاب خود پایان داده و فعالیت را از سر گیرند، اما با وجود این تهدیدها، کارگران بر ادامهٔ اعتصاب پافشاری کرده‌اند.

شرکت موتورن، یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان موتورهای الکتریکی در آذربایجان است و توقف فعالیت آن در ۲ روز اخیر، بخشی از روند تولید را مختل کرده است.

چهارشنبه ۲۱ آبان

*گروهی از متقاضیان مسکن از جمله خریداران طرحهای مسکن ملی بهارستان و نجف آباد، مقابل ساختمان استانداری اصفهان دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایلنا، به گفته معترضان، با گذشت چند سال از آغاز ثبت نام و واریز مبالغ اولیه، هنوز بخش قابل توجهی از پروژه‌ها در مرحله ابتدایی باقی مانده و وعده های مطرح شده درباره زمانبندی تحویل واحدها عملی نشده است.

*جمعی از خریداران و سپرده‌گذاران شرکت فردا موتور در تهران، تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش پیام فوری، معترضان گفتند بیش از ۲۰ ماه از زمان ثبت‌نام برای دریافت خودروهای گوناگون گذشته است، اما همچنان خبری از تحویل خودروها نیست. حواله داران می‌گویند وعده‌های اولیه شرکت هر بار تغییر کرده و تاریخ تحویل‌ها بارها به تأخیر افتاده است، بدون آن که توضیح شفافی از سوی مدیران ارائه شود.

*گروهی از دکه‌داران و کیوسکداران، در اعتراض به تصمیم شهرداری برای تخلیه اجباری و افزایش اجاره ها، مقابل ساختمان استانداری بوشهر تجمع کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، یکی از معترضان گفت: «چیزی برای از دست دادن نداریم؛ این تنها راه نان‌درآوردن ماست.» بر اساس گزارش‌ها، شهرداری با فشار بر برخی دکه داران، قصد دارد این مکانها را تخلیه و با اجاره های سنگین تر واگذار کند. در این تجمع، دکه‌داران بنری با تصویر احمد بالدی در دست داشتند.

پنجشنبه ۲۲ آبان

*شماری از کارگران معدن طلای زره شوران تکاب، در محدوده محل کار خود دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش فارس، کارگران بخش تولید این معدن از دریافت بسیاری از مزایای رفاهی که برای سایر کارکنان این مجموعه بر اساس «آییننامه رفاهی کارکنان» واحدهای زیر مجموعه سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو) در نظر گرفته می‌شود، محروم هستند.

*اعتصاب رانندگان روی پل مرز پرویزخان در اعتراض به خالی کردن باک سوخت خودروهای سنگین رانندگان ایرانی.

یکشنبه ۲۵ آبان

تعدادی از شهروندان با در دست داشتن پلاکاردهایی در میدان تجریش تهران دست به تجمع زدند و نسبت به وضعیت نامناسب درختان محدوده این میدان و خیابان ولیعصر اعتراض کردند. به گزارش امتداد، به گفته شهروندان معترض، سنگفرش کردن اطراف درختان از جمله چنارهای کهن سال این منطقه، باعث خشک شدن تدریجی این درختان می‌شود.

تجمع معترضان پس از یک ساعت با دخالت نیروی انتظامی پایان یافت.

*گروهی از مالباختگان رامک خودرو مقابل مجتمع قضایی جرائم اقتصادی در تهران دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، باوجود صدور احکام قضایی در خصوص این پرونده، مالباختگان این شرکت بیش از هشت سال است که برای احقاق حقوق خود به نتیجه نرسیده‌اند.

*حدود ۵۰ نفر از آتش نشانان سندج، مقابل ساختمان ریاست سازمان آتش نشانی در این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش ایلنا، تجمع آتش نشانان در اعتراض به پرداخت نشدن معوقات مزدی آنها و پیش از واقعه خودسوزی شاهو صفری، از کارکنان این مجموعه صورت گرفته است.

*جمعی از واردکنندگان برنج کشور برای اعتراض به عدم پرداخت ارز واردات این محصول و مشکل تسویه با طرف خارجی مقابل وزارت جهاد کشاورزی تجمع کردند.

دوشنبه ۲۶ آبان

*جمعی از متقاضیان جوان مسکن ملی شوش برای اعتراض به عدم اختصاص قطعه زمین یا واحد مسکونی دست به تجمع مقابل فرمانداری این شهرستان در استان خوزستان زدند و خواستار ورود جدی، شفاف‌سازی روند، اعلام وضعیت پرونده‌ها و تعیین تکلیف هرچه سریع‌تر شدند.

سه شنبه ۲۷ آبان

*جمعی از شهروندان ساکن هرسین و مالکان زمینهای شهرک زر علی آباد (آزادی)، مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش هراتا، معترضان می‌گویند بیش از ۴۰ سال از خرید و تملک این زمینها گذشته، اما همچنان هیچ مجوزی برای برای زمینهای آنان صادر نشده است و خانواده‌ها در بالاترین حدی تکلیفی مانده اند.

*شماری از شهروندان از شهرهای مختلف کهگیلویه و بویراحمد، مقابل استانداری این استان در یاسوج دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش کُنا، معترضان بر این باورند که پروژه‌های سدسازی، از جمله ساخت سدهای خرسان سه و ماندگان، می‌تواند تأثیرات منفی بر زندگی روزمره و معیشت شهروندان داشته باشد و به ناپایداری زیست‌محیطی منجر شود.

*شماری از شهروندان ساکن شهرستانهای بن و سامان، مقابل ساختمان استانداری چهارمحال و بختیاری در شهرکرد دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش جهان بین، این شهروندان نسبت به عدم تخصیص حقایبه زمینها و باغهای منطقه اعتراض دارند. به گفته آنان، عدم تامین آب، موجب آسیب به باغها و مناطق زراعی شده است.

چهارشنبه ۲۸ آبان

*شماری از مالباختگان صرافی کریپتولند، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان در مقابل دادسرای تهران دست به تجمع زدند. به گزارش هراتا، شهروندان معترض، با سردادن شعارهای اعتراضی خواستار رسیدگی به پرونده این شرکت و بازپس‌گیری دارایی‌های خود شدند. معترضان شعار می‌دادند: ننگ ما، ننگ ما، قوه‌الدنگ ما! / نصر من‌الله و فتح قریب، مرگ بر این قوه مردم فریب! / حسین حسین شعارشون، دروغ و دزدی کارشون!

*کارگران خدمات شهری در شهرستان نورآباد ممسنی دست به تجمع زدند. به گزارش خبر نورآباد، کارگران معترض می‌گو

یند: مسئولان شرکت پیمانکار، کارگران را به اخراج، کسر حقوق، عدم پرداخت به موقع دستمزد و مزایا تهدید می‌کنند. آنها از شرایط معیشتی و عدم پاسخگویی مسئولان گلایه داشته‌مند هستند.

*کارگران ماشین سازی پارس برای اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و معیشتی مینی بر قراردادهای کاری یک ماهه و پرداخت قطره چکانی حقوق در این واحد صنعتی تجمع کردند.

پنجشنبه ۲۹ آبان

همزمان با برگزاری بیست و چهارمین نمایشگاه کشاورزی در اصفهان، کشاورزان اصفهان برای اعتراض به بی‌آبی و عدم پاسخگویی مسئولان استانی و کشوری دست به تجمع در سی و سه پل و کنار رود خشک زاینده رود زدند.

کُنشهای مداوم پرستاران و کادر درمان

در ماه گذشته مثل ماههای پیش پرستاران حرکتیهای اعتراضی گوناگونی انجام دادند. خواست مشترک پرستاران شامل موارد زیر است:

۱. شفاف سازی تعرفه ها و نحوه تخصیص کارانه ها
 ۲. عدالت در پرداخت تعرفه میان پزشکان و سایر کادر درمان
 ۳. پرداخت به موقع معوقات و مطالبات مالی
 ۴. استخدام نیروهای جدید و کاهش بار کاری کادر درمان
 ۵. درج فوق العاده خاص با ضریب ۳ در فیش حقوقی
- در گزارشی منتشر شده در رسانه های حکومتی پیرامون وضعیت عمومی پرستاران از قول رئیس سازمان نظام پرستاری کشور نوشته شده که: در بیمارستانهای ایران تنها نصف استاندارد جهانی پرستار داریم. این یعنی بیمارانی که نیاز به مراقبت دارند، در صف کمبود نیروی انسانی و بی تدبیری مسئولان گرفتار شده اند. پرستاران کم و فشار کاری زیاد، بیماران بیشتر و کیفیت درمان پایین؛ و کسی پاسخگو نیست.
- آن چه در زیر می‌خوانید، خلاصه ای از کُنشهای اعتراضی پرستاران در ماه آبان است.

شنبه ۳ آبان: گروهی از پرسنل اورژانس فسا مقابل ساختمان دانشگاه علوم پزشکی این شهرستان تجمع اعتراضی برگزار کرده و به حقوق پایین و معوقات پرداخت‌نشده خود اعتراض کردند و خواهان رسیدگی مسئولان جهت حل مشکلات خود شدند.

یکشنبه ۴ آبان: اعتصاب پزشکان و کارکنان کلینیک امام سجاد همدشت در اعتراض به عدم پرداخت ۷ ماه کارانه و وعده های توخالی مسئولان.

برای دومین روز شماری از کارمندان بهزیستی تبریز دست از کار کشیده و دست به تجمع اعتراضی زدند. معترضان علت این اقدام را اعتراض به عدم رضایت از میزان حقوق و دستمزد ماهانه و احساس تبعیض در صدور احکام کارکنان اعلام کردند.

دوشنبه ۵ آبان: همزمان با روز پرستار، جمعی از پرستاران ساکن کرمانشاه مقابل ساختمان دانشگاه علوم پزشکی این شهر تجمع کرده و خشم و نارضایتی خود را نسبت به عدم دریافت حق و حقوق قانونی، از جمله اضافه‌کار و کارانه یک سال گذشته، فریاد زدند.

معترضان تأکید کردند که رئیس دانشگاه به دلیل مشغله های شخصی و مدیریت ناکارآمد، حتی به جمع پرستاران نیامد و بی تفاوتی خود را به وضوح نشان داد.

بقیه در صفحه ۲۶

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۵



سه شنبه ۶ آبان: جمعی از پرستاران ساکن یاسوج، مقابل دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی استان کهگیلویه و بویراحمد دست به تجمع زدند. این پرستاران، نسبت به پرداخت نشدن مطالبات خود از هفت ماه گذشته، اعتراض کردند.

یکشنبه ۱۱ آبان: پزشکان بیمارستان خاتم الانبیاء ایرانشهر، در اعتراض به مشکلات موجود دست به اعتصاب زدند. به گزارش کمیون فعالین بلوچ، پزشکان به تغییرات مدیریتی اخیر در دانشگاه علوم پزشکی ایرانشهر و تأخیر در پرداخت حقوق خود، اعتراض کردند.

دوشنبه ۱۲ آبان: جمعی از کارکنان مراکز بهداشت کرمانشاه برای اعتراض به سطح نازل حقوق و عدم پرداخت مطالبات و وعده های توخالی مسئولان مقابل دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، تجمع کردند.

چهارشنبه ۱۴ آبان: داروخانه داران فارس برای اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مقابل دفتر اسناد پزشکی اداره کل تامین اجتماعی استان در کلانشهر شیراز تجمع کردند.

در همین روز جمعی از پرستاران بیمارستان قائم در مشهد، در اعتراض به تعرفه های پایین، تأخیر در پرداخت مطالبات و فرسودگی شغلی کادر درمان، دست به تجمع زدند. همزمان شماری از پرستاران در اهواز با برگزاری تجمعی اعتراضی، نسبت به وضعیت دشوار معیشتی و بی توجهی مسئولان به مطالبات صنفی خود اعتراض کردند.

شنبه ۱۷ آبان: جمعی از پرستاران و کادر درمان بیمارستانهای شهر یاسوج مقابل ساختمان استانداری در این شهر دست به تجمع زدند.

سه شنبه ۲۰ آبان: پرستاران با در دست داشتن پلاکاردهایی با شعار «پرستار نباشه، سیستم از هم می پاشه» بار دیگر صدای خستگی، بی عدالتی و فرسودگی خود را به گوش مسئولان رساندند.

معترضان گفتند؛ سالهاست ستون فقرات نظام درمانی کشورند، اما در عمل سهم شان از عدالت، تنها وعده های تکراری و بی توجهی بوده است.

همزمان کارکنان بهزیستی در شهرهای تهران، اصفهان، شیراز، خرم آباد، کبودر آهنگ، بستان آباد، تبریز، قروه، مرند، گناباد و خرمدره مقابل ستاد مرکزی این سازمان در تهران و مقابل اداره های بهزیستی سایر شهرها تجمع کردند.

آنان با در دست داشتن پلاکاردهای اعتراضی، خواستار افزایش حقوق و دستمزدها و نیز اجرای عادلانه طرح ارتقای شغلی شدند.

چهارشنبه ۲۱ آبان: گروهی از پرستاران و کادر درمان ساکن مشهد برای سومین روز متوالی در محوطه بیمارستان قائم این شهر دست به تجمع و راهپیمایی اعتراضی زدند.

معترضان با انتقاد از بی توجهی به خواسته های صنفی پرستاران، مطالبات خود را اجرای دقیق قانون مشاغل سخت و زیان آور، اصلاح تعرفه های پرستاری براساس تعرفه های پزشکی و اجرای فوق العاده خاص بر مبنای اصول صحیح و همچنین بهبود وضع معیشتی و شغلی پرستاران عنوان کردند. پرستاران با تجمع در بیمارستان «کودکان اکبر»، با شعارهایی مانند «پرستار له می شه، جیب ستاد پر می شه»، «پرستار نباشه سیستم از هم می پاشه» و «تعرفه حق ماست، پولش توی جیب شماس» خشم خود را نسبت به تبعیض، پرداخت نشدن کارانه ها و وعده های دروغ مسئولان رژیم فریاد زدند و تأکید کردند که ادامه این وضعیت ممکن نیست.

(منابع: شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران، ایلنا، هرانا، گینا نیوز)

جنبش سراسری بازنشستگان ۱۰۱

خروش بازنشستگان: ای دو نهاد رهبری چرا کنید ستمگری؟! / مخابرات ما ساختیم، سپاه بردش ما باختیم!

شنبه ۳ آبان: جمعی از کارگران بازنشسته استانداری قم نسبت به مشکل حقوقی مالی و عدم پرداخت مطالبات مقابل بانک شهر در این شهر تجمع کردند.

یکشنبه ۴ آبان: جمعی از بازنشستگان صنایع فولاد کشور مقابل ساختمان مجلس رژیم در تهران دست به تجمع زدند. بازنشستگان صنایع فولاد از استان های تهران، اصفهان، کرمان و همچنین رودبار گیلان و زیرآب مازندران حضور داشتند.

عدم ادغام صندوق بازنشستگی صنایع فولاد در صندوق بازنشستگی کشوری، اجرای همسانسازی، برداشتن سقف حقوق و حل مشکلات مربوط به خدمات درمانی، مهم ترین مطالبات این بازنشستگان معترض به شمار می آید.

همزمان شماری از بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای کرمانشاه، اهواز، شوش، رشت و تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند.

معترضان خواهان اجرای ماده ۹۶ قانون تامین اجتماعی جهت افزایش دریافتیهای متناسب با هزینه های زندگی، همسان سازی حقوق ها، خروج سازمان تامین اجتماعی از انحصار دولت و اصلاح ماده ۸۹ قانون تامین اجتماعی در

مزایای بازنشستگان و همچنین بازنگری در طرح همسانسازی حقوق شدند.

بازنشستگان شعار می دادند: «ای دو نهاد رهبری چرا کنید ستمگری؟! / مخابرات ما ساختیم سپاه بردش ما باختیم! / مخابراتو بردند، به دست گرگ سپردند.»

همزمان شماری از بازنشستگان بانک ملی مقابل ساختمان مرکزی این بانک در تهران دست به تجمع اعتراضی زدند. تجمع کنندگان از اقدام اخیر بانک ملی در بر گردن گیری تعهدات و بدهیهای بانک فاسد و منحل شده «آینده» انتقاد می کنند.

سه شنبه ۶ آبان: جمعی از بازنشستگان کشوری و تامین اجتماعی مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی کشوری استان کرمانشاه تجمع کردند. بازنشستگان شعار می دادند: «جای معلم زندان نیست، معلم زندانی را آزاد کنید! / اجرای حکم اعدام خیانت به قرآن / ایران بدون اعدام! / ایران را غارت کردند، ما را بیچاره کردند! / ظلم و ستم فراوان، ما را کشاندن خیابان! / فقر فساد تورم! / بادی جان مردم! / احکام گشت و اعدام، نابود باید گردد!»

همزمان شماری از بازنشستگان فروشگاههای زنجیره ای رفاه در خیابان پاسور تهران تجمع کردند.

چهارشنبه ۷ آبان: جمعی از بازنشستگان صنایع فولاد مقابل استانداری خوزستان در اهواز، دست به تجمع زدند. بازنشستگان معترض اعلام کردند که سالها وعده اجرای طرح همسانسازی حقوقها فقط بر روی کاغذ مانده و در عمل هیچ بهبودی در وضعیت معیشتی آنان ایجاد نشده است.

یکشنبه ۱۱ آبان: تجمع شماری از بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای بندر انزلی، اهواز، شوش، اصفهان، رشت، قزوین، تهران و کرمانشاه.

همزمان تعدادی از بازنشستگان صنایع فولاد اصفهان، با برگزاری تجمع و راهپیمایی اعتراضی مقابل صندوق بازنشستگی فولاد اصفهان و سردادن شعارهای «اتحاد اتحاد علیه ظلم و فساد»، «وعده وعید کافیه سفره ما خالیه»، «کشور غارت کردند مارو بیچاره کردند»، «کشور پر درآمد چی برسر تو آمد»، «فولادی دادبزن حق تو فریاد بزن» و...

دوشنبه ۱۲ آبان: تجمع بازنشستگان مخابرات در شهرهای تهران، تبریز، همدان، کرمانشاه، خوی، سنندج، زنجان، رشت، اهواز، اصفهان، شیراز، مریوان، کرمان، مشهد، بیجار، بروجرد، هرمزگان و شهرکرد.



چهارشنبه ۱۴ آبان: جمعی از بازنشستگان ارتش، در اعتراض به عدم تحقق مطالبات خود مقابل ساختمان مرکزی قانون ارتش تجمع کردند. ارائه گزارش شفاف در مورد هزینه حق عضویت بازنشستگان ارتش توسط کانون و همچنین شفاف سازی در خصوص ساختمان سازی کانون ارتش در شهرهای شمالی و کرمانشاه، از جمله مطالبات این بازنشستگان است.

بقیه در صفحه ۲۷



رابطه با دریافت خدمات درمانی هستند.

دوشنبه ۵ آبان: گروهی از بازنشستگان مخابرات در شهرهای همدان، شیراز، کرمانشاه، سنندج، تبریز، تهران، اهواز، اصفهان، مشهد، مریوان، خرم آباد، رشت، خوی و کرمان، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

معترضان در این تجمع خواستار بازگشت پوشش بیمه ای از بیمه تکمیلی به بیمه تامین اجتماعی، بهبود خدمات درمانی، اجرای کامل آییننامه ۸۹ در خصوص پرداخت مطالبات و

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۶

شنبه ۱۷ آبان: شمار زیادی از بازنشستگان بانکها از شهرهای مختلف کشور، با برگزاری تجمع اعتراضی مقابل دبیرخانه شورای هماهنگی بانکها در خیابان میرداماد تهران، خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. بازنشستگان معترض خواستار اجرای صحیح قوانین و آییننامه‌های موجود جهت بهبود وضعیت معیشت خود و رفع تبعیض بین بازنشستگان و شاغلان در پرداخت آیمهای رفاهی و مناسبتی هستند.

یکشنبه ۱۸ آبان: تجمع بازنشستگان مخابرات در شهرهای تهران، اصفهان، کرمانشاه، تبریز، رشت، زنجان، میوان، همدان، کرمان، بیجار، سنندج، بابل و قم. همزمان با سالروز واگذاری شرکت مخابرات به بخش خصوصی، جمعی از بازنشستگان این مجموعه دست به تجمع اعتراضی زدند. بازنشستگان، ۱۸ آبان را روز سیاه مخابرات می دانند و می گویند بعد از واگذاری شرکت مخابرات، کارکنان شاغل و بازنشسته این شرکت بسیاری از حقوق و مزایای خود را از دست داده‌اند.

همزمان تعدادی از بازنشستگان صنایع فولاد اصفهان مقابل دفتر صندوق بازنشستگی صنایع فولاد در این شهر تجمع کردند.

در همین روز بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای اهواز، شوش، رشت و کرمانشاه تجمع کردند.

سه شنبه ۲۰ آبان: جمعی از بازنشستگان کشوری و تامین اجتماعی در کرمانشاه، مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی کشوری دست به تجمع اعتراضی زدند.

یکشنبه ۲۵ آبان: تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای اهواز، شوش، رشت، تهران، قزوین و کرمانشاه. در همین روز تعدادی از بازنشستگان صنایع فولاد اصفهان مقابل اداره کار در این شهر دست به تجمع زدند.

دوشنبه ۲۶ آبان: تجمع بازنشستگان مخابرات در شهرهای شیراز، قزوین، ایلام، تهران، بابل، اصفهان، کرمان، بیجار، ارومیه، تبریز، همدان، کرمانشاه، سنندج، میوان، اهواز، چهارمحال و بختیاری، رشت، مشهد و خرم آباد.

سه شنبه ۲۷ آبان: جمعی از بازنشستگان صنعت نفت، مقابل ساختمان وزارت نفت در تهران، تجمع کردند. تجمع کنندگان با شعار «عبوری حیا کن، هلدینگ رو رها کن» به بی پاسخ ماندن خواسته‌های شان اعتراض کردند. تجمع کنندگان خواهان برکناری «مهدی عبوری»، مدیرعامل ناکارآمد هلدینگ «اهداف»، که داراییهای صندوق بازنشستگی نفت را اداره می کند، شدند.

همزمان جمعی از بازنشستگان شرکت ملی مس در شهرستان رفسنجان، برای سومین روز متوالی در محوطه دفتر نماینده شهرستانهای رفسنجان و انار در مجلس رژیم، دست به تجمع زدند.

(منابع: شورای بازنشستگان ایران، محابرات فرده ایلنا، سازش خیر)

جنبش اعتراضی کارگران صنایع نفت، گاز و پتروشیمی ۷۷

خبرگزاری ایلنا در گزارشی به نقل از کارگران ارکان ثالث صنعت نفت نوشته است: «ما خواستار عقد قرارداد مستقیم و

حذف پیمانکاران هستیم؛ وظایف اصلی صنعت نفت برعهده ما کارگران ارکان ثالث است اما مزایا و امکانات آن نصیب دیگران می‌شود. ما همچنان از امنیت شغلی و دستمزد شایسته محرومیم.»

مطالبات مشترک کارکنان صنایع نفت شامل موارد زیر است:

- ۱- اصلاح پایه حقوق کارکنان حداقل بگیر
- ۲- حذف کامل سقف حقوق پرسنل عملیاتی
- ۳- برپیدیه شدن عنوان های ساختگی و جعلی به جهت تفکیک مشاغل مناطق عملیاتی
- ۴- پرداخت کامل پاداش سنوات بازنشستگی
- ۵- عودت مالیات‌های مازاد اخذ شده طبق قوانین موجود
- ۶- اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت کامل بک پی آن
- ۷- استقلال کامل صندوق بازنشستگی نفت

شنبه ۳ آبان: کارگران پتروشیمی ایلام از انجام فعالیتهای روزانه خود امتناع کرده و مقابل در ورودی این شرکت دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارگران که زیر نظر شرکت پیمانکاری «کهریا توان» در پتروشیمی ایلام شاغل هستند، به پرداخت نشدن حقوق خود توسط شرکت پیمانکار اعتراض کردند. در همین روز گروهی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران شاغل در مناطق بهرگان و سکوی بهرگانسر، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

یکشنبه ۴ آبان: گروهی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران شاغل در مناطق لاوان، بهرگان، سیری و خارک تجمع اعتراضی برگزار کردند.

دوشنبه ۵ آبان: شماری از کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران شاغل در منطقه لاوان راهپیمایی و تجمع کرده شعارهای «خواسته ما یک کلام مزدتمام وسلام»، «مسئول بی کفایت استعفا استعفا»، «اجرای ماده ۱۰ حق مسلم ماست»، مجلسی وزارت عدالت عدالت»، «مشکل ما کف وسقف حقوقه هروعهده ای که می دهند دروغه»، «تفکیک ظالمانه ملغی بایدگردد» و... سردادند. در همین روز جمعی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران در دو سکوی گاز و نفت رسالت تجمع اعتراضی برگزار کردند.

سه شنبه ۶ آبان: شماری از کارکنان این شرکت در منطقه سیری، کارگران ارکان ثالث پالایشگاههای مجتمع گاز پارس جنوبی، عسلویه و کنگان (پالایشگاههای اول، دوم، سوم، پنجم و ششم) و پالایشگاه گاز فجر جم در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت و سطح نازل حقوق و تبعیض در پرداختی ها دست از کار کشیدند و در محل کارشان تجمع کردند.

چهارشنبه ۷ آبان: گروهی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران شاغل در مناطق بهرگان و خارک، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

تجمع کردند. در همین روز شماری از کارکنان مجتمع گاز پارس جنوبی شاغل در پالایشگاههای اول، دوم، چهارم، پنجم، ششم، هفتم، هشتم، نهم، دهم، یازدهم، دوازدهم و پالایشگاه گاز فجر جم این مجموعه، در محل‌های کار خود دست به تجمع زدند.

یکشنبه ۱۱ آبان: گروهی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران شاغل در منطقه خارک، منطقه سیری و سکوی نصر واقع در این منطقه عملیاتی، تجمع اعتراضی برگزار کردند. همزمان گروهی از کارگران قراردادی و پیمانکاری واحد حراست شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر، مقابل ساختمان اداره کار این شهرستان دست به تجمع زدند.

دوشنبه ۱۲ آبان: گروهی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران در منطقه لاوان دست به تجمع اعتراضی زدند.

چهارشنبه ۱۴ آبان: گروهی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران شاغل در مناطق بهرگان، سیری و خارک تجمع اعتراضی برگزار کردند.

شنبه ۱۷ آبان: تجمع گروهی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره شاغل در مناطق لاوان و بهرگان/ همزمان شماری از کارکنان مجتمع گاز پارس جنوبی شاغل در پالایشگاههای اول، دوم، پنجم، ششم، هفتم، هشتم، نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم این مجموعه، در محل‌های کار خود دست به تجمع زدند.

یکشنبه ۱۸ آبان: گروهی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران شاغل در منطقه سیری و خارک تجمع اعتراضی برگزار کردند به تجمع زدند.

دوشنبه ۱۹ آبان: گروهی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران شاغل در منطقه لاوان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

سه شنبه ۲۰ آبان: تجمع کارکنان پیمانکاری و ارکان ثالث شاغل در بخشهای مختلف مجتمع گاز پارس جنوبی در عسلویه، شرکت نفت فلات قاره در دو سکوی نصر و ایلام در منطقه سیری، شرکت پالایش گاز فجر جم، کارگران مجتمع گاز پارس جنوبی به همراه اعضای خانواده‌های خود از ورودی شرقی این مجتمع تا ستاد اداری مجتمع گاز راهپیمایی کردند و مقابل پالایشگاه دوم پارس جنوبی، دست به تجمع اعتراضی زدند.

چهارشنبه ۲۱ آبان: جمعی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران در منطقه خارک، دست به تجمع اعتراضی زدند. در شامگاه همین روز شماری از رانندگان تانکرهای گاز در فاز ۱۳ عسلویه، در اعتراض به توقف چند روزه خروج محموله‌ها و نبود امکانات اولیه، مقابل دفتر این مجموعه دست به تجمع زدند.



شنبه ۲۴ آبان: شماری از کارکنان مجتمع گاز پارس جنوبی شاغل در پالایشگاههای اول، دوم، سوم، پنجم، ششم، هفتم، نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم این مجموعه، در محل‌های کار خود دست به تجمع زدند. همزمان شماری از بقیه در صفحه ۱۸



شنبه ۱۰ آبان: کارگران شرکتی و ارکان ثالث صنعت نفت و وزارت نیرو از شهرهای مختلف کشور به تهران رفتند و تجمع اعتراضی برگزار کردند. همزمان گروهی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره شاغل در منطقه بهرگان و لاوان

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، امیر ابراهیمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No : 496 /22 November 2025

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E – KHALGH in Telegram ///@nabard_khalg --- https://telegram.me/nabard_khalgh

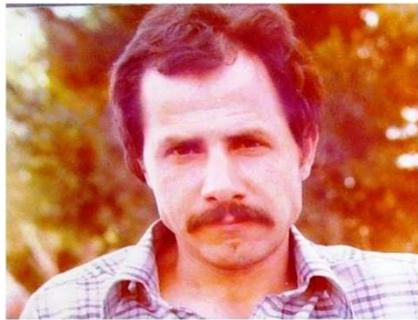
NABARD - E – KHALGH in Facebook //// <https://www.facebook.com/nabardekhalgh>

شهیدان فدایی آذر ماه

یادواره شهیدان فدایی

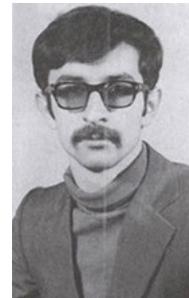
فدایی شهید رفیق پرویز نصیر مسلم

گردآوری و تنظیم: امیر ابراهیمی



رفیق مسعود فرخی پور

رفقای فدایی: اسدالله بشردوست - پرویز نصیر مسلم - ابوالقاسم ینکچه همدانی - زهرا آقایی قلهکی - علی رضا بهاری پور مزکوشی - علی عبدالعلی زاده - محمد رضا شهنواز - غلام رضا تاروردیان چایچی - ناهید (زهره) ملک محمدی - حمید رضا سعادت - مختار قلعه ویسی - احمد اقدسی - بهروز بهروزنیا - حسین تدریسی - فرهود روایی - قرنی (قارنه) حسنی - محسن مدیر شانه چی - محمدعلی پایوار - رشید حسنی بزرگ آباد - حمید اشراق - توکل اسدیان - بیژن حوایی - نسرتین محمد پور دهکردی (ناهید محمدی) - جلال پورجعفری آزاد - خسرو (ارژنگ) دستاران - حسین غلامی - علی رضا نعمتی - محمد حسین معینی - پیام هنریار - کامیار کریمی - مجتبی تابا - مسعود فرخی پور - علی مرادی - هوشنگ کیانی - سعید سلیمانی - مجتبی شادمان - ابوالقاسم اصغری صحت - آذر لطیفی - عبدالکریم اجبرایی - آنا گلدی گوکلانی - مسعود صارمی - حسن توکلی دوانی - رحیم تشکری - حسن زکی زاده - وحید پیروزنیا - فریدون شافعی (رحمان) - سید کاظم شهیدی ثالث - رحمت طالب نژاد، حسین قهرمانی، خدیجه عارفته و..... در مبارزه علیه دیکتاتوریهای سلطنتی و ولایت فقیه به شهادت رسیدند.



رفیق پرویز نصیر مسلم

رفیق پرویز نصیر مسلم در لاهیجان متولد شد و در فضای سیاسی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را به پایان رساند و پس از آن از دانشکده کشاورزی کرج فارغ التحصیل شد. رفیق پرویز خدمت سربازی را تربت جام انجام داد.

رفیق نصیر مسلم در مهر ماه سال پنجاه و یک خورشیدی توسط ساواک دستگیر و به دوسال حبس محکوم شد. در دوره حبس با رفقا حسن فرجودی و رضا غبرائی آشنا شد.

پس از آزادی در بخش خصوصی مشغول به کار شد و همزمان در ارتباط با سازمان قرار گرفت.

طبق گزارشهای ساواک، بعد از ظهر روز چهارم آذر سال پنجاه و پنج دو اکیپ عملیاتی کمیته مشترک در خیابان زاله، پشت مسجد سهسالار، دو نفر جوان را مشکوک تشخیص داده و به طرف آنان میروند و افراد مزبور قصد فرار می کنند که یکی از آنان مورد اصابت گلوله قرار گرفت و نفر دوم (بعدا معلوم شد حسن فرجودی بوده) از منطقه می گریزد.

رفیق پرویز نصیر مسلم در این درگیری مجروح و تا سه روز تحت شکنجه بوده است. ساواک تلاش می کند شهادت وی را پنهان نگه دارد تا بتواند از آن بهره برداری اطلاعاتی نماید.

اداره سوم ساواک نامه ای به ساواک گیلان ارسال می کند و ضمن اعلام کشته شدن پرویز درخواست می کند از دادن هرگونه اطلاعی به خانواده وی خودداری کرده و به نحو غیر محسوسی این خانواده را زیر نظر داشته باشند.

*به پیش، شنبه ۲۳ ژانویه ۲۰۲۱

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم